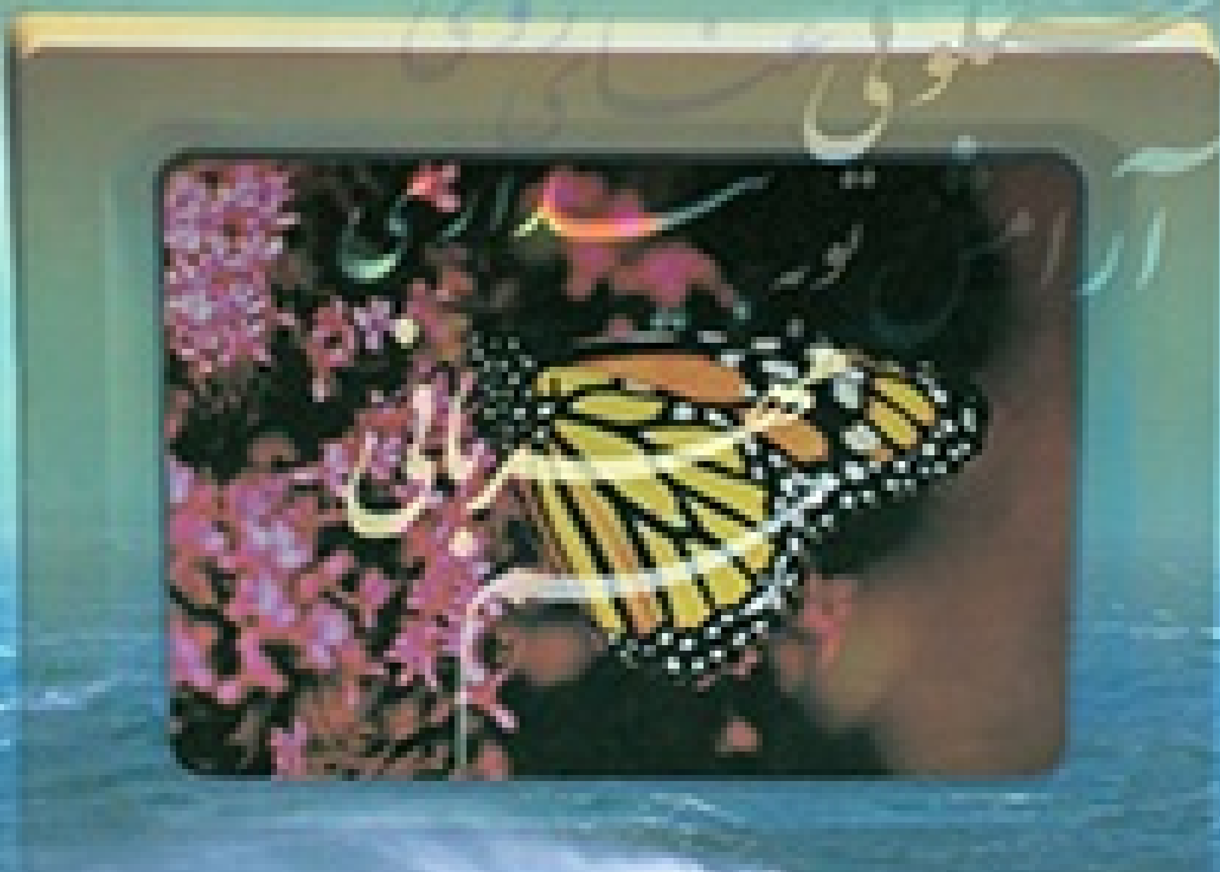
تبلور
ایمان و عمل صالح
در رسانه



بسم الله الرحمن الرحیم

ایمان و عمل صالح و نقش رسانه در تثبیت آن

نویسنده:

حسین حسینی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

ایمان و عمل صالح و نقش رسانه در تثبیت آن

مشخصات کتاب

سرشناسه : حسینی، سیدحسین

عنوان و نام پدیدآور : ایمان و عمل صالح و نقش رسانه در تثبیت آن/ حسین حسینی.

مشخصات نشر : تهران: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۱.

مشخصات ظاهری : ۱۰۸ص.

شابک : ۹۶۴-۷۸۰۸-۰۸-۹ :

یادداشت : عنوان روی جلد: تبلور ایمان و عمل صالح در رسانه.

یادداشت : کتابنامه: ص.۱۰۶-۱۰۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان روی جلد : تبلور ایمان و عمل صالح در رسانه.

موضوع : ایمان (اسلام)

موضوع : اسلام -- بررسی و شناخت

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره : BP۲۲۵/ح۵الف۹ ۱۳۸۱

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۴

شماره کتابشناسی ملی : ۳۵۸۸۱۳۱

ص:۱

اشاره

دیباچه

اهمیت فراوان توحیـد و معاد و پی آمـدهای ژرف شـناخت آن ها برای حیات آدمی، انکارناپـذیر است. شـناسایی مبـدأ هستی (توحید) و مقصد آن (معاد) همواره یکی از دغدغه های اصلی بشر بوده است. از این رو، بخش مهمی از منابع گوناگون دینی به توصـیف مبـدأ عـالم یـا همـان «خـدا» و بیـان رابطه ی او با انسان و جهان و نیز معاد پرداخته است. حضور گسترده و پویای باورهای خداشـناسانه در تاریخ اندیشه ی آدمی، گویای بخشی از اهمیت حیاتی شناخت مبدأ و معاد است. اهمیت خداشناسی و معادشناسـی را از نظر پی آمـدهای آن در حیات فردی و جمعی انسـان هـا نیز می تـوان مـورد تـوجه قرار داد. بی تردیـد، زندگانی انسان خداشناس با زندگی ملحدانه ی فردی که به وجود خدا باور ندارد، تفاوتی بنیادین دارد. هم چنین با مقایسه ی زندگی دو انسان مؤمن به توحید و معاد که هریک برداشتی ویژه از توحید و معاد دارند، تفاوت های اساسی آشکار می شود. همه ی این مسایل در این نکته ریشه دارد که باور آدمی به خـدا و برداشت او از ویژگی های الله و میزان شـناخت وی از معاد، در جنبه هـای گونـاگون حیـات او و در انگیزه هـا، نیت ها، داوری ها و کردارهای او کاملاً اثر می گـذارد. در یک کلام، این نکته معنا و مفهوم ویژه ای به زندگی او می بخشد و شخصیت و هویت ویژه ای برای او به ارمغان می آورد.

در راستای تقویت دین مداری و تثبیت اعتقادات از طریق رسانه ی حساس، توان مند و فراگیر صدا و سیما پژوهش گر ارجمند جناب حجت الاسلام سیدحسین حسینی کوشیده اند تا تبلور ایمان، عمل صالح و پیآمدهای سودمند آن را برای جامعه اسلامی به تصویر کشند. ضمن سپاس از ایشان، امید که مورد استفاده برنامه سازان و پژوهش گران ارجمند قرار گیرد.

«انشاءاللّه»

«انّه ولیّ التوفیق»

«مدیریت پژوهشی مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما»

پیش گفتار

پیش از هرچیز باید گفت که حس نیایش و پرستش، بی گمان از آغاز در روح آدمی آشکار بوده است. تاریخ نشان می دهد که هر زمان و هرکجا بشر بوده است، نیایش و پرستش هم بوده است؛(۱) امّا گونه ی پرستش و پرستش شونده متفاوت بوده است: از رقص ها و حرکات موزون گروهی همراه برخی ذکرها و وردها گرفته تا عالی ترین فروتنی ها و افتادگی ها و بالاترین ذکرها و ستایش ها، و نیز از پرستش سنگ و چوب گرفته تا پرستش پروردگار جاودان. از این رو، برانگیخته شدن و رسالت پیامبران برای پرستش نبوده است؛ بلکه ایشان نوع پرستش و پرهیز از پرستش غیر خداوند یگانه را تبلیغ و ترویج نموده اند.

در این که آیا بشر در آغاز یگانه پرست بود یا مشرک و بت پرست، اختلاف نظر وجود دارد: برخی(۲) می گویند که تاریخ نشان می دهد نخستین بشر متمدن، بت پرست بوده است؛ اما مسلمات دینی و اعتقاد برخی از دانش مندان دین شناس بر آن است که بشر ابتدا یگانه پرست بوده است و خدای واقعی خویش را می پرستیده است و پرستش بت، ماه، ستاره یا انسان، از انحراف هایی است که بعدها رخ داده است؛(۳) زیرا از زمان هبوط آدم و حوا(۴) ــ با توجه به روایاتی که بر خالی نبودن زمین از حجت دلالت دارند(۵) ــ همواره در

۱- طهارت روح، استاد مرتضی مطهری، نشر ستاد اقامه نماز، ۱۳۷۴، ص ۱۷.

۲- مباحث بنیادین مجموعه ی آثار شماره ۱ مهدی بازرگان، انتشارات قلم، ۱۳۷۷، ص ۸۳.

۳- طهارت روح، استاد مرتضی مطهری، ص ۱۸.

۴- بقره، ۳۶.

۵- اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، برگردان سیدجواد مصطفوی، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت، ج ۱، ص ۲۵۱.

زمین، حجت خدا وجود داشته است و پرواضح است که حجت خدا انسانی خداپرست است.

در هر حال، وقتی به آیات و روایات و تاریخ می نگریم، می بینیم که در طول تاریخ مسأله توحید و معاد، همواره دغدغه بشر بوده است. پیامبران الهی نیز یکی پس از دیگری بر این دو تأکید کرده اند. در حقیقت پرستش خدای یگانه ترس از معاد و قیامت، ریشه و زیربنای دعوت پیامبران بوده است. آیات قرآن کریم دعوت پیامبران را در توحید و معاد خلاصه می کند؛ شما را دعوت می کنم که جز خدای یکتا را نپرستید که بر شما از عذاب روز دردناکی می ترسم.(۱)

روش و اهداف تحقیق

قرآن از سرگذشت دعوت پیامبران در سوره های بسیاری مانند اعراف، هود، مؤمنون و شعرا سخن می گوید. همه جا پایان بخش سخن «یا قَوْمِ اعْبُدُوااللّهَ ما لَکُمْ مِنْ اِلهٍ غَیْرُهُ»(۲) است نه اثبات پدیدآورنده و توصیف خدای خالق. از این رو، آیات مبارزه با الحاد و دهری مسلکی در قرآن کم تر به چشم می آید، ولی رودررویی با شرک در بیشتر سوره ها دیده می شود. مثلاً در سوره ی زمر می فرماید: «بگو ای جاهلان آیا به من دستور می دهید که غیرخدا را بپرستم؟ به تو و همه ی پیامبران پیشین وحی شده است که اگر مشرک شوی تمام کارهایت تباه می شود و از زیان کاران خواهی بود».(۳) از سوی دیگر، شعار رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و قرآن نیز «لااله الااللّه» است که با حرف نفی شروع می شود. هم چنین در دعای افتتاح هم آمده است: «مَکِّنْ لَهُ دینَه الَّذی ارْتَضَیْتَه لَهُ اَبْدِلْهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ اَمْنا یَعْبُدُک لایُشْرِک بک شیئا؛ و او را برای نگه داری دین اش که پسند توست قدرت

۱- هود، ۲۶؛ یوسف، ۴۰؛ اسرا، ۲۳.

۲- هود، ۸۴.

۳- زمر، ۶۴ و ۶۵.

ده و ترس او را، پس از این مـدت، بدل به ایمنی کن تا تو را بپرسـتد و هرگز به تو شـرک نیاورد». نمونه های پافشاری قرآن و اولیای اسلام در پرهیز از شرک فراوان است.

بازگشت همه بدبختی ها به غفلت است. اگر چشم بصـیرت کور می شود و گوش باطن از شـنیدن حقایق باز می ماند و دل از دریـافت واقعیـات عـاجز می مانـد تا آن جا که از چهارپایان هم پست تر می شود، همه از غفلت است. قرآن کریم در این باره می فرمایـد: «به یقین گروه بسـیاری از جن و انس را برای دوزخ آفریـدیم. آن هـا دل هـایی (خردهـایی) دارنـد که با آن نمی فهمند. چشمانی که با آن نمی بینند، گوش هایی که با آن نمی شنوند، آن ها هم چون چهارپایانند، بلکه گمراه تر! اینان همان غافلان اند».(۱) آری، قرآن اهل غفلت را این گونه معرفی فرمود. به راستی چرا اینان کور و کر و بی خرد شده اند؟ چون اهل غفلت اند. غفلت از چه؟ از توحید و معاد.

با این دو مقـدمه تا حدودی روش و اهداف ما در این تحقیق روشن شد. در ضـمن مباحث آینده که در دو بخش و چند فصـل بیان می شود، عنوان های زیر را پی می گیریم:

۱. علل و عوامل غفلت و انحراف از توحید و معاد.

۲. آثار و لوازم پذیرش توحید و معاد در امور فردی و اجتماعی.

۳. آثار و نتایج عدم پذیرش توحید و معاد در امور فردی و اجتماعی.

۴. بررسی و پاسخ گویی چند شبهه درباره ی توحید و معاد.

۵. نقش رسانه در تثبیت و تقویت یا تضـعیف توحید و معاد در باورها (که در ضـمن آن به ارزیابی فعالیت ها و وضـعیت فعلی رسانه خواهیم پرداخت)

۶. بیان راه کارهای مناسب برای ترویج و تبلیغ توحید و معاد در مقاطع سنی مختلف و اقشار گوناگون جامعه.

۱- اعراف، ۱۷۹.

بخش اوّل: بررسی علل انحراف و غفلت و آثار پذیرش و عدم پذیرش توحید و معاد

اشاره

بخش اوّل: بررسی علل انحراف و غفلت و آثار پذیرش و عدم پذیرش توحید و معاد

زیر فصل ها

فصل اول: علل انحراف و غفلت از توحید و معاد

فصل دوم: آثار پذیرش توحید و معاد

فصل سوّم: آثار انکار توحید و معاد

فصل چهارم: بررسی برخی شبهات، درباره ی مباحث مطرح شده

فصل اول: علل انحراف و غفلت از توحید و معاد

اشاره

فصل اول: علل انحراف و غفلت از توحید و معاد

زیر فصل ها

۱ ـ عوامل درونی

۲ ـ عوامل بیرونی

۱ ـ عوامل درونی

اشاره

۱ ـ عوامل درونی

زیر فصل ها

۱ ـ ۱ ـ محبت و دل بستگی به دنیا

۲ _ ۱ _ هواپرستی و غفلت

۳ _ ۱ _ عجب (خودبینی)

۴ _ ۱ _ حسادت

۵ _ ۱ _ غضب و خاموشی نور توحید

۶ _ ۱ _ نفاق

۷ _ ۱ _ آرزوی بسیار

۸ _ ۱ _ تکبر

۹ _ ۱ _ خودناشناسی

۱۰ _ ۱ _ شخص پرستی

۱ _ ۱ _ محبت و دل بستگی به دنیا

۱ _ ۱ _ محبت و دل بستگی به دنیا

اصل مهم درباره ی محبت و دل بستگی این است که دوست داشتن هرچیز _ چنان چه علمای اخلاق می گویند _ وحدت پیدا کردن با آن و فانی شدن در آن است. هرچه این محبت شدیدتر باشد، وحدت یافتن و فانی شدن نیز کامل تر خواهد بود. محبت، چیزی خیالی نیست؛ بلکه یک واقعیت عینی در دل انسان است. بنابراین وقتی انسان به چیزی یا کسی ابراز محبت می کند و آن را دوست می دارد، در همان حال دل او نیز به سوی آن گرایش پیدا می کند. هرچند انسان بر فطرت الهی آفریده شده است، دست پرورده ی طبیعت است: هنگامی که چشم می گشاید، پدیده های دنیایی را می بیند و به دنبال لذت های آن است. محبت دنیا در دل انسان پدیدار می شود و به تدریج رشد پیدا می کند. حال اگر آن فطرت الهی و باور به توحید و معاد در جان او شعله نکشد و محبت و دل بستگی را تعدیل نکند، انسان دچار غفلت از خدا و مرگ و قیامت خواهد شد؛ زیرا آکنده ساختن دل از محبت دنیا، باعث تهی شدن دل از محبت خدا می شود و «خداوند برای شما دو دل قرار نداده است».(۱) اگر تمام توجه انسان به دنیا و محبت آن معطوف شود،

۱- احزاب، ۴.

محبت خـدا و معاد یکـ سره از دل رخت می بنـدد: «اَخْلَدَ اَلَی الْاَرْضِ وَ اتَّبَعَ هَواه؛ به سوی زمین گرایید (پستی طلبید) و هوای نفس خویش را پیروی کرد».(۱)

اگر محبت و دل بستگی دنیا تا هنگام مرگ ادامه پیـدا کند، چه بسا باعث دشـمنی با خدا و مرگ و قیامت شود. از سویی می بینـد این خداونـد است که او را از محبوبش جـدا می کنـد و به همین سـبب با کینه نسـبت به خداوند از دنیا می رود. از سوی دیگر مرگ را باعث جدایی خود و دوست داشـتنی ها می بیند و نسبت به آن کینه پیدا می کند؛ زیرا دنیا و آخرت دو دشـمن انـد و راه هرکدام از دیگری جداست. پس کسـی که دنیا را دوست داشت و به آن دل بست، آخرت را دشـمن داشـته و به آن دشمنی نموده است. «آن دو مانند مشرق و مغرب اند که هرکس به یکی نزدیک شود از دیگری دور می گردد.»(۲)

در اهمیت محبت و دل بسـتگی به دنیا، در غفلت از توحید و معاد همین بس که حضـرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله وسـلم درباره ی حشر و نشری که با جهّال داشت و لذت اجباری که لذائذ دنیوی می برد، می فرمود: « گاه دلم را کدورتی می پوشاند. به راستی که هر روز هفتاد بار از خداوند درخواست آمرزش می کنم».(۳)

۲ _ ۱ _ هواپرستی و غفلت

۲ _ ۱ _ هواپرستی و غفلت

در قرآن کریم، آیـات متعـددی رابطه ی این دو را بیـان می فرمایـد و یکی از عوامل غفلت را پیروی از هوای نفس معرفی می نمایـد. در سوره ی کهف، خداونـد خطاب به پیامبراکرم صـلی الله علیه و آله وسـلم می فرماید: «از کسانی که قلبشان را از یاد خود غافل ساختیم، اطاعت مکن؛ همان ها که از هوای نفس پیروی کردند و کارهایشان افراطی است».(۴)

در این آیه، نخست غفلت از خدا مطرح می شود و به دنبال آن پیروی از هوا.

آیه ی ۲۳ سـوره ی جـاثیه می فرمایـد: «آیـا دیـدی کسـی را که معبود خود را هوای نفس خویش قرار داده و خداونـد او را با آگاهی _ بر این که شایسته ی هدایت نیست _ گم راه ساخته و

۱- اعراف، ۱۷۶.

۲- نهج البلاغه، سیدرضی، حکمت ۱۰۰.

۳- مستدرک الوسایل، محدث نوری، المکتبه الاسلامیه، تهران، ۱۳۴۳، ج ۵، ص ۳۲۰.

۴- کهف، ۲۸.

بر گـوش و قلب اش مهر زده و بر چشم اش پرده ای افکنـده است؟» در این آیه ریشه ی غفلت از توحیـد، هواپرسـتی و محـور قرار دادن امیال شخصـی معرفی شـده است و چنان که گذشت، فراموشـی مبدأ همان فراموشـی معاد است. نکته دیگری که در این آیه بـدان اشاره شـد چگونگی غفلت انسان در اثر هوای نفس است: این که هواپرستی پرده ای بر خرد می کشـد، بدکاری های فرد را در نظرش زیبا جلوه می دهد و حس تشـخیص را که بزرگ ترین نعمت خدا و باعث ممتازی انسان از حیوان است از او می گیرد. او را به خـود وا می دارد و از توحیـد و معـاد غافـل می کنـد. این همـان است که یعقـوب پیـامبر به فرزنـدانش فرمود: «بَلْ سَوَّلَتْ لَکُمْ اَنْفُسُکُمْ اَمْرا»(۱) به قول شاعر:

مادر بتها، بت نفس شماست

زآن که آن بت، مار و این بت اژدهاست

در روایات هم به این مسأله اشاره شده است. امیرمؤمنان علیه السـلام می فرماید: «هول ناک ترین چیزهایی که از آن ها بر شما می ترسم دو چیز است: پیروی از هوای نفس و آرزوهـای دراز؛ پیروی از هوای نفس شـما را از حق بـاز می دارد و آرزوهـای دراز آخرت را به فراموشی می سپرد».(۲)

۳ _ ۱ _ عجب (خودبینی)

۳ _ ۱ _ عجب (خودبینی)

«عجب» این است که انسان به سـبب کمالاتی که در خود می بینـد _ خواه این کمالات را دارا باشد یا نباشد _ خود را بزرگ و برتر ببینـد و برخود ببالد. فرق عجب و تکبّر در این است که در تکبّر نیاز است کسـی باشد تا انسان خود را از او بزرگ تر و بالاـتر بدانـد، ولی در عجب، بودن دیگری و در نظر گرفتن برتری بر او نیـاز نیست. عجب نوعی شـرک خفی است. اهل ایمان ممکن است

۱- یوسف، ۱۸.

۲- نهج البلاغه، پیشین، خطبه ی ۴۳.

دچار آن شوند: «آنها بر تو منّت می نهند که اسلام آورده اند»(۱) اهل گناه نیز گرفتار آن می شوند: «بگو آیا به شما بگوییم که زیان کارترین مردم در کارها چه کسانی اند؟ آن ها که کوشش ایشان در زندگی این جهان تباه شد؛ در حالی که آنان می پندارند کارهای نیک انجام می دهند. اینان کسانی اند که به آیات پروردگارشان و دیدار او ایمان نیاوردند؛ پس کارهایشان تباه شد. از این رو در قیامت، میزانی برای آنها برپا نخواهیم کرد.»(۲) زمینه سازهای مهم عجب عبارت انداز: مال، مقام، دانش، شهرت خانوادگی، زیبایی و عبادت.

عجب مفاسد متعددی دارد. برخی از آن ها عبارت است از: تسلط شیطان(۳)، خشنودی از کردار خود و کوچک شمردن معاصی، اعتماد به نفس و و خود را از فضل خداوند بی نیاز دانستن، نگاه حقارت به بندگان خدا و اعمال آنان و ریاکاری. پرواضح است که هر یک از این ها، به تنهایی، عامل غفلت از توحید و معاد است. در حدیثی از امام باقر علیه السلام آمده است: «دو نفر داخل مسجد شدند؛ یکی عابد، دیگری فاسق. چون از مسجد بیرون رفتند، فاسق از صدیقان بود و عابد از فاسقان! چون عابد داخل مسجد شد و به عبادت خود می بالید، ولی فاسق در پریشانی از گناه و استغفار بود».(۴) دقت در این روایت، اهمیت عجب در غفلت و دوری از خداوند و افتادن در ورطه ی گناه و فسق را روشن می سازد.

۴ _ ۱ _ حسادت

۴ _ ۱ _ حسادت

«حسد» آرزوی قلبی برای نابودی نعمتی است که خدا به برادر مسلمان عطا نموده است. از منظر قرآن و روایات، بی گمان تنها چیزی که مانع پذیرش اسلام از سوی مشرکان، یهودیان و مسیحیان زمان رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم شد،

۱- حجرات، ۱۷.

۲- کهف، ۱۰۳ _ ۱۰۵.

۳- اصول کافی، ج ۳، ص ۴۲۷، کتاب ایمان و کفر، باب عجب، ح ۷.

۴- بحارالانوار، پیشین، ج ۷۲، ص ۳۱۱.

حسادتی بود که آن ها به پیامبر بزرگوار اسلام داشتند. این خصلت زشت در آن ها، به صورت کینه ای درآمده بود که گاه و بی گاه آن را اظهار می کردند، با این که حقیقت برایشان آشکار شده بود. قرآن کریم، در این باره می فرماید: «آیا نمی بینی آنان را که بهره ای از کتاب به ایشان داده شده است، اما به جبت و طاغوت ایمان می آورند و درباره ی کافران می گویند: اینان از مردمان با ایمان هدایت یافته ترند... آیا به مردم مسلمان (و رسول خدا) نسبت به آنچه خداوند به ایشان داده است (ایمان و نبوت) حسد می برند؟»(۱)

از حضرت صادق علیه السلام نیز روایت شده است که «آفت دین، حسد و عجب و فخر است».(۲) آثار و ویژگی هایی که حسادت در انسان حسود ایجاد می کند و نمایان گر غفلت او از مبدأ و معاد است، عبارت اند از: بدی و ناخوشی مؤمنین را خواستن، گرفتار دوستی دنیا شدن، محصور بودن نگرانی ها به آنچه مورد حسد واقع شده است، چهره درهم کشیدن و بداخلاق بودن، تکبر و خودپسندی. خطرناکترین اثر حسادت این است که شخص، در حقیقت، با نعمت خدا و روزی ای که خداوند برای بندگان خود قرار داده است، مخالفت می کند و به کار خداوند اعتراض می کند و خدا را نادان یا خود را داناتر به مصالح و مفاسد می داند. این، آفت دین انسان حسود و موجب غفلت و در آخر کفر او خواهد شد.

۵ _ ۱ _ غضب و خاموشی نور توحید

۵ _ ۱ _ غضب و خاموشی نور توحید

غضب، هیجان انسان برای غلبه و شکست دیگری است؛ چه این هیجان در باطن شعله ور شود و چه در ظاهر. غضب به خودی خود _ هرچند گناهان

۱- نساء، ۵۱ _ ۵۴.

۲- اصول کافی، پیشین، ج ۳، ص ۴۱۸، ایمان و کفر، باب حسد، ح ۵.

دیگری در پی نداشته باشد ــ انسان را از بندگی پروردگار خارج می کند و در حقیقت، آتشی است که دل را به آتش کشد. بسیار دور است که انسان در حال غضب از سایر گناهان مصون باشد. از این رو، غضب با توجه به اسباب آن مانند تکبر، عجب، غرور، لجاجت، مسخره کردن، حرص، دشمنی و دوستی دنیا از عوامل فراموشی توحید و معاد است. انسان در حالت غضب از علم و قدرت و خشم الهی ــ در دنیا و آخرت ــ غافل شده دچار مستی می شود. به همین سبب، علمای اخلاق از آن به سُکر غضب تعبیر کرده اند.

این حکم غرور و خشم تا چند

هست از تو بزرگ تر خداوند

رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید: چنان که سرکه عسل را فاسد می کند غضب ایمان را فاسد می کند.(۱)

امام باقر علیه السلام نیز در این باره می فرماید: «همانا غضب، جرقه آتشی از شیطان است که در قلب فرزند آدم افروخته می شود. به راستی وقتی یکی از شما خشم ناک می شود، چشمان او سرخ می شود و رگ های گردن او بزرگ می شود و شیطان در او وارد می شود.»(۲) چنان که گذشت، تسلط شیطان بر آدمی خود یکی از عوامل غفلت است.

۶ ــ ۱ ــ نفاق

۶ ــ ۱ ــ نفاق

امام سجاد علیه السلام فرمود: «همانا منافق کسی است که همه را از کاری باز می دارد، ولی خود از آن کار خودداری نمی کند. فرمان به چیزی می دهد که خود به آن عمل نمی کند. چون به نماز ایستد اعتراض کند. راوی سؤال کرد: ای فرزند رسول خدا، اعتراض چیست؟ فرمود: صورت به راست و چپ گردانیدن. چون رکوع کند، پس از آن نایستد و به همان حال به سجده رود. روزش را شب کند و اندوهی جز خوردن شام ندارد، با این که روزه هم نبوده است. چون صبح

۱- اصول کافی، ج ۳، ص ۴۱۲، ایمان و کفر، باب غضب، ح ۱.
۲- اصول کافی، ج ۳، ص ۴۱۲، ایمان و کفر، باب غضب، ح ۱۲.

کند اندوهی جز خوابیدن ندارد با اینکه شب را بیدار نبوده است. اگر به تو خبری رساند دروغ گوید و اگر نزدش چیزی به امانت گذاری، به تو خیانت کند اگر از او پنهان باشی تو را غیبت و بدگویی کند و اگر به تو وعده بدهد وفا نکند.»(۱) بنابراین روایت، نفاق و دورویی ممکن است در برابر مردم باشد و بدتر و خطرناك تر از آن، این که نسبت به خداوند، کسی دورو باشد که بیشتر مؤمنان ظاهری به آن گرفتار و در حقیقت از خداوند دوراند. بنابر روایات دیگر، انسان منافق در قیامت دو زبان دارد: یکی پیش رو و دیگری پشت سر، که شعله کشند و رخسار او را بسوزانند.(۲)

این خود دلالت می کند که او در دنیا، نسبت به آخرت و روز قیامت دچار غفلت شده است. از روایات دیگری که نفاق را یکی از عوامل غفلت می داند، فرمایش امیرمؤمنان علیه السلام است که می فرماید: «نفاق بر چهار ستون استوار است: هوا و هوس، سهل انگاری در دین، خشم ورزی و طمع.»(۳)

۷ ـ ۱ ـ آرزوی بسیار

۷ ـ ۱ ـ آرزوی بسیار

امیدها و آرزوهای بسیار و تمنای ماندگاری در دنیا، از عوامل غفلت و انحراف است. خداوند در قرآن کریم فرمود: «بگذار آنها بخورند و بهره گیرند و آرزوها آنان را غافل سازد؛ به زودی خواهند فهمید.»(۴) در روایات نیز به این مطلب اشاره شده است. امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «آرزو ابزار سلطه ی شیاطین بر قلب های غافلان است.»(۵) آن حضرت در روایت دیگری فرمود: «آرزو، غفلت را زیاد و حسرت را به ارث می آورد.»(۶) و باز می فرماید: «زیادی آرزو، مایه ی فراموشی آخرت است.»(۷) ذکر این نکته نیز ضروری است که ریشه ی آرزوهای زیاد

۱- اصول کافی، ج ۴، ص ۱۱۲، کتاب ایمان و کفر، باب اتفاق، ح ۳.

۲- چهل حدیث، امام خمینی رحمه الله، مؤسسه ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۳، ص ۱۵۷.

۳- اصول کافی، پیشین، ج ۴، ص ۱۰۷، کتاب ایمان و کفر، باب نفاق، ح ۱.

۴- حجر، ۳.

۵- میزان الحکمه، محمد محمدی ری شهری، مکتب الاسلام اسلامی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۴۲.

۶- میزان الحکمه، محمد محمدی ری شهری، مکتب الاسلام اسلامی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۴۲.

۷- بحارالانوار، پیشین، ج ۷۰، ص ۸۸.

دو چیز است: جهل و حبّ دنیا که هرکدام از عوامل غفلت و انحراف اند. بدین معنا که انسان پُر آرزو از یک سو از حرکت به سوی خدا و دیدار او باز می ماند؛ چون از مرگ غافل شده است گمان می کند وقت برای خودسازی بسیار است. بنابراین در صدد به دست آوردن زاد و توشه بر نمی آید و ناگهان مرگ او فرا می رسد و به وادی نابودی می افتد. از سوی دیگر به سبب انس و دوستی به دنیا و فرآورده های آن، زیر بار تفکر در مرگ و قیامت و یاد خداوند و تکالیف الهی نمی رود. با این بیان، مفهوم روایت نبوی صلی الله علیه و آله وسلم به اسامه روشن می شود؛ آنجا که به حضرت عرض کردند: اسامه ــ از شاگردان حضرت ــ جنسی را نسیه و یک ماهه خریده است. حضرت فرمودند: اسامه انسانی با آرزوهای دراز است که امید یک ماه زنده ماندن دارد(۱). پرواضح است که مقصود حضرت، نکوهش دوراندیش و فراهم آوردن اسباب زندگی نیست؛ بلکه منظور حضرت، واداشتن از پرداختن به دنیا به گونه ای است که موجب فراموشی جهان آخرت گردد.

بیا که قصر امل سخت سست بنیاد است

بیار باده که بنیاد عمر بر باد است

نصیحتی کنمت یادگیر و در عمل آر

که این حدیث زپیر طریقتم یاد است

مجو درستی عهد از جهان سست نهاد

که این عجوزه عروس هزار داماد است

۸ ــ ۱ ــ تکبّر

۸ ــ ۱ ــ تکبر

یکی دیگر از صفاتی که موجب غفلت، انحراف و چه بسا انکار مسلمات دینی می شود تکبّر است که فرق آن با عجب گذشت. این خوی زشت و ناپسند، گذشته از خطرهای فراوانی که از نظر اجتماعی و اخلاقی برای

۱- محجه البیضاء، فیض کاشانی، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۲۴۲.

سعادت انسان دارد، موجب کفر و عدم پذیرش برنامه های پیامبران و دستورات دینی و توحید و معاد می شود. زیرا انسان متکبر به راحتی حاضر نیست در برابر بشری مانند خود ــ هرچند پیامبر الهی و نمونه ی کامل فضیلت های انسانی و فرستاده حق یا یک مبلغ و مروج دین باشد ــ سر تعظیم فرود آورد. خدای تعالی در مورد ایمان نیاوردن فرعون و پیروانش به حضرت موسی علیه السلام و برادرش هارون علیه السلام، از قول آنها حکایت می کند که گفتند: «آیا ما به دو نفر که مانند خود ما هستند ایمان بیاوریم؟(۱)» در جای دیگر درباره ی قوم های نوح، عاد و ثمود حکایت می کند که در پاسخ پیامبرانشان گفتند: «شما جز بشرهایی مانند ما نیستید که می خواهید ما را از آن چه پدران ما می پرستیده اند باز دارید.»(۲) در این آیات به صراحت کفر و غفلت و انحراف آنها را فرآورده ی تکبر و خودخواهی آنان می داند. در آیات دیگری، علت غفلت، انحراف و مطرود شدن شیطان نیز تکبر معرفی شده است. «آنگاه که ما به فرشتگان گفتیم به آدم سجده کنید. همه سجده کردند جز ابلیس که سرپیچی و تکبر کرد و از کافران شد.»(۳)

حضرت امام صادق علیه السلام هم فرمود: «پایه های کفر سه چیز است: حرص، تکبر و حسد.»(۴) و در حدیث دیگری آن حضرت تکبر را مرتبه ی پایین تر کفر ــ غفلت و انحراف ــ دانسته می فرماید: «تکبر، کم ترین مرتبه ی الحاد است».(۵) در فارسی مثلی است که «خودبین خدابین نگردد»، چنان که سعدی شیراز می گوید:

گرت جاه باید مکن چون خسان

۱- مؤمنون، ۴۷.

۲- ابراهیم، ۱۰.

۳- بقره، ۳۴.

۴- اصول کافی، پیشین، ج ۳، ص ۳۹۶، کتاب ایمان و کفر، باب ریشه های کفر، ح ۱.

۵- اصول کافی، پیشین، ج ۳، ص ۴۲۱، کتاب ایمان و کفر، باب کفر، ح ۱.

به چشم حقارت نظر در کسان

از این نامورتر محلی مجوی

که خوانند خلقت پسندیده خوی

بزرگان نکردند در خود نگاه

خدابینی از خویشتن بین مخواه

۹ _ ۱ _ خودناشناسی

۹ _ ۱ _ خودناشناسی

در قرآن کریم، آیات خداشناسی و راه های رسیدن به معرفت خدا که نیز معرفه المعاد است به آیات انفسی و آیات آفاتی تقسیم شده است. راه نخست نیز نزدیک تر و بهتر و مطمئن تر است. قرآن کریم می فرماید: «بگو به من خبر دهید، اگر این قرآن از سوی خداوند باشد و شما به آن کافر شوید چه کسی گمراه تر خواهد بود از کسی که در مخالفت شدیدی قرار دارد؟ به زودی نشانه های خود را در همه جای جهان و در درون جانشان به آنها نشان می دهیم تا برای آنان آشکار شود که او حق است.(۱)» در این آیه شریفه صریحا اشاره می شود که یکی از علل گمراهی و غفلت این است که انسان وجود خود و نشانه های الهی موجود در آن را نشناخته است.

در روایات متعددی نیز به این مطلب اشاره شده است. امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید: «کسی که خود را شناخت، پروردگار خود را شناخته است».(۲) جای دیگر فرمود: «کسی که خود را نشناسد، از راه رستگاری دور شود و در گمراهی و خطاها و نادانی ها افتد».(۳)

ای شده از شناخت خود عاجز

کی شناسی خدای را هرگز

۱- فصلت، ۵۲ و ۵۳.

۲- غررالحکم و دررالکلم، عبدالواحد آمدی، برگردان: محمدعلی انصاری، ج ۲، ص ۶۲۵.

۳- غررالحکم و دررالکلم، عبدالواحد آمدی، برگردان: محمدعلی انصاری، ج ۲، ص ۷۰۶.

چون تو در علم خود زبون باشی

عارف کردگار چون باشی

البته در نشانه های الهی که در انسان موجود است و چگونگی معرفت نفس و ابعاد آن مباحث مفصلی وجود دارد که مناسب با اهداف این نوشتار نیست و این نوشتار گنجایش آن را ندارد.

۱۰ ـ ۱ ـ شخص پرستی

۱۰ ـ ۱ ـ شخص پرستی

«شخص پرستی» نیز از عوامل غفلت است که قرآن کریم، صریحا بدان اشاره می کند. بدین معنا که مسیحی ها حضرت عیسی علیه السلام و یهودی ها حضرت عزیر علیه السلام را پسر خدا قرار می دهند. «علی اللهی»ها و «غلات» شیعه نیز بدین گونه اند. در این باره درخواست قرآن از همه ی اهل کتاب، دست کم این است: «بگو ای اهل کتاب، روی آورید به سوی سخنی که میان ما و شما یک سان است که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم. گروهی از ما گروه دیگر را به خدایی نپذیرد. هرگاه ـ از این دعوت ـ سرباز زنند؛ بگویید: گواه باشید که ما مسلمانیم».(۱) در آیه دیگر می فرماید: «و نه این که به شما دستور دهد که فرشتگان و پیامبران را پروردگار خود انتخاب کنید، آیا شما را، پس از آن که مسلمان شدید، به کفر دعوت می کند؟!»(۲) خداوند برای این که مسلمانان دچار چنین انحرافی نشوند، به آن ها دستور داد که در هر شبانه روز، پنج نوبت پیامبراکرم صلی الله علیه و آله وسلم را رسول و عبد خداوند دانسته بگویند: «اشهدانّ محمدا عبده و رسوله». در قرآن کریم هم فرمود: «بگو من بشری مثل شما هستم. امتیازم این است که به من وحی می شود که تنها معبودتان، خدای یگانه است».(۳)

۱- آل عمران، ۶۴.

۲- آل عمران، ۸۰.

۳- کهف، ۱۱۰.

۲ _ عوامل بیرونی

اشاره

۲ _ عوامل بیرونی

زیر فصل ها

۱ _ ۲ _ شیطان

۱ _ ۲ _ شیطان

آن چه در بخش پیشین، از عوامل غفلت بیان شد، هواپرستی یا شیطان درونی بود. آنچه در این بخش بحث و بررسی می شود، شیطان بیرونی است که از عوامل فراموشی توحید و معاد است؛ زیرا بنابر فرموده ی قرآن، شیطان، پس از این که خداوند حکم عزل او را از مقامش صادر فرمود، چنین گفت: «اکنون که مرا گم راه ساختی، من بر سر راه مستقیم تو، در برابر آن ها، کمین می کنم. سپس از پیش رو و پشت سر و راست و چپ آنها به سراغشان می روم و بیش تر آن ها راشکرگزار نخواهی یافت».(۱) از این رو خداوند در آیه ی ۵۰ سوره ی کهف، با صراحت بندگان خویش را از پیروی شیطان نهی فرموده و کسانی را که به جای یاد خدا (که همان یاد معاد است) یاد و اطاعت شیطان را برگزیده اند، ظالم دانسته است. همان طور که در سوره ی مجادله نیز شیطان را از عوامل غفلت دانسته می فرماید: «شیطان بر آنان چیره شده است و یاد خدا را از خاطر آنها برده است. آنان حزب شیطان اند. بدانید حزب شیطان زیان کاران اند».(۲) بنابراین آیه، شیطان برای رسیدن به اهداف خود، نخست یاد خدا و قیامت را از دل می برد و سپس کارهای خود را به دست انسان انجام می دهد.

۲ _ ۲ _ نادانی و حماقت

۲ _ ۲ _ نادانی و حماقت

نادانی نسبت به خداوند، به هدف آفرینش، به نوامیس خلقت، به آثار گناه و... از عوامل فراموشی اند. قرآن کریم می فرماید:

«ما امانت _ تعهد، تکلیف و ولایت

۱- اعراف، ۱۶ و ۱۷.

۲- مجادله، ۲۰.

الهی ــ را به آسـمان ها و زمین و کوه ها عرضه داشتیم. آن ها از به دوش کشـیدن آن سربرتافتند و از آن هراسیدند؛ اما انسان آن را بر دوش کشـید. او بسـیار سـتم کننده و نادان بود».(۱) چون قـدر این جای گاه سترگ را نشـناخت و به خود سـتم کرد. بنابراین این آیه، علت عمـده ی غفلت و سـرباز زدن برخی انسان ها از زیر بار تعهد، تکلیف و ولایت الهی را همان جهل آنان برشـمرده است، همان طور که در سوره ی نمل، آیه ۵۵، علت غفلت قوم لوط از توحید و معاد و سـرانجام غرق شدن در ورطه ی فسـاد و تباهی را، جهالت آنان معرفی فرمود. نیز در سوره ی اعراف(۲) فرمود: «بنی اسراییل به موسی علیه السلام گفتند: تو هم برای ما معبودی ــ از بت ــ قرار بـده؛ چنان که آن ها ــ بت پرسـتان ــ معبودانی دارنـد. موسـی گفت: شـما گروهی نادان هستید».

روایـات نیز دربـاره ی جهـل و اثرات آن در دوری از خـدا و فراموشـی مرگ و قیـامت، حـاوی سـخنان گهربـاری از ائمه علیه السـلام است. حضرت علی علیه السلام فرمود: «مردم دشمن چیزی اند که به آن جاهل اند.»(۳) بنابراین روایت، جهل به توحید و معاد، نه تنها باعث فراموشی، بلکه ــ همانطور که در مباحث پیشین بیان شد ــ باعث دشمنی، نفرت و دوری از خدا و مرگ و قیامت می شود. هم چنین آن حضـرت در روایت دیگری می فرمایـد: «جهل، معاد را فاسـد می کنـد».(۴) چنان که بیان شـد معاد، همان مبـدأ است. بنابراین جهل همین اثر را نسـبت به توحیـد یا مبـدأ نیز دارد. و نیز حضـرت، ما را از هم نشـینی با نادان برحذر داشته می فرماید: «با کافر دوستی و با جاهل هم نشینی نکنید».(۵)

۱- احزاب، ۷۲.

۲- اعراف، ۱۳۸.

۳- بحارالانوار، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۲، ج ۷۸، ص ۱۴.

۴- میزان الحکمه، پیشین، ج ۲، ص ۱۵۳.

۵- میزان الحکمه، پیشین، ج ۲، ص ۲۰۷.

۳ _ ۲ _ ثروت و فرزند

۳ _ ۲ _ ثروت و فرزند

اگرچه پیش تر، درباره نقش محبت به دنیا در غفلت از توحید و معاد سخن گفتیم، اما چون مال و فرزند از مصداق های آشکار و مهم دنیاست و در آیات و روایات _ به سبب اهمیت این دو _ جداگانه به آن ها اشاره شده است، ما نیز جداگانه درباره ی نقش آن ها در غفلت انسان، سخن می گوییم. نخست باید یادآور شد که همیشه در تاریخ، سخت ترین مخالفان پیامبران، افراد ثروتمند و مال پرست بوده اند: «و این گونه در هیچ شهر و دیاری، پیش از تو، پیامبر بیم دهنده ای نفرستادیم مگر این که ثروت مندان مست و مغرور آن گفتند: ما پدران خود را بر آیینی یافتیم و به آثار آنان اقتدا می کنیم».(۱) همین مطلب، خود تأییدی است بر این که مال پرستی از عوامل غفلت و دوری از مبدأ و معاد و نبوت است. چنان که در جای دیگر، قرآن کریم می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید، اموال و فرزندانتان شما را از یاد خدا غافل نکند! و کسانی که چنین کنند زیانکاران اند».(۲) اگرچه مفسران در این که مراد از ذکر و یاد خدا در این آیه چیست، اختلاف نموده اند و برخی مراد از آن را نمازهای یومیه، برخی سپاس نعمت و صبر در بلاها و خشنودی به قضا و برخی حج و زکات و تلاوت قرآن و برخی به تمام واجب ها تفسیر کرده اند، روشن است که یاد خدا، معنای گسترده ای داشته این موارد، برخی از مصداق های آن هستند. آن معنای گسترده، همان یاد خدا و روز قیامت است. هم چنین خداوند در داستان قارون(۳) نیز دل بستگی و مال پرستی را عامل غفلت او از توحید و معاد بیان می نماید. در روایات نیز فراوان به این مطلب اشاره

۱- زخرف، ۲۳.

۲- منافقون، ۹.

۳- قصص، ۷۶.

شده است.

از مهم ترین این احادیث، سخن امام باقر علیه السلام است که این معنا را به روشن ترین گونه ترسیم نموده اند. ایشان می فرماید: «دو گرگ درنده در گله ی بی چوپان که یکی در ابتدای گله و دیگری درآخر آن باشد، آن قدر ضرر نمی زنند که مال پرستی و جاه طلبی به دین مؤمن ضرر می رساند».(۱) درباره علت و چگونگی غافل شدن انسان از مبدأ و معاد، به دست مال و فرزند، به سه دلیل می توان اشاره کرد:

۱. از مهم ترین قانون های ادیان الهی و ویژگی های افراد مؤمن، برداشتن تبعیض های فردی است؛ بدین معنا که سفید و سیاه، فقیر و ثروت مند، با فرزند و بی فرزند در پیش گاه خدا و بهره مند شدن از نعمت های بهشتی هیچ تفاوتی نداشته تنها ملاک نزدیکی به خدا و بهره مند شدن از نعمت های او در قیامت، تقواست.(۲) این امر، سبب می شود که صاحبان مال و فرزند که آنها را مایه ی نزدیکی به خدا و بهره مندی از پاداش های او می دانند، از یاد خدا و مرگ و قیامت غافل شوند.

۲. ثروت، قدرت و فرزند در انسان، چنان غروری می سازد که اجازه نمی دهد انسان به سمت توحید و معاد برود. سرشت انسان به گونه ای است که در بی نیازی، سرکشی می کند: «اِنَّ الْاِنْسانَ لَیَطْغی، اَن رَّءاهُ اسْتَغْنی».(۳)

۳. لذت های دنیوی ــ مثل مال و فرزند ــ انسان را به خود سرگرم می کند و سرمایه های وجودی او را در راه لذت های ناپایدار از بین می برد. از این رو،

۱- اصول کافی، پیشین، ج ۴، ص ۳، کتاب ایمان و کفر، باب حب دنیا.

۲- حجرات، ۱۳.

۳- علق، ۶ و ۷.

انسان هرچه بیش تر سرگرم آن ها باشد، بیش تر از یاد خدا و قیامت غافل می ماند و سرانجام به جایی می رسد که دست خالی از این دنیا می رود و افسوس آن که با در دست داشتن سرمایه های بزرگ، برای زندگی جاویدانش کاری نکرده است. به همین دلیل است که خداوند در سوره ی منافقون(۱) انسان های غافلی که دارای مال و فرزندند را زیان کار معرفی می فرماید.

۴ _ ۲ _ تهاجم فرهنگی

۴ _ ۲ _ تهاجم فرهنگی

اگر در تاریخ کاوش کنیم، خواهیم دید که از آغاز زندگی اجتماعی انسان، پدیده ای به نام تهاجم فرهنگی وجود داشته است. افراد بشر یا در گروه حق بوده اند یا در گروه باطل. قرآن کریم می فرماید: «این چنین، در برابر هر پیامبری، دشمنی از شیاطین انس و جن قرار دادیم؛ آن ها مخفیانه سخنان فریبنده و بی اساس _ برای اغفال مردم _ به یکدیگر می گفتند».(۲) بنابراین آیه شریف، همواره در جامعه های انسانی، گروهی از پیامبران و حق پرستان وجود داشته اند که به دنبال رشد معارف الهی _ در رأس آن توحید و معاد _ بوده اند. در برابر آن ها هم گروهی از شیاطین که به دنبال غفلت و گم راهی انسان ها بوده اند، صف کشیده اند. با این سخن، مفهوم «تهاجم فرهنگی» در زمان کنونی و تأثیر آن در به غفلت و به گمراهی کشیدن افراد جامعه روشن می شود؛ بدین معنا که پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، جامعه های غربی و در رأس آنها استکبار جهانی، به اهمیت و نیروی اسلام و ایران در جامعه ی جهانی پی بردند. آن ها پس از ناامیدی از حمله های نظامی و جنگ تحمیلی، فرهنگ اسلامی جامعه ی ما را آماج حمله های شدید خود قرار دادند و با ترویج فرهنگ آلوده ی خویش

۱- منافقون، ۹.

۲- انعام، ۱۱۲.

که با تفکر مبتذل مادی و نشان دادن مظاهر فریبنده ی دنیای صنعتی همراه بود، در فرهنگ اسلامی رخنه کردند. آنها کوشش کردند ارزش ها و باورهای دینی را سست نمایند و اندک اندک ریشه اعتقادات امت اسلامی را بخشکانند.

بنابراین تهاجم فرهنگی، به معنای وارد کردن باورها، ارزش ها، گرایش ها، رفتار و مدپرستی های غیر دینی در گروه های مختلف جامعه خصوصا جوانان، از مهم ترین عامل های فراموشی باورها، ارزش ها و گرایش های دینی است.

۵ _ ۲ _ محیط فاسد

۵ _ ۲ _ محیط فاسد

به دنبال بحث تهاجم فرهنگی و به عنوان یکی از نتایج آن از محیط فاسد باید سخن گفت. بی تردید همان گونه که زباله دان محله، موجب پیدایش و رشد میکروب هاست محیط فاسد نیز موجب غفلت و گمراهی و جنایات می شود. البته محیط، شامل خانواده، مدرسه، اداره، دانشگاه، بیمارستان و... به طور کلی محیط اجتماعی است. قرآن کریم به این عامل غفلت نیز اشاره دارد. وقتی که موسی علیه السلام و پیروانش از دستگاه طاغوتی فرعون نجات یافتند و از دریا گذشتند، به قومی برخوردند که با فروتنی، بت های خود را می پرستیدند. همراهان موسی علیه السلام آن چنان تحت تأثیر این صحنه قرار گرفتند که گفتند: «ای موسی برای ما معبودی قرار بده، همان طور که آن ها معبودانی دارند».(۱) همراهان موسی علیه السلام با این که همواره از راهنمایی های آن حضرت بهره مند می شدند، این گونه تحت تأثیر محیط قرار گرفته خدای یکتا را فراموش کردند. قرآن درباره قارون نیز می فرماید که وقتی با تمام زینت و ثروت خویش در جامعه ظاهر شد، بیش تر مردم تحت تأثیر آن قرار گرفتند، از خداوند یگانه

۱- اعراف، ۱۳۸.

و ثواب های الهی غافل شدند. آن ها که دل بستگی به دنیا داشتند، گفتند: «ای کاش همانند آن چه به قارون داده شده است، ما نیز داشتیم. به راستی که او بهره ی عظیمی دارد».(۱) بنابراین ناپاک بودن محیط، در طول تاریخ، همواره جامعه های اسلامی را تهدید می کرده است و به وحدت و اقتدار ملی آن ها خدشه وارد می ساخته است؛ حتی برخی از جامعه های اسلامی را به شکست کشانده است. این مسأله را در شکست مسلمانان اسپانیا، آشکارا می بینیم.

۶ _ ۲ _ هم نشین غافل

۶ _ ۲ _ هم نشین غافل

همان طور که دوست و همنشین خوب عامل رشد و آشنایی انسان با توحید و معاد و کمالات انسانی است، از عواملی که بنابر آیات و روایات موجب غفلت از مبدأ و معاد و معارف الهی می شود، دوست بد و غافل است. هم نشین بد، پسر نوح علیه السلام را نیز به گناه و فراموشی پیامبر خدا و معارفی که او ترویج می کرد _ توحید و معاد _ می کشاند و خاندان نبوت او را گم می کند؛ ولی سگ اصحاب کهف، به سبب هم نشینی با جوانان خوش قلب و آگاه اصحاب کهف، خوی نیک آدمیت پیدا می کند.

تا توانی می گریز از یار بد

یار بد بدتر بود از مار بد

مار بد، تنها تو را بر جان زند

یار بد، بر جان و بر ایمان زند

قرآن کریم در این باره می فرماید: «و به خاطر آور روزی را که ستم کار دست خود را _ از شدت حسرت _ به دندان می گزد و می گوید: ای کاش با رسول خدا راهی برگزیده بودم!

۱- قصص، ۷۹.

ای وای بر من، کاش فلان ــ گمراه و غافل ــ را دوست خود انتخاب نکرده بودم! او مرا از یاد حق گمراه ساخت، پس از آن که ــ یاد حق ــ به سراغ من آمده بود».(۱) بنابراین همنشین بد و گمراه چنان انسان را دچار غفلت و گمراهی می کند که خدا او را ظالم و ستمکار می خواند.

روایات بسیاری نیز مؤید این سخن است. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «هم نشینی با هواپرستان موجب فراموشی ایمان و حضور شیطان می شود.»(۲) در این باره می توان به خطبه ۸۶ نهج البلاغه نیز مراجعه کرد.

۷ ــ ۲ ــ واسطه تراشی در پرستش

۷ ــ ۲ ــ واسطه تراشی در پرستش

در تاریخ، انسان هایی را می بینیم که از توحید و معاد غافل شدند و به خدایانی روی آوردند و آن ها را می پرستیدند. به خیال این که آن خدایان واسطه ی آن ها با خداوند یگانه باشند. همین خیال واسطه تراشی یکی از عوامل غفلت و انحراف آنان شد. قرآن کریم می فرماید: «آگاه باشید که دین خالص از آن خداست. آنها که غیر خدا را اولیای خود قرار دادند، دلیلشان این بود که این ها را می پرستیم تا ما را به خداوند نزدیک کنند. خداوند روز قیامت میان آنان، در آن چه اختلاف داشتند داوری می کند. خداوند دروغ گو و کفران کننده را هرگز هدایت نمی کند.»(۳) همین هدایت نکردن خداوند دلیل بر غفلت و انحراف آنان است. خداوند علت انحراف آنان را واسطه تراشی در پرستش بیان می فرماید. خداوند در این آیه و آیات دیگر، شدیدا با این امر برخورد کرده آن را نفی می نماید و تأکید می کند که هیچ واسطه ای بین خود و خلق برای پرستش قرار نداده است و آنها را بی فایده معرفی می نماید. از این رو می فرماید: «آنها غیر از خدا، چیزهایی را می پرستند که نه به

۱- فرقان، ۲۷ ــ ۲۹.

۲- میزان الحکمه، پیشین، ج ۵، ص ۹۳.

۳- زمر، ۳.

آنان زیان می رساند و نه سودی می بخشد؛ می گویند: اینها شفیعان ما نزد خدایند. بگو آیا خدا را به چیزی خبر می دهید که در آسمان ها و زمین سراغ ندارد؟! او پاک و برتر است از آن همتایانی که برای او قرار می دهند.»(۱)

۱- یونس، ۱۸.

فصل دوم: آثار پذیرش توحید و معاد

اشاره

فصل دوم: آثار پذیرش توحید و معاد

زیر فصل ها

۱ _ آثار فردی

۲ _ آثار اجتماعی

۱ _ آثار فردی

اشاره

۱ _ آثار فردی

زیر فصل ها

۱ _ ۱ _ یقظه و بیداری

۲ _ ۱ _ توبه

۳ _ ۱ _ مشارطه، مراقبه و محاسبه

۴ _ ۱ _ محبت و نزدیکی به خداوند

۵ _ ۱ _ ترک گناه

۶ _ ۱ _ کرامت و شرافت انسان

۷ _ ۱ _ آرامش و غنای روحی

۸ _ ۱ _ توکل

۹ _ ۱ _ رضا

۱۰ ــ ۱ ــ ترس و فروتنی

۱۱ ــ ۱ ــ رجا

۱۲ ــ ۱ ــ صبر و پایداری در سختی ها و گرفتاری ها

۱۴ ــ ۱ ــ اخلاص

۱۵ ــ ۱ ــ شکر

۱۶ ــ ۱ ــ حسن عاقبت

۱۷ ــ ۱ ــ خلود در بهشت

۱۸ ــ ۱ ــ شرح صدر

۱۹ ــ ۱ ــ هم نشینی با پیامبران، راستگویان و مؤمنان دیگر در بهشت

۲۰ ــ ۱ ــ ایمنی از مرگ

۲۱ ــ ۱ ــ امید

۲۲ ــ ۱ ــ مؤمن واقعی عالم را محضر خدا می داند

۲۳ ــ ۱ ــ نیرومندی و شجاعت

۲۴ ــ ۱ ــ رحم و مهربانی

۲۵ ــ ۱ ــ دوری از حیله و مکر

۲۶ ــ ۱ ــ ایثار و فداکاری

۲۷ ــ ۱ ــ انفاق و سخاوت

۲۸ ــ ۱ ــ حیات طیّب

۲۹ ــ ۱ ــ غیرت

۳۰ ــ ۱ ــ خوش رفتاری

۳۱ _ ۱ _ راست گویی

۳۲ _ ۱ _ آینده نگری و آخرت بینی

۳۳ _ ۱ _ پند گیری

۱ _ ۱ _ یقظه و بیداری

۱ _ ۱ _ یقظه و بیداری

نخستین اثر ایمان به توحید و معاد _ در عرفان و سیر الی الله _ یقظه یا «بیداری» است. عارف می خواهد حقیقت وجود را بشناسد و از «علم الیقین» به «عین الیقین» و در نهایت به «حق الیقین» برسد و در این مسیر، به «فناءبالله» و «بقاءبالله» برسد. بنابراین، برای پیمودن این راه، هفت مرحله را باید بپیماید که نخستین آن، بیداری و توجه است؛ بدین معنا که انسان، وقتی به مبدأ و معاد ایمان آورد _ آن هم ایمان حقیقی _ درک می کند که باید خود را از مرز حیوان بودن خارج کرده به مرتبه ی انسانیت که همان «وَ نَفَخْتُ فیهِ مِنْ روُحی»(۱) است برسد. از این رو در وجود او جرقه ای زده شده که سرآغاز سوختنی درونی است که او را به وصال یار می رساند. به دیگر سخن، کسی که به یقظه می رسد، توجه اش از خود و دنیا به خدا معطوف می شود و خود محوری، جایش را به خدا محوری می دهد.

۲ _ ۱ _ توبه

۲ _ ۱ _ توبه

حالت یقظه(بیداری)، هوشیاری و توجهی که در انسان نسبت به نقص ها و

۱- حجر، ۲۹.

گناهـان و دور افتـادن از محبـوب، به وجـود می آیـد تـوبه است. از این رو، بایـد گفت یقظه و تـوبه هم گـام و هم زمـان انـد. بنابراین از لوازم پـذیرش توحیـد و معاد، توبه و برگشت به خـداست. قرآن کریم در آغاز سوره هود(۱) «دعوت خداوند را در چهار چیز خلاصه می کند. نخست می فرماید: «دعوت من این است که جز خدای یکتا را نپرستید» که این، همان توحید است. سپس می فرمایـد: «من از سوی او برای شـما بیم دهنده و بشارت دهنده ام» که این همان اصل معاد و قیامت است. آن گاه می فرمایـد: «و این که از پروردگـار خویش آمرزش بطلبیـد، سـپس به سوی او بـاز گردیـد». در این آیه دو اصل دیگر را بیان می فرماید که عبارت اند از: شسـتشوی جان از گناه و بازگشت به سوی خدا که همان آراسـتن جان به صفات پروردگار است. دو اصل استغفار و توبه، دقیقا پس از اصل توحید و معاد و ایمان به این دو مطرح شده است.

به دیگر سخن، بنابر فرمایش پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم حقیقت توبه، همان پشیمانی از گناه،(۲) به سبب مبغوضیت و زشتی و خلاف رضایت خدا بودن آن است. درست مانند پشیمانی تاجری که در معامله ای سرمایه ی خود را از دست بدهد و مقدار زیادی بدهکار شود. به خصوص اگر دوست دانایی پیش تر او را از آن داد و سـتد بیم داده باشد. پرواضح است که تا انسان به خـدا و روز جزا ایمان نداشـته باشد، این پشـیمانی در او حاصل نخواهد شد. هرچه هم که این ایمان او بیش تر و قوی تر باشد، میزان پشیمانی او نیز بیش تر خواهد بود. و به همین سبب، مراتب توبه در مردم عادی با خواص و اولیای الهی متفاوت است

۱- هود، ۲ و ۳.

۲- وسایل الشیعه، محمدبن الحسین العاملی، المکتبه الاسلامیه، ۱۳۴۷، ج ۱۱، ص ۳۴۹.

که این نوشتار مجال بحث از آن را ندارد. البته آیات دیگری(۱) نیز توبه را از اثرات ایمان به مبدأ و معاد می دانند که به سبب اختصار، از ذکر آن ها خودداری می شود.

روایات فراوانی نیز مطلب مورد بحث ما را تأیید می کند. امام صادق علیه السلام می فرماید: «به راستی مؤمن گناهی کند و پس از بیست سال به یادش آید و از خداوند آمرزش خواهد، خداوند برایش بیامرزد. (هرآینه _ خداوند _ به یادش اندازد تا برایش بیامرزد). به راستی کافر گناهی کند و همان ساعت آنرا فراموش کند».(۲) بنابراین روایت، اصل گناه از انسان نفی نشده است؛ چه این که انسان _ به جز پیامبران و چهارده معصوم _ معصوم از خطا و گناه نیست، ولی این فضیلت و اثر را برای انسان مؤمن به مبدأ و معاد بیان نموده که پس از گناه _ حتی اگر مدت ها طول بکشد _ متذکر شده و در صدد توبه بر می آید. به خلاف انسان غیرمؤمن که به هیچ وجه متذکر نمی شود.

۳ _ ۱ _ مشارطه، مراقبه و محاسبه

۳ _ ۱ _ مشارطه، مراقبه و محاسبه

از امور دیگری که از اثرات و لوازم پذیرش توحید و معاد است. «مشارطه»، «مراقبه» و «محاسبه» است. «مشارطه» آن است که انسان در آغاز روز با خود شرط کند و تصمیم بگیرد که امروز برخلاف فرموده ی خداوند رفتار نکند، پس از این مشارطه، باید وارد «مراقبه» شود؛ بدین معنا که در تمام روز به یاد شرط خود با خداوند باشد و خود را ملزم به عمل کردن به آن دانسته با شیطان که قصد انحراف او از شرط را دارد ستیز نماید. به همین حال بماند تا شب که زمان «محاسبه» است. یعنی به حساب خود در طول روز برسد که آیا در امور

۱- آل عمران، ۱۳۵؛ مائده، ۹؛ نور، ۳۱.

۲- اصول کافی، پیشین، ج ۴، ص ۱۷۲، کتاب ایمان و کفر، باب استغفار، ح ۶.

روزمره، از قبیـل کـار، کسب، تجارت، تحصـیل آیا به شـرط خود عمل کرده است یا خیر؟ اگر به شـرط خود وفادار بوده و به فرمان ها و نهی های خدا گوش فرا داده است، خداوند را سپاسـگزار باشد و اگر هنگام محاسـبه، سستی در عمل به شرط دید، همان لحظه توبه کنـد. برای روشن شـدن بحث بایـد گفت آشـکار است که این عمل جز از انسان مؤمن به مبـدأ و معاد صادر نمی شود. قرآن کریم فرموده است: «ای کسانی که ایمان آورده ایـد، از (مخالفت) خـدا بپرهیزیـد. هرکس بایـد بنگرد تا برای فردایش چه چیز از پیش فرسـتاده از خدا بترسـید که خداوند از آنچه انجام می دهید آگاه است.»(۱) مفهوم این آیه چیزی جز محاسبه نیست که خداوند آن را فرع ایمان قرار داده است.

امـام موسـی کاظم علیه السـلام نیز می فرمایـد: «از ما نیست کسـی که هر روز به حساب خود نرسـد. پس اگر عمل نیک انجام داده است، از خدا طلب زیادتی کند و اگر عمل بد از او سرزده است، توبه و استغفار نماید.»(۲)

۴ _ ۱ _ محبت و نزدیکی به خداوند

۴ _ ۱ _ محبت و نزدیکی به خداوند

از خصوصیات انسان این است که خواهان کمال مطلق است و هرکس به حسب حال و مقام خود، کمال مطلق را در چیزی می دانـد. از این رو، انسانی که به ذات پروردگار و اسـماء و صـفات او معرفت پیـدا کرده، به معاد و پاداش و کیفر ایمان دارد. او، بی تردیـد کمال مطلق را جز در وجود خداونـد نمی بینـد. به دیگر سـخن، انسان، بـدون محبت نمی توانـد زنـدگی کنـد؛ زیرا انسـان، بـدون کشـش و گرایش به دنبال چیزی نمی افتـد و بی اشتیاق و محبت گام از گام بر نمی دارد. بنابراین ریشه ی تمام تلاش ها و کوشش ها محبت است؛ اما این

۱- حشر، ۱۸.

۲- اصول کافی، پیشین، ج ۲، ص ۴۵۳.

محبت بایـد به کـدام محبوب تعلق بگیرد؟ در انسان هایی که گرفتار غفلت و انحراف انـد _ چنان که بیان شد _ این محبت به دنیا و زیورها و لذت های آن وابسته است. چون این افراد در حقیقت از مرز حیوان بودن خویش بالاتر نرفته اند و در قلب آنها جز محبت غیرخدا وجود ندارد؛ حتی اگر ادعای دوست داشـتن خدا داشته باشند دروغ گفته اند؛ چه آن که «ماجَعَلَ اللّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَیْنِ فی جَوْفِه»؛(۱) امـا محبت در فرد یا جامعه ی مؤمن، تنها به خداونـد تعلق گرفته و در قلب فردفرد جامعه جز محبت به خداوند وجود ندارد. این همان سـخن امام صادق علیه السلام است که می فرماید: «ایمان انسان، کامل و خالص نمی شود مگر هنگـامی کـه خداونــد نزد او از خـودش و پـدر و مـادرش و فرزنـدش و خـانواده اش و مـالش و از همـه ی مردم، محبـوب تر باشد.»(۲)

بنابراین، از مهم ترین اثرات و سرانجام باور به مبدأ و معاد، دوستی و نزدیکی به خداوند است که دیگر بهره های ایمان از آن، سرچشـمه می گیرد. خداونـد در قرآن کریم، نخستین صـفت مؤمنانی را که دین خداونـد را زنـده می کنند، این گونه بیان می فرمایـد: «هم خدا آن ها را دوست دارد و هم آن ها خدا را دوست دارند».(۳) آن چه در این آیه شگفت انگیز است این است که نخست می فرمایـد: «یُحِبُّهُم» سـپس «یُحِبُّونَه»؛ یعنی در آغـاز، محبت خداونـد به مؤمنـان و سـپس محبت مؤمنـان به خـدا را مطرح می فرماید؛ زیرا اولاً محبت خداوند محبت ازلی و ذاتی است، ولی محبت بندگان محبت عرضی است. ثانیا محبت علت _ چنان که در جای خود ثابت شده است _ نسبت به معلولش بیش تر و

۱- احزاب، ۴.

۲- بحارالانوار، پیشین، ج ۷۰، ص ۲۴.

۳- مائده، ۵۴.

قوی تر از محبت معلول به علت است. بایـد گفت در حقیقت، این محبت نخسـتین خداونـد به مؤمن است که او را مجـذوب و عاشق و شـیدای خدا می گرداند. و اگر اثرها و چگونگی این محبت الهی را نسـبت به بنده بخواهیم دریابیم، باید به چگونگی پرورش حضـرت موسـی علیه السـلام در دامان دشـمن خویش و مبارزه ی آن حضـرت با فرعون و فرعونیان نگاه کنیم. همه ی این هـا فرآورده محبت الهی است که خداونـد به حضـرت موسـی علیه السـلام عطـا کرد و فرمود: «و من محبتی از خودم بر تو افکنده ام».(۱)

روایات فراوانی نیز دوستی و نزدیکی به خداوند را از لوازم پذیرش مبدأ و معاد می دانند. به چند نمونه از آنها اشاره می شود:

«جان مؤمن به روح خدا بیشتر پیوسته است تا شعاع آفتاب به آفتاب.»(۲) پرواضح است که واژه «مؤمن» در روایت، سخن مورد بحث ما را تأیید می کند. حضرت صادق علیه السلام نیز فرمود: «ایمان شخص به خداوند خالص نمی شود تا این که خدا را از خودش و پـدر و مـادر و فرزنـد و زن و مـالش و از تمـام مردمان بیشتر دوست داشـته باشـد.»(۳) در این حـدیث هم دوسـتی و نزدیکی به خداوند و عدم توجه به غیر خدا تنها از اثرهای ایمان حقیقی به توحید معرفی شده است.

۵ _ ۱ _ ترک گناه

۵ _ ۱ _ ترک گناه

آیات و روایات فراوانی، یکی از لوازم ایمان به توحیـد و معاد را ترک گناه می داند. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «برای آن ها که به قیامت ایمان نمی آورند، عذاب دردناکی آماده ساخته ایم.»(۴) در جایی دیگر می فرماید: «کسانی که از راه خدا

۱- طه، ۳۹.

۲- اصول کافی، پیشین، ج ۳، ص ۲۴۲، کتاب ایمان و کفر، باب اخوه المؤمنین، ج ۴.

۳- بحارالانوار، پیشین، ج ۷۰، ص ۲۴.

۴- اسرا، ۱۰.

گم راه شوند، عذاب شدیدی به سبب فراموش کردن روز حساب دارند».(۱) چرا این آیات مانند آن، در صفات دوزخیان، تنها بر «عدم ایمان به آخرت»، که همان عدم ایمان به توحید نیز هست تکیه می کند و از کارهایشان سخن نمی گوید؟ شاید بدین سبب باشد که باور به توحید و معاد، بیش از هرچیز انسان را در برابر گناهان کنترل می کند.(۲) چگونه ممکن است کسی خداوند و بزرگی او را به حقیقت شناخته و به پاداش و کیفر و دادگاه عدل او در قیامت باور داشته باشد و باز به سراغ گناه رود؟

در برخی روایات نیز به این مطلب اشاره شده است. امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه ی ۴۶ سوره ی الرحمن می فرماید: «دانستن این که خدا کسی را می بیند و گفتار او را می شنود و به کار نیک و بد او آگاه است، او را از کارهای زشت باز می دارد. چنین کسی از مقام پروردگارش ترسیده و نفس خود را از هوس گناه باز داشته است.»(۳) رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «مؤمن گناهش را آن چنان می نگرد که گویی در زیر سنگ بزرگی قرار گرفته و ترس آن دارد که آن سنگ بر سر او فرود آید؛ ولی کافر گناه خود را چون پشه ای می نگرد که از کنار بینی اش عبور کند.»(۴)

۶ _ ۱ _ کرامت و شرافت انسان

۶ _ ۱ _ کرامت و شرافت انسان

در حکایتی می خوانیم: کسی برای تحقیر به سلمان گفت: تو کیستی؟ چیستی؟ ارزشی نداری! سلمان در پاسخ گفت: آغاز وجود من و تو نطفه ی آلوده ای بود و پایان من و تو مرداری گندیده بیش نیست. هنگامی که قیامت فرا رسد و ترازوهای سنجش اعمال آشکار شود، هرکس ترازوی عملش

۱- ص، ۲۶.

۲- تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۲، ج ۱۲، ص ۳۹.

۳- اصول کافی، پیشین، ج ۳، ص ۱۱۳، کتاب ایمان و کفر، باب خوف و رجاء، ح ۱۰.

۴- بحارالانوار، پیشین، ج ۷۷، ص ۷۷.

سنگین بود، شریف و بزرگوار است و هرکس ترازوی عملش سبک بود، پست و لئیم است.(۱) این سخن، کرامت و شرافت را فرآورده ی سنگین بودن ترازوی عمل قرار داده است؛ اما منظور از میزان چیست؟ روایات مختلفی در توضیح آیه ۶ تا ۹ سوره قارعه آمده است که برخی میزان را امیرالمؤمنان علیه السلام و ائمه علیه السلام و برخی عدل الهی دانسته است.(۲) آن چه آشکار است این که این ها، مصداق هایی از میزان اند و میزان اصلی که این ها به آن باز می گردد، باور به توحید و شناخت خداوند، که همان شناخت و معرفت به معاد است، می باشد. بنابراین، کرامت و شرافت انسان در دنیا و آخرت نیز یکی از نتیجه های پذیرش و ایمان به توحید و معاد است. از این رو، شاید یکی از معانی «زندگی رضایت بخش» در آیه ی ۷ سوره ی قارعه، همان زندگی با کرامت و شرافت باشد؛ زیرا خداوند فرمود: «در قیامت هر کس ترازوی اعمالش سنگین شد، در زندگی سراسر رضایت بخش خواهد بود».(۳)

۷ _ ۱ _ آرامش و غنای روحی

۷ _ ۱ _ آرامش و غنای روحی

قرآن مجید و بزرگان دین به مردم گوش زد فرموده اند که آرامش دل و آسایش خاطر، تنها در سایه ی ایمان به خدا و توجه به پروردگار به دست می آید؛ چه آن که آرامش از گم شده های مهم بشر بوده است و بشر به دنبال آن، خود را به هر دری می زند. به دیگر سخن، آرامش، نقش بسیار مهمی در سلامت فرد و جامعه و سعادت انسان ها دارد. قرآن کریم این حقیقت را این گونه بیان فرموده است: «آنان که ایمان آوردند، دل هایشان به یاد خدا آرامش می یابد و

۱- نورالثقلین، محمدحسن جابر انصاری، تهران، چاپخانه ی اسلامیه، ج ۵، ص ۶۶۰.

۲- تفسیر نمونه، پیشین، ج ۲۷، ص ۲۶۴.

۳- قارعه، ۷.

بدانیـد که تنها با یاد خـدا دل ها آرامش می یابـد».(۱) به گفته ی مفسـران، جمله ی: «وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُم» عطـف تفسـیری برای جمله ی «اَلَّذینَ آمَنوُا» است؛ یعنی ایمـان به خـدا، ملازم آرامش دل است و آن را به دنبال می آورد. یکی از مهم ترین عوامل پریشانی و اضطراب، آینده ی تاریک و مبهم و گذشته ی تباه است که فکر انسان را به خود سرگرم می کند. کسی که به مبدأ و معاد باور داشـته باشد نه به آینده بیم ناک است و نه به گذشـته خود ناخوش: «بدانید که به راستی دوسـتان خدا نه ترسی (از آینده خود) دارند و نه (نسـبت به گذشـته) اندوهگین می شوند.»(۲) آیات متعدد دیگری(۳) نیز بر این مطلب گـواه است که مجال ذکر آن ها نیست. بنابراین به خلاف باور انسان های بی ایمان یا سست ایمان که غنا و آرامش روحی و روانی در گروی مال و مقام و لذت های دنیوی است، انسان های مؤمن، آرامش را تنها در یاد رحمان بودن و رحیم بودن خداوند و بهره مندی از نعمت ها و نزدیکی او می دانند.

۸ _ ۱ _ توکل

۸ _ ۱ _ توکل

در بیـان حقیقت معنای «توکل» به حـدیثی از پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله وسـلم بسـنده می کنیم. آن حضـرت می فرمایـد: «حقیقت توکل این است که انسان بدانـد مخلوق، نه زیان می رسانـد و نه سود؛ نه عطا می کنـد و نه منع. توکل، چشم امیـد از خلق برداشـتن است. هنگامی که چنین شود، انسان جز برای خـدا کار نمی کند، به غیر او امید ندارد. جز از او نمی ترسد و دل به کسـی جز او نمی بندد؛ این روح توکل است».(۴) روشن است که این صـفت، جز با اعتقاد جازم به مبدأ و معاد حاصل نمی شود. از این رو، خداوند در قرآن کریم خطاب

۱- رعد، ۲۸.

۲- یونس، ۶۲.

۳- آل عمران، ۱۲۶؛ بقره، ۲۶۰.

۴- بحارالانوار، پیشین، ج ۶۹، ص ۳۷۳.

به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «در کارها با آن ها مشورت کن؛ اما هنگامی که تصمیم گرفتی (قاطع باش و) بر خدا توکل کن؛ زیرا خداوند توکل کنندگان را دوست دارد».(۱) در آیه بعد، خطاب به همه ی مؤمنان می فرماید: «باید مؤمنان تنها بر ذات خداوند توکل کنند». جای دیگر خداوند فرمود: «ولی برای کسانی که ایمان آورده اند و بر پروردگارشان توکل می کنند، پاداش ها و مواهبی که نزد خدا است، بهتر و پایدارتر است.»(۲)

این دو آیه شریف، یکی از مهم ترین اثرات ایمان به خداوند و روز جزا را توکل و واگذاری خود به خداوند می داند.

۹ _ ۱ _ رضا

۹ _ ۱ _ رضا

رسیدن به مقام «رضا» نیز یکی از اثرات ایمان است. قرآن کریم می فرماید: «...کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، بهترین مخلوقات خدایند. پاداش آن ها نزد پروردگارشان باغ های بهشت جاویدان است که نهرها زیر درختانش جاری است. همیشه در آن می مانند؛ هم خدا از آن ها خشنود است و هم آن ها از خدا خشنودند. این مقام والا، برای کسی است که از پروردگارش بترسد.»(۳) این آیه شریف درجات و مقاماتی را برای مؤمنان شایسته بیان فرموده و در نهایت همه ی این ها را مشروط به ترس از خداوند می داند. پرواضح است که ترس از خداوند جز با ایمان حقیقی به بزرگی پروردگار و باور به عقاب الهی در قیامت حاصل نمی شود. در میان روایات نیز به این نتیجه ی ایمان اشاره شده که به ذکر چند نمونه بسنده می کنیم: امام صادق علیه السلام می فرماید: «داناترین مردم به خدا، خشنودترین آنها از خداست».(۴) روشن است که علم به خداوند، همان توحید و خداشناسی است. در

۱- آل عمران، ۱۵۹.

۲- شوری، ۳۶.

۳- بیّنه، ۸.

۴- اصول کافی، پیشین، ج ۳، ص ۹۹، کتاب ایمان و کفر، باب رضا، ح ۲.

حدیثی دیگر امام باقر علیه السلام فرمود: «در میان آفریده های خدا، سزاوارترین کس در تسلیم بودن به قضای او کسی است که خدا را بشناسد».(۱) حضرت صادق علیه السلام در بیان علامت های مؤمن فرمود:«مؤمن به تسلیم خدا بودن، و خشنودی به شادی و ناگواری هایی که برایش پیش می آید، شناخته می شود».(۲) بنابراین ایمان به مبدأ و معاد، خشنودی به جهان آفرینش، روزی و بلا را در فرد و جامعه به دنبال خواهد داشت.

۱۰ ـ ۱ ـ ترس و فروتنی

۱۰ ـ ۱ ـ ترس و فروتنی

از حالات مؤمن، ترس از ذات پروردگار و ترس از عذاب اوست. این حالت و مقام، سببی جز همان ایمان به مبدأ و معاد ندارد. آیه ی ۲۸ سوره ی فاطر می فرماید: «تنها بندگان عالم و دانشمندند که از خدا می ترسند». مراد از دانشمند و عالم در این آیه ی شریف کسی است که به بزرگی و جلال خدا و عذاب و خشم او آگاه است و علم او به آن، باعث ترس او شود؛ چنان که امام سجاد علیه السلام فرمود: «علم و عمل دو دوست صمیمی اند. کسی که خدا را بشناسد از او می ترسد... صاحبان علم و پیروان او کسانی اند که خدا را به خوبی شناخته اند و کردارشان برای اوست و به او عشق می ورزند؛ چنان که خداوند فرموده است: تنها دانشمندان از خدا می ترسند».(۳) امام صادق علیه السلام می فرماید: «مؤمن بین دو ترس قرار دارد: گناهی که انجام داده است و نمی داند خدا درباره ی او چه می کند و عمری که باقی مانده و نمی داند چه گناهانی که باعث هلاک اوست، مرتکب می شود».(۴)

۱۱ ـ ۱ ـ رجا

۱۱ ـ ۱ ـ رجا

رجا، امیدواری فرد یا جامعه به خداست. به دیگر سخن، رجا آن شادمانی

۱- اصول کافی، پیشین، ج ۳، ص ۹۹، کتاب ایمان و کفر، باب رضا، ح ۹.

۲- اصول کافی، پیشین، ج ۳، ص ۹۹، کتاب ایمان و کفر، باب رضا، ح ۱۲.

۳- تفسیر نمونه، پیشین، ج ۱۸، ص ۲۴۷.

۴- اصول کافی، پیشین، ج ۳، ص ۱۱۴، کتاب ایمان و کفر، باب خوف، ج ۱۲.

و سروری است که در دل انسان به سبب انتظار پاداش نیکویی ایجاد می شود؛ البته فرد باید بسیاری از اسباب رسیدن به آن مطلوب را تحصیل کرده باشد؛ مانند انتظار رسیدن گندم برای کسی که بذر بی عیبی را در زمین مساعدی کاشته و به موقع آبیاری نموده است. بنابراین انتظار چیزی که هیچ یک از اسباب آن فراهم نشده است رجا نیست، بلکه نوعی غرور و حماقت است. از این رو، رجا و امیدواری به خدا، اثر ایمان، و غرور و حماقت اثر بی ایمانی است. ایمان مؤمن، سبب می شود با انجام طاعات و عبادات و ترک گناه، زمین مساعدی برای رجا ایجاد شود. امام صادق علیه السلام می فرماید: «پدرم می فرمود هر بنده ی مؤمنی در دلش دو نور است: نور خوف و نور رجا که اگر در ترازو نهاده شود، هر دو برابرند».(۱)

۱۲ _ ۱ _ صبر و پایداری در سختی ها و گرفتاری ها

۱۲ _ ۱ _ صبر و پایداری در سختی ها و گرفتاری ها

خدا در قرآن کریم، یکی از مهمترین صفات مؤمنان را این گونه بیان می کند: «آنها کسانی اند که در برابر مشکلات صبر و استقامت می کنند».(۲)

و در جای دیگر می فرماید: «کسانی که گفتند: پروردگار ما الله است، سپس استقامت به خرج دادند نه ترسی و نه غمی دارند».(۳) بنابراین می بینیم این دو آیه و آیات نظیر آن صبر را یکی از لوازم ایمان، یعنی پذیرش مبدأ و معاد معرفی نموده است. امام سجاد علیه السلام می فرماید: «صبر نسبت به ایمان، مانند سر است نسبت به بدن. هر که صبر ندارد ایمان ندارد».(۴) بنابراین، ایمان فرد یا جامعه ی مؤمن به توحید و معاد، سبب می شود که بدانند: اولاً در مقابل هر مصیبتی، یا گناهانی از او محو می شود یا

۱- کتاب ایمان و کفر، باب خوف، ص ۱۱۰، ج ۱.

۲- عنکبوت، ۵۹.

۳- احقاف، ۱۳.

۴- اصول کافی، پیشین، ج ۳، ص ۱۴۲، کتاب ایمان و کفر، باب صبر، ح ۴.

ترفیع درجه و کمال می یابـد. ثانیا بی صبری فایـده ای نـدارد؛ چون هرچه مقدّر باشد به او می رسد. ثالثا می فهمد گرفتاری و مصـیبت دلیل فضل سـعادت و محبوبیت او نزد خداوند است.(۱) رابعا این مصـیبت را از سوی محبوب خود، یعنی خداونـد که چیزی جز خیر و خوبی بنـده نمی خواهـد می داند. وقتی از پرتوی ایمان خویش به این مطالب پی برد، در برابر مشـکلات صبر نموده هیچ مصیبتی او را نمی لرزاند.

۱۳ _ ۱ _ وراثت زمین و حاکمیت بر آن در حکومت حضرت مهدی علیه السلام

این لازمه ی ایمان به توحیـد و معاد است. از آیات قرآن کریم برداشت می شود؛ آن جا که در بیان نتیجه ی بندگی خداوند و ترک گناه که همان پـذیرش مبدأ و معاد است می فرماید: «خداوند به کسانی از شـما که ایمان آورده اند و کار شایسـته انجام داده اند، نوید می دهد که آنها را به یقین خلیفه ی روی زمین خواهد کرد، همان گونه که پیشـینیان را جانشـینی بر روی زمین بخشید و دین و آیینی را که برای آن ها پسندید، ریشه دار و پابرجا در صفحه ی زمین مستقر سازد».(۲) خداوند در این آیه به گروهی از مسلمانان که دارای صفت ایمان اند دو چیز نوید می دهد: ۱ _ جانشینی و حکومت روی زمین ۲ _ نشر آیین حق به طور اساسی و ریشه دار در همه جا (که از کلمه ی «تمکین» استفاده می شود).(۳)

۱۴ _ ۱ _ اخلاص

۱۴ _ ۱ _ اخلاص

علمای اخلاق(۴) در تعریف اخلاص گفته انـد: «اخلاص عبارت است از بی آلایشـی و پاکی در گفتار و پنـدار و کردار از هر چه غیرخداست». پرواضح

۱- اصول کافی، پیشین، ج ۳، ص ۱۴۲، کتاب ایمان و کفر، باب صبر، ح ۴.باب شدت گرفتاری مؤمن.

۲- نور، ۵۵.

۳- تفسیر نمونه، پیشین، ج ۱۴، ص ۵۲۸.

۴- چهل حدیث، پیشین، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ پنجم، ۱۳۷۳، ص ۳۲۸.

است که چنین مقامی جز برای مؤمنان به خدا و روز قیامت حاصل نمی شود. آیات و روایات نیز این سخن را تأیید می نماید. قرآن کریم، تنها بندگان مخلص خدا را نجات یافتگان از وسوسه های شیطان معرفی نموده است و می فرماید: «قالَ فَبِعِزَّتِکَ لَاُغْوِیَنَّهُمْ اَجْمَعین اِلاّـ عِبادَکَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصین»(۱)؛ البته فرق مخلِص با مخلَص در این است که مخلِص در راه رسیدن به خداست، ولی مخلَص به او رسیده است؛ اما هر دو در ایمان به مبدأ و معاد مشترک اند. خداوند در قرآن کریم، در ضمن آیاتی، پیامبرانی را به داشتن اخلاص، توصیف نموده است و روشن است که پیامبران از مصداق های آشکار باورداران به توحید و معادند؛ مثلاً در مورد حضرت موسی علیه السلام می فرماید: «و در این کتاب (آسمانی) از موسی یاد کن که او مخلص بود و پیامبری والامقام».(۲)

در نهج البلاغه آمده است: «برترین مرحله ی توحید، اخلاص به پروردگار است».(۳) بنابراین کسی که حقیقتا خداوند را شناخته باشد و به مرگ و قیامت باور داشته باشد، ممکن نیست در رفتار و کردار او غیر از رضای خدا و تقرب به او آشکار باشد.

۱۵ _ ۱ _ شکر

۱۵ _ ۱ _ شکر

همان طور که در سپاسگزاری از بندگان خدا، شناخت عطا کننده شرط است، در شکر خداوند نیز معرفت نسبت به آن منعم حقیقی مسبب الاسباب واقعی از ارکان مهم سپاسگزاری است. بنابراین مقام شکر، ملازم با ایمان به خدا که همان ایمان به معاد نیز هست و کفران نعمت، ملازم با کفر نسبت به

۱- ص، ۸۲ و ۸۳.

۲- مریم، ۵۱.

۳- نهج البلاغه، پیشین، خطبه ی ۱.

اوست. قرآن کریم می فرماید: «فَاذْکُرُونی اَذْکُرْکُمْ وَ اشْکُرُوا لی وَ لا تَکْفُرون»(۱). خداوند در قرآن کریم یکی از ویژگی های پیامبران الهی را که از مصادیق کامل مؤمن به مبدأ و معادند، شکرگزاری بیان می فرماید. نمونه آن درباره ی حضرت نوح آمده است: «به درستی که او بنده ی شکرگزاری بود».(۲) در داستان حضرت سلیمان، آن گاه که تخت بلقیس را نزد او حاضر کردند آمده است: «چون آن را نزد خود پابرجا دید، گفت: این از بخشش پروردگار من است تا مرا بیازماید که آیا سپاس او را بجا می آورم یا کفران می کنم؟»(۳)

در این باره، از روایات نیز می توان به حدیثی از امام صادق علیه السلام اشاره نمود که می فرماید: «برای مؤمن، شایسته است که هشت ویژگی در او باشد:... سوم اینکه در هنگام فراخی، شاکر و سپاسگزار باشد».(۴) شیخ عارف، خواجه عبدالله انصاری درباره مقام شکر می گوید: «درجه ی سوم از شکر آن است که بنده جز جمال منعم را مشاهده نکند و غرق شهود جمال او شود و از برای آن سه مقام است: اول آن که او را مشاهده کند: مشاهده ی بنده ی ذلیل مولای خود را و وقتی خود را حقیر شمرد، نعمتی اگر به او عنایت شود عظیم شمارد و خود را لایق آن نداند و دوم مشاهده ی اوست مانند مشاهده ی دوست دوست را. و در این حال غرق جمال محبوب شود و هرچه از او ببیند محبوب باشد و لذت از آن برد، گر چه شدت و زحمت باشد. سوم، مشاهده ی اوست تفریدا بی تعینات اسمایی بلکه مشاهده ی نفس ذات کند و در این حال از خود و غیر خود غافل شود و جز

۱- بقره، ۱۵۲.

۲- اسراء، ۳.

۳- نمل، ۴۰.

۴- بحارالانوار، پیشین، ج ۶۷، ص ۲۶۸.

ذات حق مشهود او نیست، نه نعمتی ببیند و نه شدتی مشاهده کند».(۱)

۱۶ _ ۱ _ حسن عاقبت

۱۶ _ ۱ _ حسن عاقبت

قرآن پـای داران در علم _ مؤمنـان واقعی _ را این گونه توصـیف می کنـد که آنان همیشه از کـج روی هایی که در پیش راه انسان است و مسـیر فکری او را عوض می کنـد، در هراسـند و از خـدا چنین می خواهند: «خدایا قلب های ما را پس از آن که هدایت کردی، منحرف مگردان».(۲) در قرآن، آیات بسـیاری است که می فرماید: افرادی پس از ایمان کافر می شوند: «آمَنُوا ثُمَّ کَفَرُوا».(۳) در فقه اسـلامی هم بحث ارتـداد مطرح است و معنـای آن هم برگشت از ایمان و گرویـدن به کفر است. از این رو، بایسـته ی پـذیرش مبدأ و معاد این است که خداوند، هنگام مرگ که شـیطان از هر سو برای ایجاد شک و گرفتن ایمان از مؤمنان تلاش می کنـد، آنان را در دین داری پای دار قـدم نگاه می دارد و به سـخن دیگر، عاقبت به خیر می شونـد: «خـداوند کسانی را که ایمان آوردند، به سبب گفتار و اعتقاد ثابتشان، هم در این جهان و هم در سرای دیگر استوار می دارد».(۴)

در دعای ابوحمزه ی ثمالی، امام سـجاد علیه السـلام می فرمایـد: «خدایا، ایمانی به من مرحمت فرما که موقت نباشد؛ بلکه پس از مرگ هم ادامه داشـته باشد». دربرخی دعاها(۵) می بینیم که اولیای خدا در آسایش و سـلامتی، عقاید خود را با خدا مطرح می نمایند و سپس از خدا می خواهند که «فَردّه عَلَیّ حُضُورَ مَوْتی؛ خدایا، این عقایدی

۱- چهل حدیث، پیشین، ص ۳۴۶.

۲- آل عمران، ۸.

۳- نساء، ۱۳۷؛ منافقون، ۳.

۴- ابراهیم، ۲۷.

۵- مناجات سحرماه رمضان و دعای عدیله.

که اکنون با آرامش و بدون اضطراب اعلام کردم، هنگام فرا رسیدن مرگ که انواع وحشت ها در کار است، به من برگردان».

۱۷ ـ ۱ ـ خلود در بهشت

۱۷ ـ ۱ ـ خلود در بهشت

آثار ایمان به توحید و معاد، بنابر آیات قرآن کریم، خلود ـ زندگی جاویدان ـ در بهشت است. خداوند در آیه ای می فرماید: «ای پیامبر، بگو آیا این بهتر است یا بهشت جاویدانی که به پرهیزکاران وعده داده شده است؟!»(۱) و روشن است که پرهیزکاران، مؤمنانی اند که ایمان آن ها از زبان درگذشته و در قلب آن ها جای گرفته است و در رفتار و حرکات آن ها نمودار است. در جای دیگر، قرآن کریم می فرماید: «کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند و در برابر پروردگارشان خشوع و خضوع کردند، اهل بهشت اند و جاودانه در آن خواهند ماند».(۲) در سوره فتح نیز می فرماید: «هدف دیگر از آن فتح مبین این بود که مردان و زنان با ایمان را در باغ هایی ـ از بهشت ـ وارد کند که نهرها در زیر درختانش جاری است و جاودانه در آن می مانند».(۳) علت این امر این است که وقتی قلب و همه ی رفتار و حرکات انسان مؤمن، رنگ و بوی خدایی گرفت، از آن جا که «کُلُّ شَی ءٍ هالِکٌ اِلّا وَجْهَه؛(۴) همه چیز جز ذات خدا نابودشدنی است» مؤمن و کارهای او که سازنده ی آخرت اوست، ابدی و جاویدان خواهد بود.

۱۸ ـ ۱ ـ شرح صدر

۱۸ ـ ۱ ـ شرح صدر

خداوند در سوره انعام می فرماید: «آن راکه خدا بخواهد هدایت کند، سینه اش را برای اسلام گشاده می سازد و آن را که ـ بخاطر کارهای بدش ـ

۱- فرقان، ۱۵.

۲- هود، ۲۳.

۳- فتح، ۵.

۴- قصص، ۸۸.

بخواهـد گمراه سازد، سـینه اش را آن چنان تنگ می کنـد که گویا می خواهـد به آسـمان رود. این گونه خداوند پلیدی را بر افرادی که ایمان نمی آورند، فرود می آورد».(۱) در این آیه شریف، قراردادن «ضیق صدر» همراه با عدم ایمان، خود قرینه ای است بر این که «شـرح صـدر» هم ملازم با ایمان است. هم چنین خداونـد در سوره زمر فرمود: «آیا کسـی که خدا سـینه اش را برای اسـلام وسـعت داده است و بر فراز مرکبی از نور الهی قرار گرفته ــ هم چون کوردلاـن گمراه است؟! ــ وای بر آنـان که در برابر ذکر خدا قلب هایی سـخت دارند».(۲) در این آیه شـریف هم این که سـنگ دلی را مایه عـدم نفوذ یاد خدا دانسـته و کسـانی را که دارای شـرح صدرنـد همراه با نور الهی قرار داده است، خود قرینه ای بر این است که شـرح صـدر از نعمت های بزرگ پروردگار است و تنها برای مؤمن به توحید ــ و معاد ــ و خداشناسی حاصل خواهد شد.

شایـان ذکر است که «شـرح» ــ به گفته راغب در «مفردات» ــ به معنـای گسـترش دادن قطعـات گـوشت و سـاخت ورقه هـای نازک تر است. سـپس می افزاید که منظور از «شرح صدر» گسترش آن به نور الهی و آرامش خداداد است. آن گاه می گوید که شک نیست، منظور از شـرح صدر در آیات قرآن، معنای کنایی آن است و آن گسترش روح و فکر پیامبر که مصداق تمام و کامل ایمان می باشـد، است. این توسـعه می تواند مفهوم وسـیعی داشـته باشد که هم گستره ی علمی پیامبر را از راه وحی و رسالت شامل شود و هم گسترش صبر و استقامت او در برابر لجاجت ها و کارشکنی های دشمنان و مخالفان.(۳) خداوند

۱- انعام، ۱۲۵.

۲- زمر، ۲۲.

۳- تفسیر نمونه، پیشین، ج ۲۷، ص ۱۲۱.

درباره پیامبراسلام صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید: «آیا ما سینه ی تو را گشاده نساختیم؟»(۱) هم چنین موسی بن عمران علیه السلام مأموریت دعوت فرعون طغیان گر را پیدا می کند: «اِذْهَبْ اِلی فِرْعَوْنَ اِنَّهُ طَغی».(۲) در آن هنگام عرض می کند: «خداوندا، سینه ام را گشاده ساز و کار را بر من آسان کن».(۳)

بنابراین، بایسته ی پذیرش مبدأ و معاد، شرح صدر است. البته آن، در خور تشکیک بوده هرچقدر ایمان قوی تر باشد، شرح صدر هم بیشتر خواهد بود. پیامبران، چون از دیگران ایمان بالاتری دارند، شرح صدر بیش تری هم داشتند و در بین پیامبران هم، وجود مبارک خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله وسلم، چون با بیشترین و بدترین مخالفت ها و آزارها روبرو بوده است، دارای بیش ترین شرح صدر نیز بوده است.

۱۹ _ ۱ _ هم نشینی با پیامبران، راستگویان و مؤمنان دیگر در بهشت

۱۹ _ ۱ _ هم نشینی با پیامبران، راستگویان و مؤمنان دیگر در بهشت

راوی از امام باقر علیه السلام می پرسد چرا گاهی بدون این که مصیبتی به من رسد یا ناراحتی بر سرم ریزد، اندوهگین می شوم، تا آن جا که خانواده و دوست اثرش را در چهره ام مشاهده می کند؟ حضرت فرمود: آری ای جابر، خدای عزوجل، مؤمنان را از طینت بهشتی آفرید و از نسیم روح خویش در آنها جاری ساخت. از این روست که مؤمن، برادر پدر و مادری مؤمن است _ زیرا طینت به منزله ی پدر و نسیم به جای مادر است _ پس هرگاه به یکی از آن ارواح، در شهری، اندوهی رسد، روح دیگر اندوهگین شود؛ زیرا از جنس اوست».(۴)

۱- انشراح، ۱.

۲- طه، ۲۴.

۳- طه، ۲۵ و ۲۶.

۴- اصول کافی، پیشین، ج ۳، ص ۲۴۱، کتاب ایمان و کفر، باب برادری اهل ایمان با یکدیگر، ح ۲.

از این رو، انسان با ایمان، هیچ گاه احساس نمی کند که از برادران ایمانی اش جدا شده است. اگر آنان همراه او در مسجد یا خانه ی او نیستند، در اندیشه و درون او به سر می برند و در وجدان او زندگی می کنند. هرگاه که نماز به جا می آورد، هرچند که نمازش فرادا باشد، از قول آنان با خدا سخن می گوید: «ایّاك نعبد و ایّاک نستعین»، «اهدناالصّراط المستقیم» و «السلام علینا و علی عباداللّه الصّالحین». مؤمن به مبدأ و معاد، گمان نمی کند که تنها با دین داران هم روزگار خویش به سر می برد؛ بلکه با مسلمانان دیگر دوران ها نیز زندگی می کند. این هم نشینی و همراهی با پیکر و صورت نیست. هم نشینی و هم راهی روح و وجدان و فکر و قلب است. به دیگر سخن، تاریخ انسان مؤمن، تاریخ ایمان و هدایت از عهد آدم ابوالبشر است. تاریخ این انسان تاریخ حضرت نوح علیه السلام، ابراهیم علیه السلام، موسی علیه السلام، عیسی علیه السلام و خاتم الانبیاء حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم و دیگر پیامبران و امامان و اهل ولایت است. انسان با ایمان به توحید و معاد، در هر سختی و دشواری، از این تاریخ ایمانی و آکنده از تجربه ها و بینش ها الهام و قوت قلب می گیرد.

۲۰ _ ۱ _ ایمنی از مرگ

۲۰ _ ۱ _ ایمنی از مرگ

انسان مؤمن به مبدأ و معاد، هیچ گونه ترسی از مرگ ندارد؛ چون او به عظمت و قدرت و حضور خداوند در همه جا ایمان داشته همواره در دنیا، به حساب خود رسیده است و حیات جاویدان را حیات اخروی دیده و در آبادانی آن کوشیده است. از این رو، به «یا اَیَّتُها النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّهُ ارْجِعی اِلی رَبِّكِ راضِیَهً مَرْضِیَهً»(۱) لبیك گفته صمیمانه مرگ را در آغوش می کشد. حقیقت این آیه

۱- فجر، ۲۸.

شریف را در اباعبدالله الحسین علیه السلام می بینیم. نیز در حضرت علی علیه السلام و برخورد ایشان با مرگ می خوانیم: «به خدا قسم که پسر ابوطالب، از کودک به پستان مادرش با مرگ مأنوس تر است».(۱) بنابراین، مؤمنان در برخورد با مرگ به امیرمؤمنان علیه السلام اقتدا می کنند و وحشتی از مرگ ندارند.

باورداران توحید و معاد، چون عمری با خدا زندگی کرده و بر این عقیده پای داری نموده اند، از سویی بر فرود آمدن فرشتگان بشارت دهنده، هنگام مرگ، یقین دارند. «به یقین کسانی که گفتند: پروردگار ما خداوند یگانه است، سپس پای داری کردند، فرشتگان بر آنان نازل می شوند که نترسید و غمگین مباشید و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است».(۲) از سوی دیگر، به ملاقات با انوار مقدس چهارده معصوم علیه السلام، هنگام جان دادن، باور دارند.(۳) از این رو، همیشه آماده ی جان دادن اند و از مرگ هراسی ندارند.

۲۱ _ ۱ _ امید

۲۱ _ ۱ _ امید

بیان شد که انسان مؤمن باید همواره بین خوف و رجا به سر برد؛ یعنی از سویی از غضب الهی هراسان بوده از سوی دیگر به رحمت او امیدوار باشد. آن چه اکنون در صدد بیان آن هستیم، امید مؤمن به مبدأ و معاد در همه ی امور زندگی است. این مطلب را فراوان در پیامبران و اولیای الهی، در قرآن کریم، می یابیم. پیامبرانی بوده اند که صاحب فرزند نبوده اند، ولی در پیری، امید خویش را به خداوند از دست نداده همواره به درگاه الهی راز و نیاز می کردند: «پروردگارا، به من از صالحان _ فرزند صالح _ ببخش».(۴)

۱- نهج البلاغه، پیشین خطبه ی ۵.

۲- فصّلت، ۳۰.

۳- کلم الطیّب، سیدعبدالحسین طیب، کتابخانه اسلام، چاپ چهارم، ۱۳۶۲، ص ۶۵۳.

۴- صافات، ۱۰۰.

حضرت موسی علیه السلام، هنگامی که به یکی از سخت ترین موقعیت زندگی می رسد ـ لشگریان فرعون را پشت سر و رود نیل را پیش رو می بیند ـ باز امید خود را از دست نمی دهد و در برابر پیروان سست ایمان و ناامید خویش می گوید: «چنین نیست که ما گرفتار فرعونیان شویم. به یقین پروردگار با من است. به زودی مرا هدایت خواهد کرد».(۱) وقتی دشمنان قصد کشتن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم را داشتند، تا کنار غار آمدند. همراه آن حضرت را ترس فرا گرفته بود. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «غم مخور خدا با ماست».(۲) بنابراین، یکی دیگر از اثرات ایمان به توحید و معاد در فرد و جامعه، «امید داشتن» است که در هنگامه های سخت، مانند فقر، بیماری، مصیبت و بلا به یاری می شتابد. حضرت ابراهیم در مقابله با بت پرستان فرمود: «همه ی آنها دشمن من اند مگر پروردگار عالیمان؛ همان کسی که مرا آفرید و پیوسته راهنمایی ام می کند. کسی که مرا غذا می دهد و سیراب می نماید و هنگامی که بیمار شوم مرا شفا می دهد. کسی که مرا می میراند و سپس زنده می کند. کسی که امیدوارم گناهم را در روز جزا ببخشد».(۳)

۲۲ ـ ۱ ـ مؤمن واقعی عالم را محضر خدا می داند

۲۲ ـ ۱ ـ مؤمن واقعی عالم را محضر خدا می داند

خداوند در قرآن کریم می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا را بسیار یاد کنید و صبح و شام او را تسبیح گویید».(۴) آن چه از این آیه شریف برداشت می شود این است که یکی از خصوصیات اهل ایمان به مبدأ و معاد، یاد خداست؛ بدین معنا که همیشه خود را در حضور خداوند می دانند. قرآن کریم به علت اهتمام به یاد حق و آثار گران سنگ ذکر خدا، امر به بسیاری آن نموده می فرماید: «خدا را

۱- شعرا، ۶۲.

۲- توبه، ۴۰.

۳- شعرا، ۷۷ ـ ۸۲.

۴- احزاب، ۴۱ و ۴۲.

بسـیار یـاد کنیـد». قرآن، پـاداش یـاد حق را آن قرار داده کـه خداونـد نیز بـه یـاد ذاکران خـویش خواهـد بـود: «فَاذْکُرُونی اَذْکُرْکُمْ».(۱)

به دیگر سـخن، مؤمنـان واقعی به چنان معرفتی در توحیـد و خداشناسـی رسـیده انـد که باور نموده انـد «مشـرق و مغرب از آن خـداست و به هر سو رو کنیـد خـدا آن جاست».(۲) در بین روایـاتی که بر این مطلب دلالـت دارد می توان به سـخن حضـرت صادق علیه السـلام اشاره نمود که می فرماید: «از خداوند بترس؛ مثل آن که او را می بینی و اگر تو او را نمی بینی او تو را می بینـد. اگر گمان کنی که او تو را نمی بینـد، کافر شـده ای. اگر بـدانی که او تو را می بینـد و باز گناه کنی، او را از پست ترین نظرکنندگان به خود قرار داده ای».(۳) شایان ذکر است که مؤمن در تمام حالات زندگی، خود را در محضر خدا دیده و ادب را در حضور او حتی در مشـکلات زنـدگی رعـایت می کنـد. بیـان شـد حضـرت موسـی علیه السـلام در سـخت ترین لحظات زندگی خویش ـ لشـگریان فرعون را پشت سـر و رود نیل را مقابل خویش دید ـ می فرماید: «کَلّا اِنَّ مَعی رَبّی سَیَهْدِین».(۴) کلمه «معی» در این آیه خود گواه است که تا چه اندازه موسی علیه السـلام خود را در پیش گاه خداوند و در سایه ی عنایات او می دانسـته است. اگر ایمان به توحید و معاد به اندازه ایمان امام صادق علیه السلام باشد، چنان است که آن حضرت فرمود: «ندیدم چیزی را مگر آن که خدا را همراه آن و پیش از آن و در آن دیدم».(۵)

۲۳ ـ ۱ ـ نیرومندی و شجاعت

۲۳ ـ ۱ ـ نیرومندی و شجاعت

۱- بقره، ۱۵۲.

۲- بقره، ۱۱۵.

۳- اصول کافی، پیشین، ج ۳، ص ۱۱۰، کتاب ایمان و کفر، باب خوف و رجاء، ج ۲.

۴- شعرا، ۶۲.

۵- چهل حدیث، پیشین، ص ۴۵۵.

از بایسته های پذیرش توحید و معاد «نیرومندی و شجاعت» است. مؤمن به مبدأ و معاد، به چند دلیل شجاع می شود:

۱. ایمان به خداونـد: «اگر خداونـد شـما را یاری کنـد هیـچ کس بر شـما پیروز نخواهـد شد و اگر دست از یاری شـما بردارد، کیست که بعد از او شما را یاری کند؟ مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند».(۱)

۲. ایمان به حق: «و بگو حق آمد و باطل نابود شد، یقینا باطل نابودشدنی است».(۲)

۳. ایمان به جاودانه گی و دیـدار خدا پس از شـهادت: «هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشـته شدند مردگان اند، بلکه آنان زنده اند و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند».(۳)

۴. ایمان به قضا و قدر الهی: «بگو هیچ حادثه ای برای ما رخ نمی دهد مگر آن چه خداوند برای ما نوشـته و مقرر داشـته است. او سرپرست ماست و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند».(۴)

۵. ایمان آنها به برادری با دیگر مؤمنان که توضیـح آن در مباحث پیشین گذشت. این امر را در زندگی پیامبران و اولیای الهی و امامان علیه السلام که همواره با دشمنان خدا در مبارزه بوده اند، می بینیم.

۲۴ـ ۱ـ رحم و مهربانی

۲۴ـ ۱ـ رحم و مهربانی

از نتایج دیگر ایمان به توحید و معاد که از آیات و روایات(۵) برداشت می شود، رحم و مهربانی و عطوفت مؤمن به بندگان و مخلوقات خدا، حتی حیوانات، است. خداوند، در قرآن کریم، این ویژگی را برای مؤمنان بیان

۱- آل عمران، ۱۶۰.

۲- اسرا، ۸۱.

۳- آل عمران، ۱۶۹.

۴- توبه، ۵۱.

۵- اصول کافی، پیشین، ج ۳، ص ۱۸۰، کتاب ایمان و کفر، باب رفق، ح ۱.

می فرماید: «همان هایند که... خشم خود را فرو می برند و از خطای مردم در می گذرند»(۱) و درباره ی برخورد با افراد نادان که اعمال بـد یا زشتی از آنها سـرزده می فرمایـد: «بندگان رحمان، کسانی اند که با آرامش و بی تکبّر بر زمین راه می روند و هنگامی که جاهلان آنها را مخاطب سازنـد ــ و سـخنان نابخردانه گوینـد ــ به آنها سـلام می گویند».(۲) کلمه «عبادالرّحمن» خود فلسـفه ی این ویژگی مؤمنان را بیان می کند: عفو و بخشش از بدی و گناه، از صفات پروردگار است. «رحمن» و «رحیم» دو صـفت خداونـد است. علاـوه بر آن، خداونـد، بی نهـایت رازپوش و پوشاننـده ی گناهان ماست. در نتیجه، انسان که خلیفه خـدا بر زمین است، بایـد علاـوه بر این که در زنـدگی روزمره به بنـدگان خـدا مهربـانی و عطوفت می کنـد، در برابر خطـای دیگران نیز نهایت گذشت را داشـته باشد. پوشیده نیست جامعه ای که چنین رفتاری در افراد آن حاکم باشد، تمام مشکلات و معضلات آن به راحتی برطرف خواهد شد.

۲۵ ــ ۱ ــ دوری از حیله و مکر

۲۵ ــ ۱ ــ دوری از حیله و مکر

مؤمن، در همه ی امور، تنهـا بر خـدا توکل دارد(۳) و تـدبیر تمام امور و مسـبب الاسـباب بودن را از آنِ او می داند. مهم تر از همه ــ چنان که گذشت ــ این که مؤمن، دارای مقام رضا و تسیلم در برابر خداست و در زندگی دنیوی خویش نیازی به مکر و حیله نـدارد؛ چه آن که او خـود را بر حق می بینـد؛ امـا انسـان هـای غیرمؤمن، چون خود را در مسـیر نـابودی می داننـد و بر اندیشه ی خود تکیه می کنند و از مسبب الاسباب غافل اند، پیوسته به دنبال مکر و حیله با

۱- آل عمران، ۱۳۴.

۲- فرقان، ۶۳.

۳- توبه، ۵۱.

بندگان خدایند. آیات قرآن کریم گواه است که در طول تاریخ، دشـمنان پیامبران و اولیای الهی، برای مقابله با حق، همواره از مکر و حقه بازی و توطئه چینی بهره برده اند؛ مانند حیله ی فرعونیان در برابر حضـرت موسـی علیه السـلام (۱) و قوم صالح در برابر حضرت صالح علیه السلام (۲) و قوم نوح در برابر حضرت نوح علیه السلام .(۳)

خداونـد در قرآن کریم می فرمایـد: «این گـونه در هر شـهر و آبـادی، بزرگـان گنه کـاری قرار دادیم ــ افرادی که همه گـونه قـدرت در اختیارشـان گـذاردیم، امـا آنها سوء اسـتفاده کرده راه خطا پیش گرفتنـد ــ و سـرانجام کارشان این شـد که به مکر پرداختند؛ ولی تنها خودشان را فریب می دهند و نمی فهمند».(۴) در این آیه، خداوند مکر و حیله را به افراد بی ایمان یا سست ایمان که گرفتار گناه و سرکشـی اند نسـبت داده است. خداوند علت این که آن ها، در حقیقت، خود را فریب داده و از فریب کاری خود سودی نمی برند، در خطاب به پیامبراکرم صلی الله علیه و آله وسلم بیان فرمودند: «از نیرنگ و مکر آن ها در تنگنا قرار مگیر. خداوند با کسانی است که تقوا پیشه کرده اند و کسانی که نیکوکارانند»؛(۵) چون مؤمنین به خداوند توکل می کنند و خداونـد نیز پشتیبـان آن هـاست: «وَ مَکَروُا وَ مَکَرَاللّهُ وَ اللّهُ خَیْرَالْماکِرین؛ آنها نقشه کشـیدند و خداونـد ــ برای حفظ اولیای خود و آیینش ــ چاره جویی کرد و خداوند بهترین چاره جویان است».(۶)

۲۶ ــ ۱ ــ ایثار و فداکاری

۲۶ ــ ۱ ــ ایثار و فداکاری

از بایسته های پذیرش مبدأ و معاد، ایثار و فداکاری است. بدین معنا که وقتی انسان، به حقیقت خدا را شناخت و در راه او قدم برداشت و به

۱- اعراف، ۱۲۳.

۲- نمل، ۵۰.

۳- نوح، ۲۲.

۴- انعام، ۱۲۳.

۵- نحل، ۱۲۶ و ۱۲۷.

۶- آل عمران، ۵۴.

نعمت های او در آخرت، خصوصا رضوان خداوندی و دیدار با او، ایمان داشت، از جان و مال خویش در راه او گذشته خشنودی خداوند و خدمت به بندگان او را بر خود مقدم می دارد. این امر را در مؤمنان ایثارگر آغاز اسلام، مانند عمارها و یاسرها و در قیام عاشورا مانند حبیب بن مظاهرها و ابوالفضل العباس علیه السلام، و در شهدای انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی آشکارا می بینیم. قرآن کریم درباره ی ایثار انصار، در مدینه، نسبت به مهاجرین می فرماید: «برای کسانی که در این سرا ــ مدینه ــ و در سرای ایمان پیش از مهاجران منزل گزیدند وکسانی را که به سویشان هجرت کنند دوست می دارند و در دل خود نیازی به آن چه به مهاجران داده شده احساس نمی کنند و آن ها را بر خود مقدم می دارند، هرچند خودشان بسیار نیازمند باشند. کسانی که از تنگ چشمی و آزمندی نفس خویش بازداشته شده اند رستگاران اند».(۱)

حضرت علی علیه السلام فرمود: «ایثار از بالاترین مراتب و جایگاه های ایمان است».(۲) در روایت دیگری درباره ی ایثار و فداکاری در رفع حوایج و مشکلات دیگران آمده است: «هرکس یک حاجت برادر خود را برآورد، چنان است که در همه ی عمر خود خدا را خدمت کرده است».(۳)

۲۷ ــ ۱ ــ انفاق و سخاوت

۲۷ ــ ۱ ــ انفاق و سخاوت

از آثار ایمان به مبدأ و معاد، سخاوت و انفاق است؛ البته بالاترین درجه ی سخاوت، ایثار است. و در این باره، انفاق ها، بخشش ها و ایثارگری های امیرمؤمنان، علی علیه السلام اثبات رابطه ی انفاق و سخاوت باایمان به توحید و معاد کافی است. خداوند درباره ی ایثارگری و از خود گذشتگی آن حضرت در

۱- حشر، ۹.

۲- میزان الحکمه، پیشین، ج ۱، ص ۴.

۳- بحارالانوار، پیشین، ج ۷۴، ص ۳۰۲.

«لیله المبیت» فرمود: «برخی از مردم جان خود را در برابر خشنودی خداوند می فروشند».(۱) هم چنین انفاق آن حضرت در میان نماز از مشهورات تاریخی است که خدا درباره ی آن می فرماید: «همانا سرپرست شما، خداوند و پیامبر او و کسانی اند که ایمان آوردند. آنان که نماز می گزارند و در حالی که رکوع می کنند زکات می دهند».(۲) و بالاخره انفاق و سخاوت آن حضرت و دیگر اهل بیت علیه السلام تا جایی است که خداوند سوره ای در شأن و اهمیت عمل آنان نازل می کند به نام «هل اتی»: «و غذای ــ خود ــ را با این که به آن نیاز دارند به مسکین و یتیم و اسیر می دهند».(۳) شگفت این که خداوند ریشه ی این کرامت اهل بیت علیه السلام را همان ایمان به توحید و بیم روز جزا بیان می فرماید: «ما شما را برای خدا اطعام می کنیم و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی خواهیم. ما از پروردگارمان خائفیم در آن روزی که درهم پیچیده و سخت است.»(۴)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید: «مخلوقات، خانواده خدایند و محبوب ترین آن ها نزد خدا کسی است که به خانواده ی خدا سود دهد و به خانواده ای شادی رساند».(۵) پرواضح است کسی تا معرفت به خداوند و معاد پیدا نکرده باشد، در پی محبوب بودن نزد خداوند نیست.

۲۸ ــ ۱ ــ حیات طیّب

۲۸ ــ ۱ ــ حیات طیّب

قرآن کریم «حیات طیّب» را یکی دیگر از بایسته های پذیرش مبدأ و معاد معرفی می فرماید: «هرکس کار شایسته ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیات طیّب و پاک زنده می داریم، و پاداش آن ها را به بهترین اعمالی که

۱- بقره، ۲۰۷.

۲- مائده، ۵۵.

۳- هل اتی، ۸.

۴- هل اتی، ۹ و ۱۰.

۵- اصول کافی، پیشین، ج ۳، ص ۲۳۹، باب اهتمام به امور مسلمین، ح ۶.

انجام می دادند، خواهیم داد».(۱) در این آیه شریف دو ویژگی برای اعطای حیات طیّب بیان شده است: عمل صالح و ایمان؛ بدین معنا که اگر کسی مؤمن باشد ولی بی اثر، از حیات طیّب برخوردار نیست. هم چنین اگر کسی کار خوبی کرد، ولی به توحید و معاد ایمان نداشت ــ مثلاً کافری بیمارستانی بسازد ــ باز هم از حیات طیب برخوردار نخواهد شد.

در سوره ی مؤمن(۲) نیز آیه ای شبیه مورد بحث وجود دارد. با این تفاوت که در سوره ی مؤمن، به حیات طیّبی که در آخرت به مؤمن صالح عطا می شود، اشاره شده است، ولی آیه مورد بحث ما، درباره ی حیات طیّبی که مؤمن صالح در همین دنیا برخوردار می شود سخن می گوید؛ بدین معنا که در آیه مورد بحث نفرمود: ما زندگی مادی و دنیوی او را طیّب می کنیم؛ بلکه فرمود: به او حیات طیّب می بخشیم؛ یعنی در همین دنیا، حیات دیگر دارد؛ در حالی که با او است، مثل ما نیست؛ دیگران از چیزی لذت می برند و او از لذت های خاصّی برخوردار است؛ دیگران راهِ خود دارند و او راه خاصی را می رود؛ دیگران با همانند خود محشورند و او حشرش با اولیای الهی است. او حیات و زندگی طیبی دارد که دیگران به آن نرسیده اند. در آن جا غم و ترس نیست، بخل نیست، آزمندی و حسد نیست، کینه توزی نیست، گمراه کردن و گمراه شدن نیست، نه خطر گذشته آن ها را تهدید می کند و نه در آینده، خطر به سراغ آن ها می آید؛ نه با از دست دادن چیزی در گذشته غمگین اند و نه احتمال از دست دادن چیزی در آینده آنها را می رنجاند: «مَنْ آمَنَ باللّهِ و الیومِ الآخِر و عَمِلَ

۱- نحل، ۹۷.

۲- مؤمن، ۴۰.

صالحا فلا خَوْفٌ عَلَيْهم و لاهُمْ يَحْزنون.»(۱) آن حیات، حیاتی پاک است.

۲۹ _ ۱ _ غیرت

۲۹ _ ۱ _ غیرت

بر خلاف بی ایمانی یا سست ایمانی که سبب گناه و دریده شدن پرده های حیا(۲) می شود، ایمان به مبدأ و معاد باعث غیرت در انسان مؤمن خواهد شد؛ چون این صفت، از صفات پروردگار است و کسی که خداشناس است، پیوسته در پی این است که صفات محبوب و معشوق خود را در خود به ظهور برساند. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: «حق تعالی غیور است و صفت غیرت را دوست می دارد. از غیرتِ اوست که همه ی کارهای ناشایسته ی ظاهری و باطنی را حرام کرده است»(۳). بنابراین، غیرت جز در انسان مؤمن به توحید معاد وجود ندارد. در حدیث است که: «غیرتِ مرد، ایمان است»(۴) و «دل مرد بی غیرت، سرنگون است»(۵)؛ یعنی ایمان و معرفت خدا در آن دل، جایی نداشته و پیروی از هوا و هوس بر آن حاکم است. انسان مؤمن، با غیرت و حمیّت خود، در ستیز با بدعتِ بدعت گذاران و اهانت کنندگان و شبهه افکنان است و در ترویج احکام خدا، امر به معروف و نهی از منکر، محافظت از خانه و خانواده ی خویش و منع ایشان از برخورد بسیار با نامحرم و شرکت در مجالس گناه، کوتاهی نمی نماید.

۳۰ _ ۱ _ خوش رفتاری

۳۰ _ ۱ _ خوش رفتاری

از بایسته های ایمان به توحید و معاد، خوش رفتاری با دیگران است. اما معنای حُسن خلق، چنان چه از موارد کاربرد آن و بیان مرز آن در روایات برداشت می شود، اعتدال در اخلاق و جلوگیری از افراط و تفریط است. از امام

۱- مائده، ۶۹.

۲- دعای کمیل: «اللّهم اغْفِرْلی الذُّنوبَ التی تَهْتِکُ العِصَم».

۳- وسائل الشیعه، پیشین، ج ۱۴، ص ۱۰۷.

۴- وسائل الشیعه، پیشین، ج ۱۴، ص ۱۱۱.

۵- وسائل الشیعه، پیشین، ج ۱۴، ص ۱۰۸.

صادق علیه السلام پرسیده شد: مرز خوش رفتاری چیست؟ فرمود: «این که با نرمی و ملاطفت برخورد کنی، گفتارت را پاک و منزّه کنی و با برادرانت با گشاده رویی و تبسّم دیدار کنی».(۱)

قرآن، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم را که مصداق کامل ایمان است، این گونه توصیف می کند: «به راستی که تو را اخلاقی بس بزرگ است»(۲) در جای دیگر می فرماید: «به راستی که پیامبری از خود شما به سویتان آمد که رنج های شما بر او سخت است، و پافشاری بر هدایت شما دارد و به مؤمنان مهربان است»(۳). از روایاتی هم که حسن خلق را از اثرات ایمان معرفی می نماید می توان به فرمایش امام صادق علیه السلام اشاره نمود: «مؤمن پس از انجام واجبات، عملی محبوب تر از حسن خلق، پیش خدای نیاورد»(۴). در جای دیگر آن حضرت می فرماید: «چهار چیز در هرکس باشد ایمانش کامل است و اگر سرتاپایش گناه باشد چیزی از او کم نکند: ... و حسن خلق».(۵)

۳۱ _ ۱ _ راست گویی

۳۱ _ ۱ _ راست گویی

با توجه به آیات و روایاتی که پیش از این، درباره ی دروغ بیان شد، اثر ایمان در صدق و راست گویی روشن خواهد شد. در عین حال به گوشه ایی از آیات و روایاتی که به خصوص، صدق را از بایسته های ایمان به توحید و معاد بیان می کند اشاره می کنیم. قرآن کریم، بیان صفات مؤمنان به خدا و روز قیامت، می فرماید: «همان ها که استقامت می ورزند و راست گویند»(۶). در جای دیگر به صراحت، مؤمنان به خدا و پیامبرانش را «صدّیق» معرفی نموده می فرماید:

۱- اصول کافی پیشین، ج ۳، ص ۱۶۲.

۲- قلم، ۴.

۳- توبه، ۱۲۸.

۴- اصول کافی، پیشین، ج ۳، ص ۱۵۷، کتاب ایمان و کفر، باب خوش خلقی، ح ۴.

۵- اصول کافی، ج ۳، ص ۱۵۷، کتاب ایمان و کفر، باب خوش خلقی، ح ۳.

۶- آل عمران، ۱۷.

«کسانی که به خدا و پیامبرانش ایمان آورند، صدّیقان اند»(۱). در آیه ای دیگر به اهل ایمان به مبدأ و معاد، دستور تقوا و راست گویی داده می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید، از ــ مخالفت فرمان ــ خدا بپرهیزید و با راست گویان باشید».(۲) امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: «راستی و راست گویی، محکم ترین ستون ایمان است».(۳) هم چنین امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: «به روزه و نماز مردم فریب نخورید ــ و آنها را معیار ایمان و دین داری افراد قرار ندهید ــ چه بسا انسان به نماز و روزه شیفته می شود تا آن جا که اگر ترک کند به هراس افتد، ولی آن ها را به راست گویی و ادای امانت بیازمایید».(۴)

گاهی انسان به سبب ترس از تکفیر مردم یا طمع به مال یا احترام گزاری دیگران یا دیگر انگیزه های دنیوی به نماز و روزه اهمیت می دهد و بر آن ها مداومت می کند؛ بنابراین، نماز و روزه، همیشه معیار معرفت و ترس از خدا نیست؛ اما راست گویی و ادای امانت، چون زیان مالی در بر دارد، و از انگیزه های دنیوی به دور است. ترس از خدا و قیامت و تقوا را به همراه دارد. هم چنین این دو صفت، موجب کمال نفس و زمینه ساز صفات خوب دیگر است؛ چنان که راست گویی، سرچشمه ی دوری از دورویی، ریا و مانند آن است.

۳۲ ــ ۱ ــ آینده نگری و آخرت بینی

۳۲ ــ ۱ ــ آینده نگری و آخرت بینی

خداوند در قرآن کریم می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید، از ــ مخالفت ــ خدا بپرهیزید. هرکس باید بنگرد تا برای فردایش چه چیز پیش فرستاده. از خدا بپرهیزید که خداوند از آن چه انجام می دهید آگاه است».(۵) این آیه شریف صریح ترین آیه ایی است که

۱- حدید، ۱۹.

۲- توبه، ۱۱۹.

۳- غررالحکم و دررالکلم، پیشین، ج ۱، ص ۶۰.

۴- اصول کافی، پیشین، ج ۳، ص ۱۶۲، کتاب ایمان و کفر، باب راستگویی، ح ۲.

۵- حشر، ۱۸.

آینده نگری را از ویژگی های مؤمنان برشمرده است. هم چنان که در جایی دیگر اندیشیدن را از صفات اهل ایمان دانسته می فرماید: «همان ها که خدا را در حال ایستاده و نشسته و آن گاه که بر پهلو خوابیده اند یاد می کنند، و در اسرار آفرینش آسمان ها و زمین می اندیشند و می گویند: بار پروردگارا، این ها را بیهوده نیافریده ای، پاک و منزّهی تو. ما را از عذاب آتش نگاه دار»(۱). و از مهم ترین نتایج تفکر در خلقت خود، آسمان ها و زمین و گذشتگان، روشن شدن راه و مسیر زندگیِ آینده است.

۳۳ _ ۱ _ پندگیری

۳۳ _ ۱ _ پند گیری

در بحث «آینده نگری» گذشت که از عوامل آینده نگری، وعظ و پندگیری بود که خود نیز بنابر آیات قرآن، از آثار ایمان است. مؤمن کسی است که به پندها و عبرت های روزگار اهمیت می دهد و آنها را در زندگی دنیا و آخرت خویش به کار می گیرد. انسان با خرد تلاش می کند که تنها از کسی پند بیاموزد که در دانش و قدرت و توانایی، کامل ترین باشد. فرد یا جامعه ی مؤمن به مبدأ و معاد نیز تنها از خداوند که تمام این صفات را داراست، پند می آموزد. از این رو، تنها در پی موعظه ها و پندهای قرآن کریم و ائمه ی معصومین علیه السلام است و اگر از دیگران نیز موعظه هایی بشنود آن را با این ترازوها می سنجد و اگر مطابق بود، عمل می کند.

قرآن کریم در این باره می فرماید: «ای مردم، اندرزی از سوی پروردگارتان برای شما آمده است و درمانی برای آنچه در سینه هاست و هدایت و رحمتی برای مؤمنان»(۲) بنابراین آیه شریف، نخست این که تنها به قرآن که سخن خداوند است و دارای اندرزهای واقعی است و هیچ گونه خطا و اشتباهی در آن وجود ندارد، سفارش شده

۱- آل عمران، ۱۹۱.

۲- یونس، ۵۷.

است. دیگر این که اگرچه قرآن و پندهای آن در آغاز برای همه انسان ها فرستاده شده است، ولی مفاد آخر آیه گواه است که تنها کسانی که این پندها را بکار گرفته اند و در نتیجه، به راه راست هدایت شده و رحمت الهی بر آنان نازل شده است، مؤمنین به توحید و معادند.

۲ _ آثار اجتماعی

اشاره

۲ _ آثار اجتماعی

زیر فصل ها

۱ _ ۲ _ رابطه ای ایمان و اخلاق

۱ _ ۲ _ رابطه ای ایمان و اخلاق

در انسان غریزه هایی وجود دارد که با یکدیگر در برخوردند و قانون به تنهایی نمی تواند رفتار انسان را به دست بگیرد؛ زیرا نیرنگ در استناد به قوانین بسیار آسان است. به راحتی می توان قانون را با هوا و هوس ها هماهنگ کرد. فرار از مجازات های قانونی نیز کار چندان دشواری نیست. هنگامی که قانون در بازداشتن مردم از بدی و جلوگیری از جرم، جنایت و فساد، این چنین ناتوان باشد، در دعوت مردم به نیکی و اخلاق شایسته، بسیار ناتوان تر است؛ امّا دین و در رأس آن، معارف توحیدی و معاد، تنها در فراخوان انسان ها به مکارم اخلاق و ستایش از فضیلت های اخلاقی خلاصه نمی شود؛ بلکه نخست فطرت آسمانی انسان را که بر دو اصل توحید و معاد آفریده شده شکوفا می کند و سپس مکارم و فضیلت های اخلاقی را با این فطرت استوار می سازد و به معیارها و مقیاس های کلی اخلاقی سازمان می دهد و به بسیاری از جزئیات رفتار انسان سرمشق می دهد. نظام ها و کشورهای غیر اسلامی و غربی، با وضع قانون ها و فرمان ها، انتظار احیای فضایل اخلاقی در جامعه را دارند. پرواضح است که گسترش فضایل و مکارم اخلاقی، در چنین فضایی ضمانت اجرا نخواهد داشت و به راحتی نقض خواهد شد. برای روشن تر شدن بحث،

می توان مبـارزه بـا پدیـده ی غیراخلاقی و غیر اجتماعی شـراب خواری را در غرب و اسـلام مقایسه کرد. کشورهای غربی، در طول تاریخ، به رغم سـرمایه گذاری های کلان، نتوانسته اند با این پدیده ی غیر اخلاقی مبارزه کنند؛ امّا در آغاز اسلام، پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله وسـلم بـا پی ریزی اخلاق ــ ایمان به مبـدأ و معاد ــ و سـپس اسـتوار ساختن نظام اخلاقی و تحریم شراب خواری(۱)، چنـان مردم را تحت تـأثیر قرار داد که خود هرچه شـراب داشـتند بر خـاک ریختنـد تـا جایی که این مسأله، ریشه کن شد.(۲)

۲ ــ ۲ ــ ایمان و گشایش در کارها

۲ ــ ۲ ــ ایمان و گشایش در کارها

از دیگر آثـار ایمـان به مبـدأ و معاد، در امور فردی و اجتماعی، گشایش و آسانی در مشـکلات و معضـلات است. قرآن کریم می فرمایـد: «امّا آن کس که ــ در راه خـدا ــ انفاق کنـد و پرهیزکاری پیش گیرد و جزای نیکِ الهی را تصدیق کند، ما او را در مسیر آسـانی قرار می دهیم».(۳) روشن است که پرهیزگـاری، آینه ی ایمـان به توحیـد و معـاد در رفتـار انسان است. قرآن کریم در جای دیگر می فرماید «هرکس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی ــ در کار دنیا و آخرت ــ برای او فراهم می کند».(۴) نیز در سوره ی زُمر می فرمایـد: «خداوند کسانی را که تقوا پیشه کردند، با رسـتگاری رهایی می بخشد. هیچ بدی به آنان نمی رسد و هرگز غم گین نخواهند شد».(۵) سبب این گشایش و آسانی در کارها هم با توجه به مطالب و مباحث پیشین روشن است: کسی که، به حقیقت، به مبدأ و معاد ایمان آورد، نوعی ارتباط با خداوند که «مسبب

۱- مائده، ۹۰.

۲- ر.ک: نقش ایمان در زندگی، دکتر یوسف قرضاوی، نشر احسان، چاپ دوم، ۱۳۷۴، ص ۳۴۸ ــ ۳۵۲.

۳- لیل، ۵.

۴- طلاق، ۲.

۵- زمر، ۶۱.

الاسباب» است پیدا می کند. در نتیجه، خداوند مشکلات او را حل خواهد نمود. در حدیثی قدسی، خداوند می فرماید: «هرگاه قلب بنده ای از بندگانم را ببینم که بیش از هرچیز به یاد من است، من خود تدبیر امور او را به عهده گرفته و خود هم نشین، هم سخن و انیس او خواهم بود».(۱)

مشکلات زندگی و گرفتاری ها، چه در دنیا و چه در آخرت و چه در مسیر آخرت، بیش تر از بی ایمانی یا سست ایمانی و غفلت و انحرافات است انسان یا جامعه ی مؤمن، نه تنها گرفتاری ندارد و در تنگنا قرار نمی گیرد، بلکه در آسایش و رفاه و راحتی روحی قرار خواهد گرفت.

۳ _ ۲ _ رابطه ی ایمان و تولید

۳ _ ۲ _ رابطه ی ایمان و تولید

قرآن کریم در بیش از ۷۰ آیه، ایمان را همراه با عمل آورده است؛ حتی به عملِ تنها بسنده نکرده و عمل صالح خواسته است. عمل صالح، از کلمات جامع قرآنی است که همه ی کارهایی را که وضعیت دنیا ودین، فرد و جامعه و زندگی روحانی و مادی را با هم بهبود بخشد، شامل می شود. انگیزه ی انسانِ با ایمان، برای کار و کوشش، انگیزه ای درونی است: «هیچ کس نمی داند چه پاداش های مهمّی که مایه ی روشنی چشم هاست، برای آنها آماده شده است. این پاداشِ کارهایی است که انجام می دادند».(۲) بنابراین برای فرد یا جامعه ی مؤمن، رسیدن به خدا و رستگاری آخرت در گروی کار و کوشش است.(۳) فرد یا جامعه ی با ایمان، وجدان کاری داشته، هر کاری که انجام می دهد، در پرتوی خشیت الهی، به درستی انجام می دهد: «بگو: عمل کنید. خداوند و فرستاده ی او و مؤمنان، اعمال شما را

۱- بحارالانوار، پیشین، ج ۹۳، ص ۱۶۲.

۲- سجده، ۱۷.

۳- کهف، ۱۱۰.

می بینند.»(۱)

ایمان به مبدأ و معاد، با اتلاف وقت و «بی کاری» نمی سازد. از این رو، خداوند در سوره ی جمعه وقتی اهل ایمان را از خرید و فروش، هنگام دعوت به نماز جمعه، بر حذر می دارد، به دنبال آن دستور به کار، تولید و تجارت داده می فرماید: «و هنگامی که نماز پایان گرفت ــ شما آزادید ــ در زمین پراکنده شوید و فضل خدا را طلب کنید و خدا را بسیار یاد کنید؛ شاید رستگار شوید».(۲)

۴ ــ ۲ ــ رابطه ی ایمان، اصلاح و امر به معروف و نهی از منکر

۴ ــ ۲ ــ رابطه ی ایمان، اصلاح و امر به معروف و نهی از منکر

انسان مؤمنی که به مبدأ و معاد ایمان آورده است، عالم را محضر خداوند می بیند که نباید در آن گناه کند، و به دیگر بندگان خدا ــ خدایی که معشوق و محبوب اوست ــ عشق می ورزد و خواستار هدایت آن ها به سوی معشوق حقیقی است. این انسان، به امر به معروف و نهی از منکر و اصلاح دیگران، حساسیّت نشان می دهد. این ویژگی را در پیامبران صاحب رسالت و خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله وسلم و ائمه ی اطهار علیه السلام و به خصوص حضرت بقیه اللّه العظم عج الله تعالی فرجه الشریف مشاهده می کنیم. اصلاح گر نهایی، همان حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف است که تقریبا در تمام ادیان مورد اتفاق است. درباره ی اصلاح و اصلاح گری در آیات قران، به جریان حضرت موسی علیه السلام و برخورد آن حضرت با ساحران اشاره می کنیم. آن حضرت چنان برخورد و تلاشی کرد که ساحرانی که برای نزدیکی به فرعون، می گفتند: «به عزت فرعون، ما به یقین پیروزیم».(۳) در پایان کار تغییر کردند و اصلاح شدند و به سجده افتاده گفتند: «ما به پروردگار عالمیان ایمان

۱- توبه، ۱۰۵.

۲- جمعه، ۱۰.

۳- شعرا، ۴۴.

آوردیم: پروردگار موسی و هارون».(۱) پس از انبیا و ائمه علیه السلام، نمونه ی بارز اصلاح گری در زمانه ی ما، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی رحمه الله، است که خود مؤمن واقعی به توحید و معاد است. قیام او به پیروی از قیام عاشورا بود. حضرت امام حسین علیه السلام هدف قیام عاشورا را این گونه بیان فرمود: «من برای جاه طلبی و رسیدن به مقام و ظلم کردن قیام نکردم، بلکه فقط برای اصلاح مفاسد امتِ جدم قیام کردم».(۲)

خداوند در قرآن امر به معروف و نهی از منکر را یکی از صفات مؤمنان دانسته می فرماید: «مردان و زنان با ایمان یار یکدیگرند؛ امر به معروف و نهی از منکر می کنند...».(۳) در جای دیگر در باب ویژگی های مؤمنان اهل کتاب می فرماید: «به خدا و روز جزا ایمان می آورند؛ امر به معروف و نهی از منکر می کنند. در انجام کارهای نیک پیشی می گیرند و آن ها از صالحان اند».(۴)

آری چون خود از صالحان اند، در صدد اصلاح دیگران نیز بر می آیند. در پایان، باید گفت این دو بایسته ی ایمان به توحید و معاد ــ اصلاح و امر به معروف و نهی از منکر ــ به اندازه ای در امور فردی و اجتماعی اهمیّت دارند که خداوند به صراحت امر به تشکیل انجمنی به نام انجمن امر به معروف و نهی از منکر، در هر جامعه ایی، نموده می فرماید: «باید از میان شما، گروهی دعوت به نیکی، امر به معروف و نهی از منکر کنند. آن ها همان رستگاران اند».(۵)

۵ ــ ۲ ــ عزّت و اقتدار فردی و ملّی

۵ ــ ۲ ــ عزّت و اقتدار فردی و ملّی

۱- شعرا، ۴۷ و ۴۸.

۲- حماسه ی حسینی، استاد مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، چاپ بیست و یکم، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۱۷۲.

۳- توبه، ۷۱.

۴- آل عمران، ۱۱۴.

۵- آل عمران، ۱۰۴.

گرچه در زبان محاوره ای، «عزّت» به معنای احترام و آبرو یا گران بها بودن آمده است، در فرهنگ قرآن، عزت به معنای قدرت شکست ناپذیر است. بنابر آیات قرآن کریم ــ مانند آیه ی «انّ اللّهَ لَقَویٌّ عزیز»(۱) و آیه ی «اِنَّ العِزَّهَ لِلّهِ جَمیعا»(۲) ــ یکی از صفات خاصّ خداوند، عزّت است. باورداران خدا و قیامت، در پی آراستن خود به صفات پروردگاری اند. از این رو، از لوازم و آثار پذیرش مبدأ و معاد، عزّت و شکست ناپذیری فرد یا جامعه ی مؤمن است. قرآن کریم می فرماید: «عزت، مخصوص خدا و رسول او و مؤمنان است».(۳) هنگامی که منافقان مدینه می گفتند: «اگر به مدینه باز گردیم، عزیزان ــ اهل مدینه ــ ذلیلان ــ پیامبر و مؤمنان ــ را بیرون می کنند».(۴) سران قریش، در مکه، می گفتند: اگر این گروه اندکِ مسلمانِ فقیر را در محاصره ی اقتصادی قرار دهیم یا از مکه بیرون کنیم، داستان تمام است، آیه ی فوق نازل شد.

۶ ــ ۲ ــ ایمان و اقامه ی نماز

۶ ــ ۲ ــ ایمان و اقامه ی نماز

اگر جامعه ای به توحید و معاد ایمان آورد، نماز را برپا می دارد: «همان کسانی که هرگاه در زمین به آن ها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می دارند و زکات می دهند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند».(۵)

مؤمن به خدا، چون نماز را پیوند با خدا و خَلق(۶) و معراج خود می داند، همواره اقامه ی نماز، نزد او، اهمیت ویژه دارد. قرآن می فرماید: «مردان و زنان با

۱- حج، ۷۴.

۲- یونس، ۶۵.

۳- منافقون، ۸.

۴- منافقون، ۸.

۵- حج، ۴۱.

۶- بقره، ۱۱۰.

ایمان، یار و یاور همدیگرنـد؛ امر به معروف و نهی از منکر می کننـد و نماز را برپا می دارنـد».(۱) در این باره، روایات، بسیار فراوان است کـه بـه چنـد نمـونه از آن اشـاره می شـود. پیغمبر اکرم صـلی الله علیه و آله وسـلم فرمـود: «نشـانه ی ایمـان نمـاز است».(۲) در جای دیگر، آن حضرت می فرماید: «نماز خواندن، وسیله ی نزدیکی مؤمن به خداوند است».(۳)

۷ _ ۲ _ آزادی

۷ _ ۲ _ آزادی

یکی از واژه هـای رایـج که از آن سوء برداشت می شود، «آزادی» است؛ بـدین معنا که مخالفان دین و معارف دینی و کسانی که خواهان رهایی از قیـد و بنـد اطاعت فرمان های الهی و آداب اسـلامی انـد، با تمسک به آزادی، قصد رواج لاابالی گری و بی بنـدوباری را دارنـد، امّا در حقیقت، فرد یا جامعه ای که اسـیر و فرمان بردار شـهوات نفسانی، مال و مقام و دیگر لذت های دنیـوی اسـت، در اسـارت، بنـدگی و ذلّت است و چیزی جز خـواری و وابسـتگی نـدارد. اگر آن فرد یـا جـامعه به درجه ای از معرفت _ به توحیـد و معاد _ برسد، به جای اطاعت از بندگان عاجزی چون خود، فرمان بردار بی نیاز مطلق و توانایی می شود که همه ی آفریـده ها نیازمنـد اوینـد. اگر از اسارت و اطاعت غیر خدا رها شد و مطیع و بنده ی خداوند شد، به آزادی حقیقی رسـیده است. امام صادق علیه السـلام فرمود: «العُبُودیهُ جَوْهَرَهٌ کُنْهُها الرُّبُوبیَّهٌ؛ بنـدگی خـدا گوهر گرانبهایی است که باطن آن آزادی و ربوبیت است».(۴)

۸ _ ۲ _ اثر ایمان در کارهای نظامی

۸ _ ۲ _ اثر ایمان در کارهای نظامی

خداوند، در قرآن کریم، تفاوت انسان های با ایمان با بی ایمان یا سست

۱- توبه، ۷۱.

۲- جامع آیات و احادیث نماز، عباس عزیزی، ج ۱، ص ۳۷، انتشارات نبوغ، چاپ دوم، ۱۳۷۳.

۳- جامع آیات و احادیث نماز، عباس عزیزی، ج ۱، ص ۳۷، انتشارات نبوغ، چاپ دوم، ۱۳۷۳.

۴- چهل حدیث، پیشین، ص ۲۵۶.

ایمان را در امر جهاد، این گونه بیان می فرماید: «کسانی که ایمان دارند، در راه خدا پیکار می کنند و آنها که کافرند در راه طاغوت. پس شما با یاران شیطان پیکار کنید _ و از آن ها نهراسید _ زیرا که نقشه ی شیطان ضعیف است».(۱) همین تفاوت هدف، آثار و نتایج بسیار متفاوتی نیز در امور جبهه و جنگ دارد. در داستان طالوت و جالوت، در سوره ی بقره(۲)، گروهی از داوطلبان جبهه و جنگ، پس از آزمایش خاصی(۳)، تا لشگر قدرت مند دشمن را دیدند، خود را باختند و گفتند: ما امروز تاب مبارزه نداریم. اما دسته ی کمی که ایمان به مبدأ و معاد داشتند، با شعار «چه بسا گروه کمی که بر گروه زیاد، به اذن خدا، پیروز می شوند»(۴) حمله کردند و سرانجام دشمن را از پای درآوردند. در این ماجرا رمز پیروزی و پای داری در جبهه، ایمان به توحید و معاد است؛ زیرا می فرماید: «قالَ الَّذینَ یَظُنُّون اَنَّهُم مُلاقُوا الله»(۵)؛ یعنی کسانی که ایمان به رسیدن به خدا و روز قیامت داشتند گفتند: پیروزی مربوط به کم یا زیاد نیست و ما باید حمله کنیم و به وظیفه ی الهی خود عمل کنیم که خداوند با صابران است. بنابراین روحیه ی رزم، وابسته ی کامل به نوع نگرش ها و جهان بینی ها دارد. رزمنده ای که آینده ی خود را، حتی در شهادت، داد و ستد با خدا(۶) و ملاقات با او(۷) و بهشت و همسایگی با دوستان خدا می داند، با رزمنده ای که کشته شدن را نابودی و پوچی می داند، شایان مقایسه نیست. این حقیقت را، خود در هشت سال دفاع مقدس، در بسیجیان و شهیدان جان بر

۱- نساء، ۷۱.

۲- بقره، ۲۴۴ _ ۲۵۱.

۳- بقره، ۲۴۹.

۴- بقره، ۲۵۰.

۵- بقره، ۲۴۹.

۶- توبه، ۱۱۱.

۷- آل عمران، ۱۶۹.

کف مشاهده نمودیم، تا آن جا که همه ی جنگ افزارها و ابزار و تاکتیک های نظامیِ جهان به حیرت و سرگردانی وا داشته شدند.

۹ _ ۲ _ اثر ایمان در مقابله با طاغوت و استکبار

۹ _ ۲ _ اثر ایمان در مقابله با طاغوت و استکبار

مشهورترین و معروف ترین داستان قرآنی در این باره، داستان برخورد جادوگران با طاغوت زمان _ فرعون _ است. نخست ساحران به طمع مزد، هرچه در توان داشتند انجام دادند و سپس حضرت موسی عصای خود را انداخت و اژدها شد. جادوگران که فهمیدند کار موسی از نوع کارهای محدود خودشان نیست و امری پروردگاری است، همگی، آن هم در برابر فرعون، به موسی علیه السلام ایمان آوردند. فرعون که خشم ناک شده بود، همه را تهدید به شکنجه و قتل نمود. ساحران که تا ساعتی پیش، چشم به سکّه ی فرعون دوخته بودند، به سبب ایمان به خدا و معاد، تمام پاداش ها و سکه های طاغوتی فرعون را هیچ انگاشتند و با کمال آرامش گفتند: هرکاری می خواهی انجام بده؛ زیرا زور تو بیش از این دنیا نیست(۱). مهم نیست _ هرکاری از دست ساخته است، انجام ده _ ما به سوی پروردگارمان باز می گردیم.(۲)

بنابراین، ایمان به مبدأ و معاد، در این افراد، انقلاب فرهنگی به وجود آورد و روحشان را بزرگ نمود و تا عشق به شهادت پیش برد. همین را در قیام مردم کشورمان در برابر طاغوت پهلوی، به وضوح مشاهده کردیم.

۱۰ _ ۲ _ قسط و عدل در کارهای فرد و جامعه

۱۰ _ ۲ _ قسط و عدل در کارهای فرد و جامعه

خداوند در برخی از آیات قرآن کریم عدالت را از صفات اهل ایمان شمرده و علت ها و ریشه های ظلم مانند کینه، حسد و دشمنی را از مؤمنان نفی نموده

۱- طه، ۷.

۲- شعرا، ۵۰.

می فرمایـد: «ای کسانی که ایمان آورده ایـد، همواره برای خـدا قیام کنید و از روی عدالت گواهی دهید. دشـمنی با گروهی، شما را به گناه و ترک عـدالت نکشاند. عدالت کنید که به پرهیزکاری نزدیک تر است».(۱) در جای دیگر افراد یا جامعه های مؤمن به توحید و معاد را ملزم به عدالت ــ هرچند به ضـرر آن ها باشد ــ نموده است: «ای کسانی که ایمان آورده اید، قیام به عدالت کنید. برای خدا شهادت دهید، اگرچه به زیان خود شما یا پدر و مادر و نزدیکان شما بوده باشد؛ زیرا اگر آنها ثروتمند یا فقیر باشند، خداوند سزاوارتر است که از آنان حمایت کند».(۲)

۱۱ ــ ۲ ــ برخورداری از امدادهای غیبی

۱۱ ــ ۲ ــ برخورداری از امدادهای غیبی

در آیـات و روایـات فراوان، خداونـد وعـده داده اسـت که افراد یـا جوامع مؤمن را به امـدادهای غیـبیِ خـود در سـختی هـا و تجاوزات دیگران نصـرت و یاری نماید. در سوره ی آل عمران می فرماید: «آری، اگر اسـتقامت و تقوا پیشه کنید و دشـمن به همین زودی به سـراغ شـما بیایـد، خداونـد شـما را به پنـج هزار فرشـته که نشانه هایی با خود دارند، کمک می رساند».(۳) در سوره ی روم فرمود: «پیش از تو پیـامبرانی را به سوی قومشـان فرسـتادیم. آنها با دلایل روشن به سـراغ قوم خود رفتنـد، ولی ــ هنگامی که اندرزها سودی نداد ــ از مجرمان انتقام گرفتیم ــ و مؤمنان را یاری کردیم ــ و یاری مؤمنان همواره حقّی است بر گردن ما»(۴) از این رو، همواره در تاریـخ، مؤمنـان بـا این که از وسایل مادی محروم بوده انـد، پیروز شـده انـد؛ ولی کافران و مجرمان با اینکه از وسایل مادّی برخوردار بوده انـد، شـکست خورده انـد؛ چون فرد یا ملّت مؤمن، وقتی قیام کرد، هم از وعده ی الهی آگاه است و هم به این که خدا به وعده اش عمل می کند، باور دارد.

۱- مائده، ۸.

۲- نساء، ۱۳۵.

۳- آل عمران، ۱۲۵.

۴- روم، ۴۷.

امـام موسـی بن جعفر علیه السـلام فرمودنـد: «به راستی که خداونـد، مؤمن را به روح خود _ فرشـته ی اعظم یـا عنایت خود _ یاری می کنـد. هر زمانی که احسان نماید و تقوا را پیشه ی خود سازد، او را احضار می کند و هنگامی که گناه و تجاوز کرد، از او غایب خواهد شد و دیگر اثری از تأیید الهی نیست».(۱)

۱- وسایل الشیعه، پیشین، ج ۱۱، ص ۲۳۵.

فصل سوّم: آثار انکار توحید و معاد

اشاره

فصل سوّم: آثار انکار توحید و معاد

زیر فصل ها

۱ _ آثار فردی

۲ _ آثار اجتماعی

۱ _ آثار فردی

اشاره

۱ _ آثار فردی

زیر فصل ها

۱ _ ۱ _ بی اعتنایی به خدا، پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و امام علیه السلام

۲ _ ۱ _ بی اعتنایی به یتیمان

۳ _ ۱ _ بی اعتنایی به فقیران

۴ _ ۱ _ سستی در نماز

۵ _ ۱ _ انکار زکات

۶ _ ۱ _ کفران نعمت

۷ _ ۱ _ کراهت از مرگ

۸ _ ۱ _ پریشانی و اضطراب

۹ _ ۱ _ شرمساری در قیامت

۱۰ ــ ۱ ــ بدسرانجامی

۱۱ ــ ۱ ــ حبط اعمال

۱۲ ــ ۱ ــ قساوت قلب

۱۳ ــ ۱ ــ ناامیدی از رحمت پروردگار

۱۴ ــ ۱ ــ قتل و خودکشی

۱۵ ــ ۱ ــ جاودانی در جهنم

۱۶ ــ ۱ ــ پیمان شکنی

۱۷ ــ ۱ ــ خیانت در امانت

۱۸ ــ ۱ ــ دزدی

۱۹ ــ ۱ ــ کم فروشی

۲۰ ــ ۱ ــ کمک به ستم گران و هم صدا با دشمن شدن

۲۱ ــ ۱ ــ اسراف

۲۲ ــ ۱ ــ بخل

۲۳ ــ ۱ ــ بدخُلقی

۱ ــ ۱ ــ بی اعتنایی به خدا، پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و امام علیه السلام

۱ ــ ۱ ــ بی اعتنایی به خدا، پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و امام علیه السلام

همان طور که در فصل گذشته بیان شد، از آثار ایمان به مبدأ و معاد «ترک گناه» است. از این رو، هرچه ایمان در فرد یا جامعه ای ضعیف شود، به همان مقدار ارتکاب گناه بیش تر می شود، تا جایی که زشتی گناه در آن فرد یا جامعه کم رنگ می شود و به مقابله با خدا و معصومین علیه السلام و بی اعتنایی به احکام الهی منجر می شود.

۲ ــ ۱ ــ بی اعتنایی به یتیمان

۲ _ ۱ _ بی اعتنایی به یتیمان

خداونـد در قرآن کریم فرمود: «آیـا دیـدی کسـی را که روز جزا را پیوسـته انکار می کنـد؟ او همان کسـی است که یتیم را با خشونت می راند».(۱) در این آیه شـریف، «فَذلکَ» _ با توجه به این که «فأ» در این جا معنای سببیت دارد _ اشاره به این نکته است که فقـدان ایمان به معاد، سـبب خلاف کاری ها و خشونت و بی اعتنایی به یتیم می شود. به راستی چنین است: آن کس که به خداوند ایمان داشـته و آن روز بزرگ و دادگاه عدل و پاداش و کیفر را باور داشـته باشد، آثار آن در رفتار او ظاهر می شود. آنها که ایمان ندارند، اثر آن در جرأتشان بر گناه و انواع جرایم، کاملاً محسوس است(۲).

۱- ماعون، ۱ و ۲.

۲- تفسیر نمونه، پیشین، ج ۲۷، ص ۳۵۹.

هم چنین خداوند در جای دیگر فرمود: «چنان نیست که شما می پندارید. شما یتیمان را گرامی نمی دارید»(۱). در آیات بعد، سخن از جهنم و جهنمیان پیش می آید. پس مخاطب آیه ی فوق، جز انسان ها یا جوامع بی ایمان و سست ایمان نمی تواند باشد.

۳ _ ۱ _ بی اعتنایی به فقیران

۳ _ ۱ _ بی اعتنایی به فقیران

سوره ی ماعون، یکی دیگر از جرایم و نتایج بی ایمانی یا سستی ایمان به توحید و معاد را بی اعتنایی به فقیران و مستمندان دانسته می فرماید: «آیا دیدی کسی را که روز جزا را پیوسته انکار می کند؟!... و دیگران را به اطعام مسکین و مستمند تشویق نمی کند؟»(۲) پرواضح است چنین کسی آن قدر دچار غفلت از توحید و معاد، و در نتیجه غفلت از فقیران و مسکینان شده است که قصد دارد دیگران را نیز گرفتار غفلت و بی اهمیتی نماید. از این رو دیگران را نیز به این کار، تشویق می نماید.

۴ _ ۱ _ سستی در نماز

۴ _ ۱ _ سستی در نماز

سستی در امر نماز چندگونه است: گاهی شخص از روی انکار نماز را ترک می کند؛ یعنی نماز را واجب الهی نمی داند که نشان از کفر آن فرد است. گاهی ترک نماز از روی انکار نیست؛ بلکه به سبب سهل انگاری و سرگرمی به شهوات دنیوی است که نشان دهنده ی فسق و سستی ایمان آن شخص است. گاهی هم انسان نماز را بی نشاط می خواند و حق نماز را ادا نمی کند. به دیگر سخن، نماز را ضایع می سازد که این هم، نشان از سستی ایمان است. بنابراین، تمام این موارد، از بی ایمانی یا سستی ایمان سرچشمه می گیرد. در سوره ی

۱- فجر، ۱۷.

۲- ماعون، ۳.

ماعون در معرفی یکی دیگر از صـفات انکار کننـدگان معاد می فرمایـد: «وای بر نمازگزاران! همان نمازگزارانی که نماز خود را به دست فراموشی می سپرند».(۱)

در سوره ی مریم فرمود: «اما پس از آنان، فرزنـدان ناشایسته ای روی کار آمدند که نماز را تباه کردند و از شـهوت ها پیروی نمودنـد و به زودی ـ مجـازات ـ گم راهی خود را خواهنـد دیـد».(۲) منظور از این افراد، جز انسـان هـای بی ایمان یا سست ایمان نیست؛ چه آن که در آیه ی بعد، می فرماید: «مگر آنان که توبه کنند و ایمان بیاورند».(۳)

در روایتی از رسول اکرم صـلی الله علیه و آله وسـلم آمده است: «کسـی که نماز را سبک بشمارد از من نیست؛ به خدا سوگند که قیـامت، در حوض کوثر مرا ملاقات نخواهـد کرد».(۴) آشـکار است شخصـی که توفیق ملاقات آن حضـرت را در حوض کوثر نداشته باشد، از جرگه ی اسلام خارج است و ایمان ندارد یا سست ایمان است.

۵ ـ ۱ ـ انکار زکات

۵ ـ ۱ ـ انکار زکات

در زکـات هم ماننـد نمـاز است. شـخص یـا جـامعه ای که باور به وجوب زکات داشـته باشـد و به سـبب تنگ چشـمی زکات نپردازد، فـاسق یـا سـست ایمـان است؛ و نیز اگر نپرداختن زکات، به سـبب نداشـتن اعتقاد به وجوب آن باشـد، نشان کفر و بی ایمانی است؛ زیرا زکات نیز مانند نماز از ضـروریات دین اسـلام است و انکار آن، انکار دین و خروج از اسلام است. بنابراین، از بایسته های عدم پذیرش مبدأ و معاد، سستی در پرداخت زکات است. خداوند این صفت را از صفات منکران معاد و توحید برشمرده می فرماید: «و یَمْنَعُونَ الماعُون». به

۱- ماعون، ۴ و ۵.

۲- مریم، ۵۹.

۳- مریم، ۶۰.

۴- وسایل الشیعه، پیشین، ج ۳، ص ۱۵.

عقیده ی برخی مفسّرین(۱)، منظور از «ماعون» زکات است؛ بدین معنا که منکران توحید و معاد کسانی اند که دیگران را از زکات منع می کنند. در سوره ی فصلّت به صراحت می فرماید: «همان ها که زکات نمی پردازند و آخرت را منکرند».(۲)

حضرت صادق علیه السلام در این باره می فرماید: «کسی که به مقدار یک قیراط _ یک بیستم دینار _ از زکات واجب را ندهد، نه مؤمن است و نه مسلمان. او، همان است که خداوند حالش را هنگام مردنش خبر داده که می گوید: پروردگارا، مرا به دنیا برگردان تا کار نیکی توشه ی خود کنم».(۳)

۶ _ ۱ _ کفران نعمت

۶ _ ۱ _ کفران نعمت

«کفران نعمت» این است که انسان قدر نعمت های خدا را نشناسد و آنها را در کاری که خشنودی خداوند در آن نیست، استفاده کند. این نیز از آثار بی ایمانی یا سست ایمانی به توحید و معاد است. خداوند در توصیف مشرکین فرمود: «بگذار نعمت هایی را که به آنها دادیم کفران کنند و تا می توانند از این نعمت های زودگذر دنیا بهره گیرند؛ به زودی نتیجه ی شوم کارهای خویش را می بینند».(۴) در این آیه شریف، گرچه مخاطب، مشرکان اند ولی آیه، مفهوم گسترده ای داشته حتی افراد و جوامع بی ایمان و سست ایمان را هم در بر می گیرد.

این افراد یا جوامع، چون نسبت به مبدأ و معاد بی ایمان اند، خداوند را مسبب الاسباب نشناخته تمام توجه آن ها به اسباب ظاهری است و این اسباب را در تأثیر مستقل می دانند. از این رو، وقتی نعمت های الهی به آنها روی

۱- تفسیر نمونه، پیشین، ج ۲۷، ص ۳۶۲.

۲- فصّلت، ۷.

۳- وسایل الشیعه، پیشین، ج ۱، ص ۱۸.

۴- روم، ۳۴.

می آورد، می گوینـد: «آن چه دارم، به سـبب علم و دانش من است»(۱) و خود را انسان های دانا و زیرک می داننـد. بندگان خاص خـدا، که به حقیقت به توحیـد و معاد ایمان دارنـد، می گویند: «این ـــ نعمات الهی ـــ از فضل پروردگار من است تا مرا بیازماید که سپاس نعمت او را به جا می آورم یا کفران می کنم».(۲)

۷ ـــ ۱ ـــ کراهت از مرگ

۷ ـــ ۱ ـــ کراهت از مرگ

همان گونه که گـذشت، یکی از آرزوهای منحصـر به فرد انسان، میل به جاودانی است. هرچند این آرزو خود می تواند دلیلی بر معـاد و زنـدگانی پس از مرگ باشـد، فرد یـا جامعه ی بی ایمان یا سـست ایمان، چون حیات و خلود را تنها در دنیا می بیند مرگ را کاستی و تنزّلی برای خود می دانـد. و از فقیر شدن و بی سـرپرست شدن خانواده ی خود می ترسد، مرگ که او را از دنیـا و محبوب هـایش جـدا می کنـد، برای او ناخوشاینـد است. انسـان هـا و جوامع مؤمن، چون حیـات حقیقی را در آخرت و وصـال پروردگـار دیـده انـد و با شـناخت حقیقت انسان و مرگ، مرگ را راهی به کمال می داننـد و با شـناخت این که خـدا «بهترین سرور و یاریگر است»(۳)، هیچ گونه ترسی از مرگ ندارند؛ بلکه هرآن آماده اند تا آن را در آغوش کشند؛ چنان که انس مولایشان علی علیه السلام به مرگ، از اُنس طفل به پستان مادر بیش تر بود.(۴)

۸ ـــ ۱ ـــ پریشانی و اضطراب

۸ ـــ ۱ ـــ پریشانی و اضطراب

پریشـانی، اضـطراب و دلهره از بی ایمـانی یا سـست ایمانی به توحیـد و معاد است؛ چه آن که گاهی دلهره و نگرانی، به سـبب سوء سابقه و لغزش ها و

۱- قصص، ۷۸.

۲- نمل، ۴۰.

۳- انفال، ۴۰.

۴- نهج البلاغه، پیشین، خطبه ی ۵.

گناه های پیشین است. این حالت، تنها در کسی وجود دارد که به سبب بی ایمانی یا کم ایمانی همواره دچار اصرار بر گناه شده است. او، اگر مؤمن می بود، با یاد خدای بخشنده و مهربان و طلب آمرزش، این دلهره را تبدیل به آرامش می نمود. گاهی ریشه ی اضطراب و پریشانی، احساس تنهایی است که این هم ویژه ی افراد و جوامع بی ایمان است و گاهی هم پریشانی، به سبب پوچی و بی هدفی یا ناراحتی از رنجانیدن دیگران و عدم موفقیّت در کسب رضایت آن هاست که این نیز از ویژگی های بی ایمان ها و سست ایمان هاست. انسان های مؤمن، به حکمت در تمام افعال الهی ایمان داشته تنها دنبال رضایت اویند و عزّت و ذلّت را به دست او می دانند. آیه ی «اَلا بِذِکْرِ اللّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوب»(۱) مفید حصر بوده دلالت می کند هرجا یاد خدا و ایمان به او نباشد، به حتم پریشانی و اضطراب جایگزین خواهد شد.

۹ _ ۱ _ شرمساری در قیامت

۹ _ ۱ _ شرمساری در قیامت

از آثار بی باوری به توحید و معاد، حیا و شرمساری در قیامت است؛ بدین معنا که بی ایمان یا ضعیف الایمان، در سرپیچی از فرمان های الهی بی باک است. در قیامت غیب، عیان خواهد شد و بنده در پیش گاه خدا، همه ی نعمت های ظاهری و باطنی را خواهد دید. از سوی دیگر، تمام گناهان کوچک و بزرگ خود را که از شماره بیرون می رود مشاهده خواهد کرد. هم چنین ایمان به خدا و پیامبران و مقام مؤمنان و آلودگی خود را می بینند. از این رو خواه ناخواه از آن چه خود بر سر خود آورده است شرمسار می شود.

۱۰ _ ۱ _ بدسرانجامی

۱۰ _ ۱ _ بدسرانجامی

در قرآن کریم، نمونه های فراوانی از افراد و جوامعی که گرفتار سوء عاقبت

۱- رعد، ۲۸.

شـده اند وجود دارد. این، خود بهترین مؤیّد بر این است که سوء عاقبت از آثار عدم پذیرش مبدأ و معاد است. در قرآن حدود پانزده بار به بـدعاقبت شـدن شیطان اشاره شده است؛ شیطانی که بنا به سـخن حضـرت علی علیه السـلام (۱) شـش هزار سال عبادت کرد، ولی چون عبادت او عبودیت نبود، دچار بـدعاقبتی شـد. «بلعم باعورا» در آغاز عالِم مسـتجاب الدّعوه بود؛ ولی به سبب انحراف و پیروی از شـیطان و بی ایمانی، بد پایان شد. خداوند در سوره ی اعراف می فرماید: «شیطان او را به دنبال خود برد و او بـه دنیـا و مادیـات دل بست و از هـوس خـود پیروی نمـود»(۲). بنـابراین، ضـعف ایمـان، در اصل و در حاشـیه ی آن استیلای محبت دنیا، باعث ضـعیف شـدن محبت به خـدا و در پایان فرو رفتن در گرداب شـهوات و گناهان است. سـرانجام یاد گناه بر قلب انسان چیره می شود و چون هنگام مرگ فرا می رسـد، چهره ی آن گناهان در نظر مجسّم می شود و میل به انجام آن ها پیدا شده در همان حال، جان انسان گرفته می شود. چنین کسـی از دیدار پروردگارش بی بهره مانده دچار عذاب او می شود. این، همان سوء عاقبت است.

۱۱ _ ۱ _ حبط اعمال

۱۱ _ ۱ _ حبط اعمال

«حبط» به معنای بطلان، پوچی و بی اثر شـدن کارهای نیک است.(۳) قرآن، شانزده بار از «احباط» سـخن گفته است که از آن برداشت می شود که گناهان بزرگی چون کفر، شـرک، تکـذیب آیات الهی و انکار معاد، ارتداد و مخالفت با پیامبران موجب حبط است. در سوره ی مائده آمده است: «کسی که مؤمن نیست و

۱- نهج البلاغه، پیشین، خطبه ی ۱۹۲ قاصعه.

۲- اعراف، ۱۷۵.

۳- هود، ۱۶.

به خدا کفر می ورزد، عملش باطل و تباه می شود و در سرای دیگر از زیان کاران خواهد بود».(۱) در سوره ی بقره آمده است: «... ولی کسی که از آیینش برگردد و در حال کفر بمیرد، تمام اعمال نیک _ گذشته ی _ او در دنیا و آخرت بر باد می رود و آنان اهل دوزخ اند و همیشه در آن خواهند بود».(۲) شگفت این که نه تنها عدم پذیرش توحید و معاد، باعث حبط اعمال می شود، بلکه، بنا بر روایات، عدم پذیرش ولایت ائمه علیه السلام نیز موجب تباهی اعمال خواهد شد.(۳)

۱۲ _ ۱ _ قساوت قلب

۱۲ _ ۱ _ قساوت قلب

خداوند، انواع آیات و نشانه های خود را به بنی اسراییل نشان داد، ولی آن ها ایمان نیاوردند. خداوند یکی از مهم ترین آثار این عدم ایمان به توحید و معاد را قساوت قلب و سنگ دلی بیان کرده می فرماید: «سپس دل های شما، پس از این واقعه، سخت شد، هم چون سنگ یا سخت تر از آن. زیرا برخی از سنگ ها شکافته می شود و از آن نهرها جاری می شود و برخی از آن ها شکاف بر می دارد و آب از آن تراوش می کند و برخی از خوف خدا _ از فراز کوه _ به زیر می افتد _ اما دل های شما نه از خوف خدا می تپد و نه سرچشمه علم و دانش و عواطف انسانی است _ و خداوند از کارهای شما غافل نیست».(۴) در روایات نیز به این مطلب اشاره شده است. حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید: «در سخن گفتنی که ذکر خدا در آن نباشد، زیاده روی نکنید؛ چون باعث قساوت قلب می شود. دورترین مردم از خداوند، انسان ها، جوامع یا حکومت های سنگ دل اند».(۵)

۱۳ _ ۱ _ ناامیدی از رحمت پروردگار

۱۳ _ ۱ _ ناامیدی از رحمت پروردگار

خداوند در سوره ی یوسف، به صراحت، ناامیدی از رحمت الهی را از

۱- مائده، ۵.

۲- بقره، ۲۱۷.

۳- اصول کافی، پیشین، ج ۲، ص ۲۰۳، باب کسی که خدای عز و جل را بدون امامی از جانبش دینداری کند.

۴- بقره، ۷۴.

۵- بحارالانوار، پیشین، ج ۷۱، ص ۲۸۱.

صفـات منکران مبـدأ و معـاد می دانـد و می فرمایـد: «تنهـا کافران بی ایمان از رحمت خـدا مأیوس می شونـد»(۱)؛ چون عدم معرفت به توحیـد و باور نداشـتن به قدرت و سـخاوت و رحمت بی پایان خداوند است که سـبب ناامیدی در افراد و جوامع بی ایمـان می شود. قرآن کریم، هم چنین، در سوره ی هود به این صـفت در افراد سـست ایمـان اشـاره نموده می فرمایـد: «هرگاه نعمت و رحمـتی بـه انسـان بچشـانیم و سـپس آن را از او بگیریم، او نومیـد می شـود و به کفران و ناسپاسـی بر می خیزد».(۲) امیرمؤمنان علیه السلام این را یکی از صفات منافقان قرار داده است.(۳)

۱۴ _ ۱ _ قتل و خودکشی

۱۴ _ ۱ _ قتل و خودکشی

طبق آیات و روایات یکی دیگر از لوازم انکار و عـدم پـذیرش توحیـد و معاد قتل و خودکشـی می باشد. چنان که قرآن کریم می فرماید: «و هرکس فرد با ایمانی را از روی عمد به قتل برساند مجازات او دوزخ است در حالی که جاودانه در آن می ماند و خداوند بر او غضب می کند و او را از رحمتش دور می سازد و عذاب عظیمی برای او آماده ساخته است.(۴)

۱۵ _ ۱ _ جاودانی در جهنم

۱۵ _ ۱ _ جاودانی در جهنم

همان گونه که از آثار ایمان به توحیـد و معاد، جاودانی در بهشت و بهره منـدی از نعمت های الهی است، از آثار انکار مبدأ و معـاد، جـاودانی در جهنم و گرفتار عـذاب شـدن است. آیات بسـیاری در قرآن کریم با «خالـدین فیها» به این مطلب، اشاره می کند که ما به ذکر یکی از این آیات بسنده می کنیم. خداوند در سوره ی بقره می فرماید: «کسانی که کافر شدند و آیات ما را دروغ پنداشتند،

۱- یوسف، ۸۷.

۲- هود، ۹.

۳- نهج البلاغه، پیشین، خطبه ی ۱۹۴.

۴- نساء، ۹۳.

اهل دوزخ اند و همیشه در آن خواهند بود». (۱)

۱۶ _ ۱ _ پیمان شکنی

۱۶ _ ۱ _ پیمان شکنی

خداوند در قرآن کریم می فرماید: «به یقین بدترین جنبندگان نزد خداوند، کسانی اند که کافر شدند و ایمان نمی آورند. همان کسانی که با آنها پیمان بستی، سپس عهد و پیمان خود را می شکنند و _ از پیمان شکنی و خیانت _ پرهیز ندارند». (۲)

امیر مؤمنان علیه السلام عهدشکنی و خلف وعده را از شاخه های کفر دانسته می فرماید: «به خدا سوگند که معاویه از من زیرک تر نیست؛ ولی او پیمان می شکند... ولی هر نیرنگ و بی وفایی، بیرون رفتن از فرمان خداست و هر نافرمانیِ خدا کافر شدن به معبود مطلق است». (۳) امام صادق علیه السلام فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرموده است: هرکس به خدا و روز جزا ایمان دارد، باید به وعده ی خود وفا کند». (۴) از این رو، همواره ایمان به توحید و معاد همراه با وفای به وعده است. هرکس پیمان شکنی کند، یا مبدأ و معاد را به کلی نپذیرفته است یا در ایمان او خلل وجود دارد.

۱۷ _ ۱ _ خیانت در امانت

۱۷ _ ۱ _ خیانت در امانت

امانت سه گونه است: ۱. امانت های خداوند که شامل همه ی نعمت های الهی می شود. ۲. امانت های رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم که شامل قرآن و عترت می شود. ۳. امانت های مردم. خیانت در هریک از این امانات از آثار عدم پذیرش مبدأ و معاد است. در آیات فراوانی از قرآن کریم(۵) به این کار، وعده ی عذاب داده شده است و روایات بسیاری انسان خیانت کار را بی دین دانسته و از جرگه ی مسلمانان خارج می داند. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «از خیانت در

۱- بقره، ۳۹.

۲- انفال، ۵۵ و ۵۶.

۳- نهج البلاغه، پیشین، خطبه ی ۱۹۱.

۴- نهج البلاغه، پیشین، ج ۴، ص ۶۹، کتاب ایمان و کفر، باب خلف وعده، ج ۲.

۵- آل عمران، ۱۶۰ و ۱۶۱.

امانت بپرهیزید؛ زیرا دور کننده ی اسلام است».(۱) نیز آن حضرت می فرماید: «خیانت در امانت، دلیل کمیِ ورع و عدم دین داری است».(۲) امام باقر علیه السلام می فرماید: «به درستی که مؤمن خیانت نمی کند».(۳) رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید: «کسی که خیانت در امانت کند از ما نیست».(۴) بنابراین، هرکجا خیانتی وجود دارد، به حتم بی ایمانی یا ضعف ایمان، همراه آن است.

۱۸ _ ۱ _ دزدی

۱۸ _ ۱ _ دزدی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید: «لا یَسرِقُ السّارقُ و هُوَ مُؤمِنٌ؛ دزد در حالی که ایمان داشته باشد، دزدی نمی کند».(۵) بدین معنا که در حال سرقت و دزدی، روحِ ایمان با شخص نیست و اگر در آن حال بمیرد و موفق به توبه نشود بی ایمان از دنیا رفته است. پس یکی دیگر از آثار بی ایمانی یا ضعف ایمان به خدا و روز جزا، دزدی و به طور کلی هرگونه استفاده ی نامشروع از اموال انسان ها یا جوامع دیگر است.

به همین سبب، قرآن کریم وقتی مجازات و حدّ سارق را بیان می نماید، بی درنگ پس از آن می فرماید: «اما آن کس که پس از ستم کردن _ دزدی و سرقت _ توبه و جبران نماید، خداوند توبه او را می پذیرد _ و از این مجازات معاف می شود زیرا _ خداوند آمرزنده و مهربان است».(۶) پرواضح است که توبه در مورد کسی صادق است که به سبب عملی از خداوند دور شده است و در ایمان او خللی به وجود آمده باشد.

۱- مستدرک الوسایل، پیشین، ج ۲، ص ۵۰۶.

۲- میزان الحکم، پیشین، ج ۳، ص ۱۹۵.

۳- بحارالانوار، پیشین، ج ۱۰۳، ص ۱۷۵.

۴- بحارالانوار، پیشین، ج ۷۵، ص ۱۱۲.

۵- وسایل الشیعه، پیشین، ج ۱۴، ص ۴۳۶.

۶- مائده، ۳۹.

۱۹ _ ۱ _ کم فروشی

۱۹ _ ۱ _ کم فروشی

کم فروشی که خود می تواند از مصادیق دزدی و یا خیانت در اموال مردم باشد، از آثار انکار مبدأ و معاد است. در قرآن کریم به این کار، وعده ی عذاب داده شده است و سوره ای از قرآن _ مطففین _ به این موضوع اختصاص یافته است. آری، اگر کم فروشان حتی گمان بازخواست قیامت داشتند، هرگز دست به چنین خیانتی نمی زدند. اگر ایمان داشتند، می دانستند که هرچند صاحب حق غافل و بی خبر از خیانتش باشد، پروردگار حاضر و مراقب اعمال است. از این رو، در سوره ی مطففین درباره آن ها می فرماید: «آیا آن ها گمان نمی کنند که در روزی بزرگ برانگیخته می شوند؟! روزی که مردم در پیش گاه پروردگار جهانیان می ایستند».(۱) خداوند در این آیه، ریشه ی این عمل آن ها را به حتم، بی ایمانی یا ضعف ایمان معرفی نموده است.

۲۰ _ ۱ _ کمک به ستم گران و هم صدا با دشمن شدن

۲۰ _ ۱ _ کمک به ستم گران و هم صدا با دشمن شدن

قرآن کریم، پس از این که افراد، جوامع و حکومت های غیر مسلمان را در برخوردشان با مسلمانان به دو گروه تقسیم می نماید، در چگونگی رابطه ی مسلمانان با هریک از این دو دسته، به عنوان یک اصل اساسی می فرماید: «در برابر هر گروه و کشوری که موضوع خصمانه با شما دارند و بر ضد اسلام و مسلمین قیام کنند یا دشمنان اسلام را یاری دهند، موظف اید سرسختانه بایستید و هرگونه پیوند محبت و دوستی را با آن ها قطع کنید»(۲)؛ حتی اجازه ی هم نشینی(۳) یا مداهنه و ابراز تمایل عقیدتی به امید تفاهم و توافق در برنامه ها را نیز نمی دهد و خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید: «و اگر ما تو را ثابت قدم نمی ساختیم _ و در پرتوی عصمت، مصون از انحراف

۱- مطففین، ۴ _ ۶.

۲- ممتحنه، ۹.

۳- انعام، ۶۸.

نبودی ــ نزدیک بود اندکی به آنان تمایل پیدا کنی».(۱) این نکته در تمام آیات قرآنی که خطاب آن ها به مؤمنان و مسلمانان در امور داخلی و خارجی کشورشان است، اهمیت دارد؛ چیزی که امروزه مردم مسلمان و مؤمن جهان، به خصوص مردم مومن ایران اسلامی، باید به آن توجه داشته باشند. بنابراین کسی که خدا را نشناخته و به روز قیامت باور ندارد، اگر به ظاهر ادعای ایمان و اسلام کند، هم صدا با دشمن می شود و اهداف دشمن را دنبال می کند.

البته در آیه ای دیگر می فرماید که مسلمانان می توانند با غیر مسلمانانی که در عین کافر بودن، نسبت به اسلام و مسلمانان بی طرف اند یا تمایل دارند، رابطه برقرار نمایند(۲). امام رضا علیه السلام فرمود: «داخل شدن در کارهای سلاطین و حکومت های ستم گر و کوشش در انجام مقاصد آن ها، هم پایه ی کفر است»(۳)

۲۱ ـ ۱ ـ اسراف

۲۱ ــ ۱ ــ اسراف

اسراف، مفهوم گسترده ای داشته که بحث درباره ی آن با اهداف این نوشتار سازگار نیست. به اجمال، اسراف این است که انسان نعمت های الهی را در مسیرهای غلط به کار گرفته آنها را بیهوده از بین ببرد. اسراف یکی از گناهان کبیره است که در قرآن کریم به آن وعده ی عذاب داده شده است و اسراف کار را غیر مؤمن معرفی نموده و می فرماید: «این گونه کسانی را که راه اسراف پیش گرفتند و ایمان به آیات پروردگارشان نیاوردند جزا می دهیم و عذاب آخرت شدیدتر و پایدارتر است».(۴) خداوند در آیات فراوانی می فرماید: «به درستی که خداوند اسراف کاران را

۱- اسرا، ۷۴.

۲- ممتحنه، ۸.

۳- بحارالانوار، پیشین، ج ۷۵، ص ۳۷۴.

۴- طه، ۱۲۷.

دوست نمی دارد». (۱) پرواضح است کسـی که مورد محبت خداوند قرار نمی گیرد، نه در راه معرفت خداوند قدمی برداشته و نه برای ایمان آخرت کاری کرده است؛ البته ممکن است ادعای ایمان و اسـلام هم داشته باشد. از این رو، این از مسایلی است که باید هم وطنان مؤمن و مسلمان ما خصوصا در این زمان که با کم بود آب مواجهیم، بدان توجه ویژه داشته باشند.

۲۲ _ ۱ _ بخل

۲۲ _ ۱ _ بخل

خداوند در بیان صـفات منکران معاد فرمود: «و یَمْنَعُونَ الماعُون؛ آن ها دیگران را از ضروریات زندگی منع می کنند» (۲). اگر کسـی همه نعمات و مال و دارایی خود را از خداونـد دیـده، او را مالک حقیقی بداند و از سوی دیگر به پاداش های او درباره ی سخاوت و بخشش و انعام و کمک به دیگران یقین داشته باشد، گرفتار چنین صفتی نخواهد شد.

۲۳ _ ۱ _ بدخُلقی

۲۳ _ ۱ _ بدخُلقی

امام صادق علیه السلام می فرماید: «به درستی که بداخلاقی ایمان را فاسد می کند و از بین می برد، چنان که سرکه عسل را از بین می برد». (۳) بـداخلاقی و ترش رویی نیز از آثار و لوازم عـدم پـذیرش مبـدأ و معاد و عدم معرفت به آن است. اگر کسـی خداونـد و صـفاتی از او مانند لطف، مهربانی و عطوفت را شـناخته باشد، با بندگان او با رویی گشاده و اخلاقی خوب برخورد خواهد نمود.

۲ _ آثار اجتماعی

اشاره

۲ _ آثار اجتماعی

زیر فصل ها

۴ ـ ۲ ـ تفرقه و درگیری در جامعه

۱ ـ ۲ ـ تبه کاری و ستم گری فرد و جامعه

۱ ـ ۲ ـ تبه کاری و ستم گری فرد و جامعه

۱- انعام، ۱۴۱ و اعراف، ۳۱.

۲- ماعون، ۷.

۳- اصول کافی، پیشین، ج ۴، ص ۱۱، کتاب ایمان و کفر، باب سوء خلق، ح ۳.

از آثار انکار یا سست ایمانی به توحید و معاد، این است که یک فرد یا جامعه یا حکومت، در عمل ستم گر خواهد شد. قرآن کریم با بیان ظلم و ستم گری، به عنوان یکی از مهم ترین صفات افراد و جوامع کافر، عدم آمرزش جاودانی در جهنم را به آن ها اختصاص داده می فرماید: «کسانی که کافر شدند و ــ به خود و دیگران ــ ستم کردند، هرگز خدا آن ها را نخواهد بخشید و آنان را به هیچ راهی هدایت نخواهد کرد».(۱) و در جای دیگر، ظلم و ستم گری را به صراحت از آثار عدم پذیرش معاد قرار داده می فرماید: «... همان ها که روز جزا را انکار می کنند، تنها کسی آن را انکار می کند که متجاوز و گنه کار است».(۲) پرواضح است که این آیه شریف مطلق است: هم افراد و هم جوامع ستم کار را شامل می شود.

ظلم و ستم گری نه تنها با عدم ایمان به مبدأ و معاد، بلکه با ضعف ایمان نیز سازگار است. چه بسا فرد یا جامعه ای دارای ایمان ظاهری باشد، ولی در اعمال وی ظلم و بی عدالتی نیز دیده شود. این خود نشان دهنده ی این است که ایمان او ضعیف بوده دارای ایمان حقیقی و واقعی نیست. بنا به فرمایش قرآن کریم، همین امر باعث می شود عدالت اجتماعی و امنیت فردی و اجتماعی از آن جامعه و افراد آن رخت بربندد و جای خود را به ظلم و تجاوز و بی عدالتی بدهد: «آنها که ایمان آوردند و ایمان خود را با شرک و ستم گری نیالودند، ایمنی ــ فردی و اجتماعی ــ از آنِ آن هاست و آن ها هدایت یافته اند».(۳)

۲ ــ ۲ ــ ایمنی از مکر الهی

۲ ــ ۲ ــ ایمنی از مکر الهی

از ویژگی های عمده ی انسان ها و جوامعی که نه طرفی از توحید بسته اند و

۱- انعام، ۱۶۸.

۲- مطففین، ۱۱ و ۱۲.

۳- انعام، ۸۲.

نه حقیقت معاد را شناخته اند، گمانِ ایمنی از مکر الهی است. قرآن کریم می فرماید: «جز زیان کاران، خود را از مکر ــ و مجازات ــ خدا ایمن نمی دانند».(۱) در جای دیگر در معرفی «خاسرون» فرمود: «و کسانی که به باطل ایمان آوردند و به خدا کافر شدند، زیان کاران واقعی اند».(۲) بنابراین، منکران مبدأ و معاد، صفات الهی و عذاب روز جزا، از خشم، غضب و امتحانات الهی ایمن نشسته به هیچ وجه در بزرگی و جلال پروردگار نمی اندیشند. یکی از انواع مکر الهی «املاء» یعنی «مهلت دادن» است. قرآن کریم، به صراحت، به کسانی که گرفتار این مکر خداوندند، نسبت کفر و انکار مبدأ و معاد داده می فرماید: «آن ها ــ انسان ها و جوامعی ــ که کافر شدند ــ و راه طغیان پیش گرفتند ــ تصور نکنید اگر به آنان مهلت می دهیم به سودشان است .ما به آنان مهلت می دهیم تا این که بر گناهان خود بیفزایند و برای آنها عذاب خوار کننده ای است».(۳)

چه بسا انسان ها و جوامع سست ایمان هم، به سبب عجب و اعتماد بر عبادات خود یا اطمینان به گستردگی رحمت خدا، گرفتار این صفت شوند و خود را از مکر الهی ایمن بدانند؛ چون همانطور که خدای تعالی دارای صفات جمالیه و لطفیه ــ غفور، حلیم، شکور و کریم ــ است، هم چنان دارای صفات جلالیه و قهریه ــ منتقِم، مُذِلّ، متکبّر و شدید العقاب ــ است. از این رو، انسان ها و جوامع سست ایمان تنها به صفات جمالیه و لطفیه ایمان آورده از مکر الهی ایمن می نشینند. در حالی که مؤمن کامل، آن است که در خوف و رجا باشد و به هردو دسته از صفات الهی ایمان داشته باشد.

۳ ــ ۲ ــ تنگی در معیشت

۳ ــ ۲ ــ تنگی در معیشت

۱- اعراف، ۹۹.

۲- عنکبوت، ۵۲.

۳- آل عمران، ۱۷۸.

خداونـد در قرآن کریـم می فرمایـد: «و هرکس از یـاد من روی گردان شـود زنـدگیِ سـختی خواهـد داشت».(۱) در ایـن آیه شریف، از آثار عدم پذیرش توحید و فراموشی یاد خداوند، زندگی سخت و تنگی در معیشت قرار داده است. «ضَنْک» در آیه ی فوق به معنای فقر نیست بلکه همان تنگی است؛ بـدین معنا که اگر انسان از معرفت مبدأ و معاد غافل شود، تمام همّ و غمّ او صرف دنیـا شـده و مطلوب او تنهـا دنیـا و مادیات خواهـد شـد. هرچه بیش تر تلاش می کنـد، کم تر به آرامش و آسایش می رسد، زیرا همواره به این می اندیشد که چگونه این اموال را نگهداری کند و گسترش بدهد.

البته اثر فوق را در جوامع نیز می توان دیـد: جـامعه ای که شـناختی به توحیـد و معاد نداشـته باشـد، از یاد خـدا روی گردانـده است. بسیاری از جوامع غربی، به رغم پیشـرفت علم و فن آوری، آسایش، امنیت و رفاه نـدارد. همواره همت آن ها مصـروف دنیا و ساخت سلاح های نظامی ــ به سبب ترس از یکدیگر ــ می شود و اعتماد به یکدیگر و عواطف انسانی در این جوامع به کلی از بین می رود.

۴ ــ ۲ ــ تفرقه و درگیری در جامعه

۴ ــ ۲ ــ تفرقه و درگیری در جامعه

اگر معرفت به خداونـد، به عنوان مالـک حقیقی و مسـبب الاسـباب و کسـی که همواره حاضـر و ناظر و مراقب اعمال بنـدگان است، نباشد و باور به ثواب و عقاب الهی کم رنگ شود، روحیه ی گذشت، فداکاری، مهر و محبت به دیگران از بین می رود و در بین افراد جامعه یا چند کشور و دولت در صحنه ی بین المللی برخورد و چه بسا جنگ و خون ریزی رخ خواهد داد.

خدا به مؤمنان هشدار داده می فرماید: «از مشرکان نباشید؛ از آن ها که دین خود را پراکنده ساختند و به دسته ها و گروه های مختلفی تقسیم شدند ــ و عجب اینکه با تمام اختلافی

۱– طه، ۱۲۴.

که داشـتند ــ هرگروه از آیین و روش و سلیقه ی خود شاد و خوشحال اند».(۱) بنابراین، هرجا اختلاف و پراکندگی بود، باید دانست که نوعی شرکت و بی ایمانی یا سستی ایمان حاکم است.

۱- روم، ۳۲.

فصل چهارم: بررسی برخی شبهات، درباره ی مباحث مطرح شده

اشاره

فصل چهارم: بررسی برخی شبهات، درباره ی مباحث مطرح شده

زیر فصل ها

۱ _ ۴ _ آیا با گسترش و پیشرفت علوم مادّی نیازی به ایمان هست؟

۱ _ ۴ _ آیا با گسترش و پیشرفت علوم مادّی نیازی به ایمان هست؟

دشمنان اسلام، در قالب تهاجم فرهنگی و به منظور سست کردن باورهای مردم، این گونه وانمود می کنند که انسان با علم و دانش خویش، بی نیاز از ایمان به خدا و رسالت های آسمانی، می تواند زندگی اش را سامان دهد. دیگر این که دانش بشری، بهره های فراوانی را برای بشر به ارمغان آورده است(۱)؛ مانند سلامت عقلی و روانی؛ زیرا اعتقاد به غیب و چیزی که علم آن را ثابت نمی کند، آشوب ذهنی به همراه می آورد و نیز مانند آزادی شخصی؛ زیرا ایمان به مبدأ و معاد و حلال و حرام الهی، آزادی انسان را محدود می کند.

در پاسخ باید گفت:

الف: میدان دانش از میدان ایمان جدا است. پرواضح است که دانش مادّی برای شناخت ماده است. شناختن ماورای ماده مربوط به حوزه ی فلسفه یا وحی است.

ب: نتایج دانش بشری، تقریبی، تردیدپذیر و شایان نقص است؛ چون اساس آن، آزمایش بوده. اساس آزمایش نیز حواسّ انسان است و حواسّ

۱- ر.ک: نقش ایمان در زندگی، پیشین، ص ۵۰۱.

انسان هم بسیار خطاپذیر است. این، چیزی است که همه ی دانشمندان اهل تحقیق به آن معترف اند، ولی در ایمان، به یقین و اطمینان قلبی نیاز است.

ج: آن گونه که منتقدان مطرح کرده اند، دانش بشری و ایمان ضد یکدیگر نیستند. بسیاری از مواقع، دانش و تجربه، سبب روشن شدن چراغ ایمان در دل دانشمندان و خداشناسی آنان شده است.

د: دین و ایمان سبب بیماری های روانی نمی شود؛ بلکه این بی ایمانی است که سبب بیماری های روانی می شود. این را می توان با بررسی اجمالی مردم غرب و جنایات و فساد برخی از آنها، برداشت کرد.

ه : قید وبندهای دین و ایمان برای شکنجه ی انسان نیست: «لا اِکْراهُ فِی الدّین»(۱) بلکه دین می خواهد انسان را از این زندگی پست حیوانی جدا کند و به یک زندگی انسانی برتر برساند. در ایمان، خلقت آسمانی انسان ـ «و نَفَخْتُ فیهِ مِنْ رُوحی»(۲) ـ بر خلقت زمینی اش پیروز می شود و عقل و اراده بر شهوات حیوانی چیره می گردد. آن آزادی شخصی که هواداران اندیشه های مادّی ادّعا می کنند، چیزی جز اسارتی سهمگین نیست که بر بشریت تحمیل شده است. این آزادی، انسان را از مفاهیم انسانی و ارزش های معنوی که پربهاترین میراث تاریخ است، دور می کند.

۲ ـ ۴ ـ کفر موقت و عذاب جاودان

۲ ـ ۴ ـ کفر موقت و عذاب جاودان

همانطور که بیان شد یکی از اثرات و نتایج کفر و انکار مبدأ و معاد خلود در عذاب الهی و جهنم می باشد. حال ممکن است این شبهه و سؤال مطرح شود چرا کفر و گناهکاری محدود به دنیا، عذاب همیشگی دارد؟ آیا با عدل

۱- بقره، ۲۵۶.

۲- ص، ۷۲ و حجر، ۲۹.

پروردگار سازگار است؟ قرآن کریم می فرمایـد: «کسانی که بـدی ها را کسب کردنـد، جزای هر بـدی به مانند آن است».(۱) آیا در این جا تناسب جرم و مجازات رعایت شده است؟

در پاسخ بایـد گفـت: نخسـت ایـن که: تنـاسب بین جرم و مجـازات، تنهـا در کمیّت و زمـان نیست، بلکه گـاهی در کیفیّت و بزرگی جرم، به سبب مفاسد پس از آن، است؛ چنان که در قوانین بشری نیز برای قتل که در یک آن اتفاق می افتد، مجازات های سنگینی مثل اعدام یا حبس ابد در نظر گرفته می شود. دیگر این که عذاب، به سبب ملکات پست و اخلاق زشت و کفر و شرک و دشمنی و سرکشی است. چون این ملکات، دایمی است، عذاب آنها نیز دایمی خواهد بود. در این باره، امام صادق علیه السلام می فرمایـد: «به درستی که جاودانی اهـل آتش در آتش، برای این است که نیّت آنـان در دنیـا این بـود که اگر جاودان بمانند، همیشه معصیت خدا را انجام دهند».(۲)

۱- یونس، ۲۸.

۲- کلم الطیّب، پیشین، ص ۷۶۷.

بخش دوم: ضرورت اتّخاذ الگوی صحیح در رسانه

اشاره

بخش دوم: ضرورت اتّخاذ الگوی صحیح در رسانه

زیر فصل ها

نقش رسانه در تثبیت و تقویت باورها و راهکارهای مناسب آن

معرفی مراکز، نهادها و کارشناسان

نقش رسانه در تثبیت و تقویت باورها و راهکارهای مناسب آن

اشاره

نقش رسانه در تثبیت و تقویت باورها و راهکارهای مناسب آن

زیر فصل ها

۱ ــ گنج ـاندن پی ـام ها و داستان های توحیدی در برن ـامه های کودک ـان، نوجوان ـان و جوانان

۲ ــ پخش ادعیه و مناجات ها

۳ ــ نمایش سرانجام مردمانی که در مسیر غیر توحیدی حرکت کرده اند

۴ ــ بیان زندگی و ویژگی های انسان های وارسته و به تصویردرآوردن آن ها

۱ ــ گنج ـاندن پی ـام ها و داستان های توحیدی در برن ـامه های کودک ـان، نوجوان ـان و جوانان

اشاره

۱ ــ گنج ـاندن پی ـام ها و داستان های توحیدی در برن ـامه های کودک ـان، نوجوان ـان و جوانان

با توجه به نقش مهم صدا و سیما، در زندگی گروه های سنّی کودک، نوجوان و جوان، وظیفه ی حسّاسی به دوش دست اندرکاران این رسانه است.

۱ ــ ۱ ــ پیام رسانی و تثبیت افکار دینی

الف) وظایف رسانه در برابر گروه سنی ۱ تا ۷ سال (کودکان)

در روایات، دوران رشد به سه دوره ی هفت ساله تقسیم شده است: «کودک باید هفت سال بازی کند، هفت سال خواندن فرا بگیرد هفت سال، آموزش حلال و حرام داده شود».(۱) با الهام از روایات به گوشه ایی از وظایف رسانه در این خصوص می پردازیم.

۱ ـ از ویژگی های گروه سنی پیش از دبستان، «میل به تقلید» است. صدا و سیما باید سرمشق خوبی در رشد و تقویت افکار دینی و عقاید کودکان، به نمایش بگذارد. در گذشته، نزدیک ترین فرد به کودک پس از پدر و مادر، دایه بود. امروزه تلویزیون یا دایه ی الکترونیکی، پس از پدر و مادر نزدیک ترین چیز به کودک است. گاهی اوقات از مادر هم به کودک نزدیک تر می شود؛ زیرا کودک از صبح با صدای تلویزیون بر می خیزد. و گاه تا پایان شب همراه آن

۱- وسایل الشیعه، پیشین، باب ۸۳ از احکام الاولاد، ج ۱.

است. بایـد در نمـایش مظـاهر دنیـوی برای این گروه سـنی، دقت شـود. هم چنین بایـد از نمـایش فیلم هـا و کـارتن هـایی که خشونت را ترویج می کند، خودداری شود؛ زیرا با نمایش آن، کودك ممکن است دست به هر کار خشونت آمیزی بزنند. این امر، بین کودکان و نوجوانان غربی، خصوصا امریکا، شیوع دارد.

تهیه کننـدگان برنـامه هـای کودکان بایـد در فیلم ها و کارتن ها، نماز، شـکرگزاری، حضور در مساجـد، مهربانی، فـداکاری، خوش رفتاری، راست گویی و... را که مظهر ایمان اند، به نمایش گذارند.

۲ ـ از دیگر ویژگی های این گروه، علاقه به قصّه و داسـتان و افسانه است. از این رو، باید رسانه به این امر، توجه بسیار داشته باشـد. بایـد در ساخت قصّه ها، تا آنجا که ممکن است، از به کار بردن کلمات مجازی یا ضـرب المثل های مشـکل خودداری شود و قصه ها کوتاه و همراه با تصویر باشد.

۳ ـ مناسب است که در برنامه های کودکان، بیش تر از شعرهای موزون که پیام های دینی و توحیدی دارد، استفاده شود.

ب) وظایف رسانه در برابر گروه سنی ۷ تا ۱۴ سال (نوجوانان)

۱ ـ بیان مفاهیم توحیـدی، مانند علل انحراف و غفلت و آثار ایمان و بی ایمانی، در قالب داسـتان های واقعی از وظایف رسانه است؛ زیرا این گروه سـنّی، بر خلاـف کودکان، به داسـتان های واقعی علاقه بیشتری دارد. برنامه هایی که به تازگی درباره ی داسـتان های زندگی پیامبران تهیه و پخش می شود، باعث خرسندی است. امّا باعث تأسف است که پس از گذشت حدود ۲۲ سال از عمر صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، به فکر تهیه چنین برنامه ها و فیلم هایی برای نوجوانان و جوانان افتاده ایم. این امر، باید با کوشش هرچه بیش تر، از سوی دست اندرکاران رسانه دنبال شود.

۲ ــ در نوجوان حسّ کنجکـاوی و میـل به انتقـاد و پرسـش بسـیار فعّال است. رسانه بایـد انتقادهای نوجوانان را از برنامه های خود، به خصوص برنامه هایی که پیام های دینی و توحیدی دارد، خواستار شود. هم چنین باید برای پرسش هایی که درباره ی پیدایش انسان، وجود خداوند، صـفات پروردگار، آثار ایمان و بی ایمانی وجود دارد، پاسخ های قانع کننده ای در برنامه های نوجوانان گنجانده شود.

در غیر این صورت، میل درونی نوجوان به سوال و انتقاد و کنجکاوی، باعث ایجاد برخی افسردگی ها در او می شود.

۳ ــ فلسفه ی زندگی، زندگی پس از مرگ، ترس از مرگ، ارزش شناسی، معیارشناسی حق و باطل و... از چیزهایی است که رادیو و تلویزیون، وظیفه ی حساسی در این شناخت و پاسخ گویی به پرسش های آن دارد.

۴ ــ انسـان در نوجوانی، هماننـد آتش زیر خـاکستر است. او کسـی است که می خواهـد وارد تونـل وحشت ناک «بلوغ» شود. بنابراین لازم است که رسانه، پیش آگاهی های لازم را به او بدهد. در غیر این صورت، فرد دچار مشکلات روانی، اجتماعی و رفتاری شده چنان در دام شیطان می افتد که شاید تا آخر عمر از مبدأ و معاد غافل و منحرف شود.

ج) وظایف رسانه در برابر گروه سنی ۱۴ تا ۲۱ سال (جوان)

دست اندرکاران تولید برنامه های خاصّ جوانان، تنها با در نگریستن به این سخن حضرت علی علیه السلام می توانند وظیفه ی حسّاس خود در برابر این گروه را دریابنـد: «دل جوان، ماننـد زمین آماده ای است که بایر است. هر بـذری که در آن افشانـده شود می پذیرد و در آغوش خود به خوبی می پروراند.»

اگر مسؤولان فرهنگی جامعه و صـدا و سـیما، سـرمشق هایی توحیـدی و معنوی را به جوانان معرفی نکردنـد، جوامع غربی این کار را به عهده خواهند

گرفت. رسانه باید توجه داشته باشد که در فیلم ها و دیگر برنامه ها، افراد هواپرست، حسود، متکبّر و...، همواره نقش های منفی و شکست خورده داشته باشند. به عکس، افراد با ایمان، مخلص، نمازگزار، ایثارگر، مقتدر و... دارای نقش های مثبت و پیروز باشند. از ساخت و تهیه ی فیلم هایی که زندگی نامه انسان های مُوحّد و مؤمن است، نباید غفلت کرد.

باید اعتقادات تقویت شود و جوانان راه ایمان را پیدا کنند. این توطئه ی غرب است که گمان کنیم برخی انسان ها دین دارند و برخی دیگر اخلاق و در برخی جاها هم نه باید به دین اعتماد کرد و نه به اخلاق، بلکه باید به فکر نوآوری و سنت شکنی بود.

این توطئه، نخست در دانشگاه مطرح شد و سپس موج آن، اقشار دیگر را نیز فرا گرفت. بنابراین مسؤولان فرهنگی، خصوصا صدا و سیما، باید تلاش کنند که باورهای دینی جوانان تقویت شود و تردید به دل های آنان راه پیدا نکند. باید به هشدارهای مدام و موکَّد مقام معظم رهبری ــ حضرت آیه اللّه خامنه ای ــ درباره ی خطر تهاجم فرهنگی بیش از پیش توجه کرد و از تقلید کورکورانه ی جوانان از افکار و اعمال غیر دینی که ارمغان تهاجم فرهنگی است، جلوگیری نمود. به امید آن که جوانان ما همان گونه که در میدان جبهه و جنگ، از امتحانات خود سربلند بیرون آمدند، در میدان جهاد فرهنگی نیز پیروز و موفق باشند.

د) تذکر مهمّ

ترویج عقاید و ارزش ها در هر جامعه و مقابله با هجوم دیگر عقاید به دوگونه انجام می گیرد:

۱ ــ راه بحث، گفتگو و استدلال که در آینده بدان اشاره خواهیم کرد.

۲ _ تحریک احساسات و عواطف. آن چه امروز دستگاه های تبلیغاتی غرب برای مبارزه با ارزش های اسلامی از آن استفاده می کنند، بیش تر تحریک احساسات و عواطف است.

آنان عقیده یا عملی را به گونه ای منظّم و مسلّم به بیننده یا شنونده تلقین می کنند. شنونده یا بیننده نیز بدون این که خود متوجه باشد، بی درنگ آن را می پذیرد؛ مثلاً چهره ی قهرمان فیلم را به گونه ای انتخاب می کنند که بیننده را به خود جلب می کند، تا این که خواه ناخواه، به صفات ظاهری و باطنی او گرایش پیدا می کند.

ما نیز باید فیلم ها و برنامه هایی بسازیم که به وسیله ی آن ها، عقاید و ارزش های اسلامی و توحیدی زنده شود و جامعه را تحت تأثیر قرار دهد.

۲ _ پخش ادعیه و مناجات ها

۲ _ پخش ادعیه و مناجات ها

دعا و مناجات معراج انسان، «قرآن صاعد» و باعث ارتباط انسان با مبدأ آفرینش و شناخت معاد است. توجه مسؤولان صدا و سیما در پخش ادعیه و مناجات ها و شرح و تفسیر آن ها، نتایج خوبی در زدودن غبارهای غفلت و انحراف و رشد و شکوفایی ایمان به توحید و معاد خواهد داشت. هم اکنون اگرچه «دعای ند به» از شبکه ی یک سیما و «دعای کمیل» از برخی شبکه های استانی پخش می شود، امّا تا اشباع حقیقتِ معارف ادعیه و مناجات ها در جامعه، راه بسیاری در پیش داریم.

۳ _ نمایش سرانجام مردمانی که در مسیر غیر توحیدی حرکت کرده اند

۳ _ نمایش سرانجام مردمانی که در مسیر غیر توحیدی حرکت کرده اند

از راه کارهای مناسب برای صدا و سیما، در روشن نمودن و از بین بردن عوامل غفلت و انحراف، تولید و نمایش فیلم ها، سریال ها و برنامه هایی در بیان چگونگی غفلت و عاقبت مردمی است که در مسیر غیر توحیدی حرکت

کرده اند. بیشتر آن ها نیز در قرآن کریم مطرح شده است. غفلت دست اندرکاران رسانه از این امر، جای بسی تأسف دارد.

به راستی چرا پس از ۲۲ سال که از عمر نظام مقدس جمهوری اسلامی می گذرد، تنها در سرگذشت قوم حضرت صالح علیه السلام و حضرت یعقوب علیه السلام فیلم ساخته شده است؟!

۴ ـ بیان زندگی و ویژگی های انسان های وارسته و به تصویردرآوردن آن ها

۴ ـ بیان زندگی و ویژگی های انسان های وارسته و به تصویردرآوردن آن ها

در خصوص معرفی سرمشق، باید به جوانان بیشتر توجه شود؛ چون جوانان تا هدف و نمونه های ایمان به مبدأو معاد را نبینند، پیمودن این راه برای آنها، همراه با سرگردانی خواهد بود. قرآن کریم نخستین سرمشق را رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم معرفی نموده می فرماید: «مسلّما برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی است».(۱) ائمه معصومین علیه السلام نیز باید سرمشق معرفی شوند. اگر تنها معصومین علیه السلام به عنوان سرمشق معرفی شوند، ممکن است برخی که همّت کمتری دارند، وقتی در خود توانایی پیروی و عمل همانند آنها را نبینند، دچار یأس و ناامیدی شوند؛ بنابراین، ضرورت دارد زندگی و ویژگی های عالمان و عارفان حقیقی و انسان های وارسته و موحّد به تصویر کشیده شود.

۱- احزاب، ۲۱.

معرفی مراکز، نهادها و کارشناسان

اشاره

معرفی مراکز، نهادها و کارشناسان

زیر فصل ها

مراکز

کارشناسان

پرسش هایی برای گفت و گو با مردم

پرسش های کارشناسی و میزگردی

مراکز

مراکز

۱ ــ درباره ی تمام مطالب مذکور: مرکز تحقیقاتی اسراء (قم ــ بلوار امین، کوچه شماره ی ۸، شماره ۱۳۷)

۲ ــ درباره ی تمام مطالب مذکور: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله (قم ــ بلوار امین، ۴۵ متری بسیج)

۳ ــ درباره ی فلسفه دین: پژوهشکده ی فلسفه و کلام اسلامی (قم ــ خیابان شهدا، کوچه آمار، شماره ی ۲۳)

۴ ــ درباره ی تمام مطالب مذکور: مؤسسه ی فرهنگی طاها (قم ــ خیابان حجّت، انتهای کوچه ۲، شماره ی ۵۸).

۵ ــ درباره ی تمام مطالب: مؤسسه ی فرهنگی در راه حق (قم ــ خیابان آیه اللّه مرعشی نجفی رحمه الله، کوچه شماره ی ۲۰)

۶ ــ درباره ی عقاید و تاریخ: مؤسسه ی فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام (قم ــ خیابان حجت، کوچه ۲، شماره ی ۵)

۷ ــ درباره ی شناخت امام زمان علیه السلام : مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر علیه السلام (قم ــ خیابان دورشهر، کوچه ۲۷، کوی ویلا، شماره ی ۳۱)

۸ ــ درباره ی شناخت امام زمان علیه السلام : امور فرهنگی مسجد مقدس جمکران (قم خیابان دورشهر، کوچه ۲۸، شماره ی

۹ _ درباره ی تمام مطالب: مؤسسه ی تحقیقاتی و بررسی مسایل اسلامی (قم _ خیابان صفاییه، کوچه آمار، مدرسه امام حسین علیه السلام)

۱۰ _ درباره ی تمام مطالب: مؤسسه پیام امام هادی علیه السلام (بلوار بهار، کوچه

آیه اللّه نجفی، شماره ی ۴۸)

۱۱ ـ درباره ی عقاید و کلام: مرکز تحقیقات حج (خیابان صفاییه، کوی ناصر)

۱۲ ـ درباره ی تمام مطالب: مرکز تحقیقات اسلامی جانبازان (خیابان صفاییه، کوچه ممتاز، کوچه پیشوایی، شماره ی ۵)

۱۳ ـ پاسخ به شبهات عقیدتی، مرکز پژوهش های اعتقادی (خیابان صفاییه، کوچه ممتاز، شماره ی ۳۴)

۱۴ ـ درباره ی زندگینامه ی علما: پژوهشکده ی باقرالعلوم علیه السلام (میدان آستانه، روبروی گلزار شیخان، طبقه ی بالای پاساژ حضرتی)

۱۵ ـ درباره ی زندگینامه ی علما: مرکز المعجم الفقهی (بین چهارمردان و سه راه بازار، مدرسه آیه اللّه گلپایگانی رحمه الله)

کارشناسان

کارشناسان

۱ ـ آیت اللّه جوادی آملی

۲ ـ آیت اللّه مصباح یزدی

۳ ـ علیرضا آل بویه

۴ ـ غلامحسین توکلی

۵ ـ علیرضا امینی

۶ ـ محمد سعیدی مهر

۷ ـ سیدمحمد حسینی

۸ ـ محمد جعفر امامی

۹ ـ محمدرضا آشتیانی

۱۰ ـ سیدعلی قاضی عسگر

پرسش هایی برای گفت و گو با مردم

پرسش هایی برای گفت و گو با مردم

۱ _ علاقه و دل بستگی مردم به دنیا تا چه مقدار است؟

۲ _ کمال و سعادت انسان در چیست؟

۳ _ حرام خواری در زندگی انسان چه اثری دارد؟

۴ _ تهاجم فرهنگی چیست؟ چه نتایج و آثاری در جامعه ی ما داشته است؟

۵ _ دوست و هم نشین بد در زندگی انسان چه اثری دارد؟

۶ _ آیا به همان مقدار که به رحمت و بخشش الهی امیدواریم، از بزرگی و جلال و عقاب او هم می ترسیم؟

۷ _ تکیه گاه مردم در خوشی ها و ناخوشی ها کیست؟

۸ _ تا چه حد در اعمال و افعال روزمرّه حضور خداوند را حسّ می کنیم؟

۹ _ عامل پیروزی ما در هشت سال دفاع مقدس چه بود؟

۱۰ _ آیا مردم ما از مرگ می ترسند؟ چرا؟

پرسش های کارشناسی و میزگردی

پرسش های کارشناسی و میزگردی

۱ _ رابطه ی توحید و معاد چگونه است؟

۲ _ جایگاه توحید و معاد نسبت به فرد و جامعه چیست؟

۳ _ رابطه ی هواپرستی و غفلت با توحید و معاد چگونه است؟

۴ _ شناخت ائمه علیه السلام چه تأثیری در از بین بردن غفلت و انحراف دارد؟

۵ _ معرفت به نفس چیست؟ چه اثری در از بین بردن غفلت دارد؟

۶ ــ حوزه ی مفهومی «ظلم» کجاست و چه تأثیری در ایجاد غفلت و انحراف دارد؟

۷ _ رابطه ی ایمان به مبدأ و معاد با توسعه ی اقتصادی چگونه است؟

۸ _ رابطه ی ایمان و آزادی چگونه است؟

۹ _ رابطه ی ایمان به توحید و معاد، با عزّت و اقتدار ملّی چگونه است؟

۱۰ _ رابطه ی بی ایمانی با سستی در انجام واجبات الهی چگونه است؟

۱۱ _ رابطه ی بی ایمانی با تبه کاری و ستم گری فرد و جامعه چگونه است؟

۱۲ _ رابطه ی بی ایمانی با تنگی در معیشت و عدم نزول برکات الهی چگونه است؟

سخن پایانی

معارف دینی باید در جامعه ی ما _ به خصوص نسل جوان _ از بحث و گفتگو فراتر رود و در اعماق جان ها نفوذ کند. چه آنکه تا ایمان حقیقی در اعماق جان ها نفوذ نکند پیروزی عملی حاصل نخواهد شد. اینجاست که وظیفه ی حسّاس و خطیر مسؤولان کشور _ به خصوص مسؤولان فرهنگی صدا و سیما _ در تبیین معارف دینی و عقیدتی روشن می شود. وقتی حکومتی به نام اسلام در کشوری تشکیل می شود، پیش از هرچیز باید مبانی ایدئولوژیک خویش را در دل ملّت ریشه دار گرداند، تا مردم با خواست قلبی به سمت تطبیق دین و اجتماع گام بردارند. متأسفانه پس از گذشت بیش از دو دهه از انقلاب اسلامی، این امر در کشورمان صورت نگرفته است. جوانان بیست ساله ی ما که فرزندان صد در صد خالص انقلاب اسلامی اند، آشنایی چندانی با مبانی دینی و منش اسلامی ندارند و در نتیجه مایل به اجرای احکام دینی هم نیستند.

معرفی کتاب

۱ ـ اصول عقاید، استاد محسن قرائتی.

۲ ـ معارف اسلامی، استاد مرتضی مطهری

۳ ـ تکامل اجتماعی انسان، استاد مرتضی مطهری

۴ ـ فلسفه ی اخلاق، استاد مرتضی مطهری

۵ ـ سرای دیگر، آیت اللّه دستغیب

۶ ـ نظریه ی ایمان در عرصه ی قرآن و کلام، محسن جوادی

۷ ـ رسالت قرآن، آیت اللّه جوادی آملی

۸ ـ عمل و ضرورت آن، جلال گنجه ایی

۹ ـ نردبان آسمان، آیت اللّه بهاءالدینی

۱۰ ـ عصر بازگشت به ایران، جعفر سبحانی تبریزی

۱۱ ـ معرفت اللّه، آیت اللّه مکارم شیرازی

۱۲ ـ سفری از شک تا ایمان، مصطفی محمود، برگردان، محمدمهدی فولادوند.

فهرست منابع و مآخذ

۱ ــ قرآن کریم

۲ ــ سیدرضی، نهج البلاغه، برگردان: فیض الاسلام

۳ ــ محدّث قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان

۴ ــ مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲

۵ ــ استاد مطهری، مرتضی، طهارت روح، نشر ستاد اقامه ی نماز، چاپ سوم، ۱۳۷۴

۶ ــ استاد مطهری، مرتضی، حماسه ی حسینی، انتشارات صدرا، چاپ بیست و یکم، ۱۳۷۳

۷ ــ کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، برگردان، سیدجواد مصطفوی، دفتر نشر فرهنگی اهل بیت علیه السلام

۸ ــ شیخ حر عاملی، محمدبن الحسین، وسایل الشیعه، المکتبه الاسلامیه، ۱۳۷۴

۹ ــ محدّث نوری، مستدرک الوسایل، المکتبه الاسلامیه، ۱۳۴۳

۱۰ ــ محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه (عربی)، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۲

۱۱ ــ بازرگان، مهدی، مباحث بنیادین (مجموعه ی آثار شماره ی ۱)، انتشارات قلم، چاپ اول، ۱۳۷۷

۱۲ ــ امام خمینی، روح الله، چهل حدیث، مؤسسه ی تنظیم و نشر اثار امام خمینی، چاپ پنجم، ۱۳۷۳

۱۳ ــ امام خمینی، روح الله، آداب الصلوه، مؤسسه ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم، ۱۳۷۳

۱۴ ـ آیت اللّه جوادی آملی، عبدالله، یاد معاد، مرکز نشر فرهنگی رجا، چاپ سوم، ۱۳۷۵

۱۵ ـ فیض کاشانی، محجه البیضاء، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۲

۱۶ ـ آیت اللّه مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، چاپ یازدهم، ۱۳۷۲

۱۷ ـ شیخ انصاری، مرتضی، فرائد الاصول (۲ جلدی)، مؤسسه ی نشر اسلامی، چاپ ششم، ۱۴۱۶ ه . ق.

۱۸ ـ آمدی، عبدالواحد، غُرر الحکم و دررالکلم (۲ جلدی) برگردان، محمدعلی انصاری

۱۹ ـ آیت اللّه دستغیب، سیدعبدالحسین، گناهان کبیره، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه ی مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ هشتم، ۱۳۷۴

۲۰ ـ حسن زاده ی آملی، حسن، هزار و یک کلمه، انتشارات دفتر تبلیغات قم، چاپ اول، ۱۳۷۳

۲۱ ـ حسن زاده ی آملی، حسن، مجموعه ی مقالات، انتشارات دفتر تبلیغات قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۶

۲۲ ـ حسن زاده ی آملی، حسن، انّه الحق، انتشارات قیام، قم، چاپ اول، ۱۳۷۳

۲۳ ـ شیخ صدوق، محمدبن علی، علل الشرایع، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶

۲۴ ـ طیّب، سیدعبدالحسین، کلم الطیّب، کتابخانه ی اسلام، چاپ چهارم، ۱۳۶۲

۲۵ _ قرضاوی، یوسف، نقش ایمان در زندگی، نشر احسان، چاپ دوم، ۱۳۷۴

۲۶ _ عزیزی، عباس، جامع آیات و احادیث نماز، انتشارات نبوغ، چاپ دوم، ۱۳۷۳

۲۷ _ الله وردی خانی، علی، مبدأ و معاد، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ دوم، ۱۳۷۶

۲۸ _ محمدی اشتهاردی، محمد، بحث هایی درباره ی خدا، انتشارات پیام اسلام، قم، ۱۳۹۱ ه . ق.

۲۹ _ ملکی تبریزی، میرزا جواد، اسرار الصلوه، انتشارات پیام آزادی، چاپ هفتم، ۱۳۷۶

۳۰ _ رسولی محلاتی، سیدهاشم، کیفر گناه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوازدهم، ۱۳۷۴

۳۱ _ محدّث قمی، شیخ عباس، مقامات العلمیه، نشر نیایش، چاپ اول، ۱۳۷۵

۳۲ _ قرائتی، محسن، گناه شناسی، انتشارات پیام آزادی، چاپ نهم، ۱۳۷۳

۳۳ _ بهشتی، محمود، سیر و سلوک، انتشارات مانی، چاپ اول، ۱۳۷۶

۳۴ _ جابری انصاری، محمدحسن، نورالثقلین، تهران، چاپخانه ی اسلامیه

۳۵ _ نجاتی، حسین، روانشناسی نوجوانی، انتشارات بیکران، چاپ اول، ۱۳۷۶

۳۶ _ بستانی، محمود، اسلام و روان شناسی، ترجمه محمود هوشیم، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ دوم، ۱۳۷۵

۳۷ _ ارزانی، حبیب اللّه، جوان دنیای ناشناخته، انتشارات بصائر، چاپ اول، ۱۳۷۸

ص:۱۰۷

۳۸ _ حسن زاده ی آملی، حسن، رساله نورٌ علی نور، انتشارات تشیع، قم، چاپ سوم، ۱۳۷۴

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹